



کتابخانه رسمی مطهر حضرت معصومه علیها السلام

و خطبه های اطراف آن

دکتر منوچهر ستوده

مکتبہ اسلامیہ

کراچی

۱۲

۱۳

۱۴

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

کتابخانه تخصصی
تاریخ اسلام ایران
۱۳۷۲

کتابخانه‌ی مسمی‌مطهر حضرت معصومه علیها السلام

و خطبه‌های اطراف آن

دکتر منوچهر ستوده



کتابخانه
حضرت آية الله العظمى
مرعشي نجفی قم

نام کتاب: کتابه های حرم مطهر حضرت معصومه (س) و حظیره های اطراف آن

مؤلف: دکتر منوچهر ستوده

ناشر: کتابخانه حضرت آية الله العظمى مرعشی نجفی (ره) - قم

سال نشر: ۱۳۷۵ ش، ۱۴۱۷ ق - چاپ اول

لیتوگرافی: تیزهوش - قم

چاپخانه: حافظ - قم

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴ - ۶۱۲۱ - ۰۱ - ۲

ISBN 964 - 6121 - 01 - 2

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب «کتابه‌های حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها و حظیره‌های اطراف آن» که با زحمات بسیار استاد فرزانه آقای دکتر منوچهر ستوده جمع‌آوری و منتشر می‌گردد، مجموعه‌ای است که علاقمندان را از تاریخچه پاره‌ای از بیوتات و متعلقات آن آستانه مقدسه آگاه می‌سازد. زمانی ایشان این کار را آغاز کردند که بعضی از آثار تاریخی آستانه مقدسه دستخوش ویرانی‌های ناشی از عدم آگاهی متصدیان وقت قرار نگرفته بود، و هم‌اکنون بسیاری از تصاویر کتابه‌ها که در این کتاب آمده است وجود نداشته و بکلی از میان رفته است. خوشبختانه جناب ایشان با دقت نظر و پیگیری فراوان موفق شدند آنها را بررسی و بنحو شایسته در این مجموعه فراهم سازند. اینجانب نیز از فرصت‌های مناسب برای روشن شدن بیشتر پیشینه تاریخ قم سود جسته و بهمین دلیل چاپ و انتشار این اثر را پذیرفته، و اینک واحد انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) آن را به علاقمندان تقدیم می‌دارد. امید است این خدمت ناچیز در درگاه آن کریمه اهل بیت قبول افتد.

قم - سید محمود مرعشی نجفی

مهرماه ۱۳۷۵

فهرست

یک - نه	سرآغاز
۱ - ۳	آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله عليها
۵	کتابه‌های پهلوها یا بدنه مرقد مطهر
۶	کتابه ضریح کاشی شاه طهماسبی
۷	کتابه ضریح نقره
۸	کتابه ضریح
۱۱	ضریح جدید
۱۲	کتابه سنگ مرمر پای ضریح نقره
۱۴	کتابه در ورودی ایوان طلا که اکنون در موزه است
۱۷	کتابه‌های درهای شرقی روضه مطهره که اکنون در موزه است
۲۰	کتابه در دوم در دیوار رواق که به ایوان آینه باز می شود
۲۱	کتابه یکی از درهای روضه مطهر که به مسجد بالاسر باز می شود
۲۲	کتابه‌های در ورودی دو لنگه‌ای ایوان طلا
۲۴	کتابه‌های در دو لنگه‌ای حرم مطهر از ایوان آینه
۲۵	کتابه حاشیه دو لنگه در ورودی حرم از رواق طرف ایوان آینه

۲۷	کتابه آینه کاری روضه مطهره
۲۷	کتابه کاشی به خط ثلث بر دیوار غربی حرم مطهر از طرف در ورودی ایوان طلا
۲۸	کتابه ای بر کاشی به خط ثلث بر دیوار حرم مطهر در پیش روی مبارک
۲۸	کتابه ای بر کاشی به خط ثلث بر دیوار حرم پایین پای مبارک
۲۹	کتابه طرف غربی داخل حرم شریف
۲۹	کتابه گچ بری رواق بالاسر مرقد مطهر
۳۳	کتابه های مدفن شاه صفی و شاه عباس دوم
۳۴	کتابه های مدفن شاه عباس دوم در رواق حرم
۳۴	کتابه اطاقی که در آن مرقد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است
۳۶ - ۳۹	کتابه های مسجد بالاسر
۳۶	کتابه سر محراب مسجد بالاسر
۳۶	تاریخ مسجد بالاسر
۳۷	کتابه های دیگر مسجد بالاسر
۳۸	اشعار کتابه مسجد بالاسر که چند بیتي از آن انتخاب شده است
۳۸	کتابه نورگیر هشت ضلعی اول در مسجد بالاسر
۳۹	کتابه نورگیر هشت ضلعی دوم در مسجد بالاسر
۳۹	مدفونین در مسجد بالاسر
۳۹	مسجد طباطبائی
۳۹ - ۴۵	کتابه بالای ایوان طلا در صحن عتیق
۴۰	کتابه افقی پایین ایوان طلا
۴۰	کتابه دارالحفاظ در مدخل ایوان طلا
۴۱	کتابه سنگ مرمر اطراف در ورودی ایوان طلا

- ۴۲ کتابه بالای مقبره‌ها، دور صحن عتیق، قصیده معجزیه
- ۴۵ کتابه بالای ایوان آینه
- ۴۶ کتابه دور گنبد مطهر از خارج
- ۴۷ کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان طلا
- ۴۷ کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان آینه
- ۴۷ کتابه بالای سردر ورودی صحن عتیق به مدرسه فیضیه
- ۵۴-۴۸ مقبره مهدعلیا در صحن عتیق متصل به ایوان طلا
- ۴۹ مدفونین در مقبره مهدعلیا، کتابه سنگ قبر فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه و...
- ۵۰ کتابه سنگ قبر حاجی مجدالدوله
- ۵۴-۵۱ مقبره معتمدالدوله منوچهر خان گرجی در صحن عتیق
- ۵۲ ابیاتی که بر در ورودی این مقبره است
- ۵۴ ابیات و مصراعهایی که بر در دیگر باقی مانده است
- ۷۱-۵۴ مقبره فتحعلی شاه قاجار در صحن عتیق، ابیاتی که بر دو لنگه در ورودی...
- ۵۵ ابیاتی که بر دو لنگه در شرقی مقبره فتحعلی شاه حک شده است
- ۵۶ ابیاتی که بر دو لنگه در غربی مقبره فتحعلی شاه حک شده است
- ۵۷ سنگ قبر فتحعلی شاه قاجار
- ۵۸ مدفونین در مقبره فتحعلی شاه
- ۶۰ کتابه‌های بالای سر فتحعلی شاه در یکی از صفه‌های هشتگانه
- ۶۸ کتابه‌ای بر سنگ بر دیوار راست ایوان مقبره فتحعلی شاه قاجار
- ۶۹ اعمال خیر که در عهد دولت خاقان مبرور به ظهور رسید...
- ۷۰ ابیاتی بر سنگ بر دیوار دست راست ایوان مقبره فتحعلی شاه
- ۷۰ کتابه سنگی بر دیوار چپ ایوان مقبره فتحعلی شاه

۷۱	کتابه سنگی بر دیوار چپ همین ایوان
۷۲-۷۳	مقبره مستوفی الممالک، سنگ قبر میرزا حسن خان مستوفی الممالک
۷۳	کسانی که در مقبره مستوفی به خاک سپرده شده‌اند
۷۳	مقبره شماره شش صحن عتیق
۷۴	مقبره قهرمان میرزا پسر عباس میرزا
۷۴	مقبره فرخ خان امین الدوله در صحن عتیق
۷۵-۷۸	مقبره محمدشاه قاجار در صحن عتیق
۷۶	کتابه سنگ قبر محمدشاه قاجار
۷۶	مدفونین در مقبره محمدشاه قاجار، کتابه سنگ قبر علی نقی میرزا رکن الدوله...
۷۸-۷۹	مقبره شماره شانزده صحن عتیق، مقبره محمدابراهیم خان خواجه نوری
۷۸	در حاشیه بالا و پایین سنگ
۷۹	کسانی که در مقبره محمدابراهیم خان خواجه نوری به خاک سپرده شده‌اند
۸۰-۹۹	کتابه‌های اطراف صحن جدید یا صحن اتابکی و کتابه‌های درهای آن
۸۰	قصیده اول
۸۵	قصیده دوم
۸۶	کتابه سردر ایوان شمالی داخل صحن
۸۶	کتابه سردر ایوان شمالی از خارج
۸۷	کتابه بیرون سردر صحن شرقی
۸۷	کتابه بیرونی ایوان جنوبی صحن طرف خیابان موزه
۸۷	کتابه‌های درهای جدید که در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال ساخته شده‌اند
۸۷	کتابه در شمالی طرف میدان آستانه
۸۷	کتابه دری که در سردر ورودی اتابکی نصب شده است

- ۸۷ کتابه در جنوبی طرف خیابان موزه
- ۸۸ کتابه سنگ قبر قطب راوندی
- ۸۸ کتابه های مقبره شماره یک صحن اتابکی
- ۸۸ کتابه های مقبره شماره سه صحن اتابکی
- ۸۹ سنگ قبر میرزا حسن خان وثوق
- ۹۰ کتابه های مقبره شماره چهار صحن اتابکی
- ۹۰ کتابه های مقبره شماره شش صحن اتابکی، سنگ قبر میرزا علی اصغر خان اتابک
- ۹۱ مقبره خانوادگی دیبا، مقبره حاجی ناصرالسلطنه دیبا
- ۹۲ مقبره شماره سی و شش صحن اتابکی، مقبره حاجی سید کمال مدرس
- ۹۳ مقبره شماره سی و یک صحن اتابکی
- ۹۳ مقبره شماره سی و هفت صحن اتابکی
- ۹۳ مقبره شماره سی و هشت صحن اتابکی
- ۹۴ مقبره شماره چهل و یک صحن اتابکی، مقبره حاج شیخ فضل الله نوری
- ۹۴ مقبره شماره چهل و سه صحن اتابکی
- ۹۴ کتابه سردر کوچه حرم از بیرون
- ۹۴ کتابه سه طرف سردر کوچه حرم از داخل
- ۹۵ کتابه بیرون سردر اتابکی
- ۹۶ کتابه سه طرف ایوان سردر اتابکی
- ۹۷ کتابه وسط ایوان قسمت بالا زیر مقرنس
- ۹۷ کتابه پیشانی ایوان اتابکی در صحن جدید
- ۹۷ کتابه بیرون سردر قبلی صحن اتابکی
- ۹۷ کتابه افقی در دو طرف در

- ۹۸ کتابه داخلی سردرِ قبلی صحن اتابکی
- ۹۸ کتابه کوفی بالای کلمات ثلث
- ۹۸ کتابه سردرِ ورودی صحن شرقی متصل به مسجد طباطبائی
- ۹۹ سردرِ میان صحن عتیق و جدید
- کتابه کاشی بالای سردرِ ورودی مدرسه فیضیه که به صحن عتیق می‌رود با خط ثلث سفید بر زمینه
- ۹۹ آبی و گل و بوته‌های اسلیمی
- ۱۰۰ کتابه کوفی بالای همین خط ثلث با رنگی زرد
- ۱۰۰ دو بیت به خط نستعلیق زرد رنگ زیر همین کتابه
- ۱۰۰ کوفی معقلی بالای همین سردر
- ۱۰۰ کتابه‌ای بر سنگ بر بالای همین سردر
- ۱۰۱ کتابه ایوانهای مدرسه فیضیه
- ۱۰۲ کتابه ایوان شمالی که مقابل ایوان شاه طهماسبی است
- ۱۰۳ کتابه ایوان زیر شاه‌نشین مدرسه فیضیه
- ۱۰۳ ابیاتی که بر کتابه شاه‌نشین مدرسه فیضیه است
- ۱۰۵ - ۱۰۶ کتابه‌های آب‌انبار مدرسه دارالشفاء، با خط ثلث سفید بر زمینه آبی
- ۱۰۶ ابیاتی به خط نستعلیق بر بالای همین آب‌انبار بر کاشی است با خط آبی بر زمینه زرد
- ۱۰۶ با خط زرد بر زمینه سیاه
- ۱۰۶ کتابه سردرِ شمالی مدرسه دارالشفاء از خارج
- ۱۰۶ کتابه سردرِ شمالی مدرسه دارالشفاء از داخل
- ۱۰۷ کتابه‌های سردرِ میان مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفاء...
- ۱۰۷ کتیبه‌ای بر سنگ مرمر سفید به خط نستعلیق
- ۱۰۸ کتابه‌ای بر سنگ بر گوشه سمت راست سردرِ آب‌انبار

- ۱۰۸ کتابه‌های جعبه جواهرات در موزه آستانه حضرت معصومه
- ۱۰۹ کتابه چهل چراغ برنجین در موزه آستانه مطهره
- ۱۰۹ محراب مسجد موزه
- ۱۱۰ کتیبه بالایی دور گنبد
- ۱۱۰ کتیبه پایین دور گنبد
- ۱۱۰ کتابه سنگ قبر سیاه
- ۱۱۰ مرافق و تنبی‌های دور روضه مطهره

سرآغاز

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده
مندرجات این کتاب متن کتابه‌های تاریخی آستانه متبرکه حضرت معصومه سلام الله علیها است که در سال ۱۳۵۲ شمسی به مدت دو ماه گردآوری و برای چاپ آماده شد .
گفتن اینکه فواید تاریخی و هنری این گونه آثار ، خواه از لحاظ جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی و کیفیت هنری به چه میزان است ، ضرورتی ندارد . اما خوانندگان توجه خواهند داشت که آگاه شدن از سرگذشت ابنیه متبرک بدون تفحص و تجسس در کتابه‌های ساختمانها و سنگهای قبور میسر نخواهد بود .
پس این مجموعه گویای وصفی است که آستانه متبرکه قم در سال ۱۳۵۲ شمسی داشته و برای آیندگان منبعی است که متن کتابه و منقورات بر سنگ و چوب و فلز را خواهند دانست و می‌تواند منبع تحقیق برای ایشان باشد .

سرگذشت این کتاب

کتابها چون آدمیان هریک سرنوشتی جداگانه دارد . گلیم بخت کتاب حاضر را با اینکه حاوی آیات بیّنات کلام الله مجید و احادیث نبوی و قدسی بود ، سیاه بافته بودند . از اینرو سالهایی چند به آب زمزم و کوثر سفید نشد و چاپ آن در انتظار ناخنی گره گشا بود و تا اوایل فروردین ۱۳۷۴ شمسی به شکل دستنویس

باقی ماند . سرنوشت این کتاب به داستان بیشتر شباهت دارد . بشنوید ای دوستان این داستان :

چند سالی پیش از انقلاب دستگاه دربار بر اثر بدگمانی به خاندان قدیمی تولیت که سالیان سال متولی آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها بودند ، تشریف نیابت تولیت را بر بالای آقای عبدالوهاب اقبال برازنده تر یافت و او را به جای افراد آن خاندان قدیمی نایب التولیه انتخاب کرد .

پس از استقرار بر مصطفی تولیت آقای اقبال بدین فکر افتاد که از این مقام استفاده کند و برای خود ذخیره ای لیوم المعاد بیندوزد و در ضمن آثار مرمت و تعمیری را که در این آستانه متبرکه شده بود به چشم مردم بکشد . پس نامه ای به ریاست دانشگاه تهران نوشت و کمک فکری خواست . این نامه به دانشکده ادبیات و علوم انسانی رسید . در این وقت آقای دکتر سید حسین نصر بر مسند ریاست دانشکده مستقر بود . ایشان دوست عزیز و دانشمند آقای محمدتقی دانش پژوه را برای فهرست نویسی کتب کتابخانه آستانه مقدسه تعیین کردند . چون ضبط و ثبت کتابه های مرقد مطهر و کتیبه های ساختمانهای دیگر و سنگهای قبور مقبره ها نیز مورد نظر بود ، قرعه فال به نام من دیوانه زدند .

آقای دانش پژوه و این ناچیز در حدود دو ماه سعی بین صفا و مروه کردیم . ناچار یکی دو روز را در تهران و سه چهار شب را در قم می گذرانیدیم . تا کارمان به پایان رسید . آقای دانش پژوه فهرستی مرتب و منظم از کتب کتابخانه آستانه متبرکه که نوشتند و به چاپخانه سپردند . چون چاپ کتاب ایشان صورت عادی داشت و هزینه زیادی بر نمی داشت ، پس از دو سه ماه از چاپ بیرون آمد .

اما مطلبی که بنده ضبط و ثبت کرده بودم ، نصوص آیات مبارکات قرآن کریم و احادیث نبوی و قدسی بود و مخلص قصد داشت این مطالب را به صورتی متناسب با کتیبه ها چاپ کند . از اینجا اختلاف نظری با نایب التولیه منصوب پیدا شد . یک بار ایشان مرا به بازار قم پیش پیر مردی که هنوز دستگاه چاپ سنگی داشت ، راهنمایی کرد . رفتم و کارهای او را دیدم و نپسندیدم . بار دیگر وادار شدم تا از آشنایی با سپهد فرج الله آق اؤلی - رئیس وقت انجمن آثار ملی - استفاده کنم و از ایشان کمک مالی بگیرم . پس با آقای اقبال به بانک سپه رفتیم و ایشان را به شادروان آق اؤلی معرفی کردم .

سپهد آق اؤلی پس از شنیدن نام « اقبال » برافروخته شد و او را مخاطب ساخت و پرسید : « شما به چه حقی سنگ قبر پدر مرا که در ایوان طلا بود نابود کردید و صورت قبر او را با مرمر که بود بروجرد پوشانیدید ؟ شما با سنگ فرشی که جلو ایوان طلا کرده اید نام سه تن از شعرا و خطاطان را از میان برده اید . شما متولی آستانه حضرت معصومه هستید یا مأمور تخریب و محو آثار تاریخی این سرزمین ؟ »

اقبال جواب قانع کننده‌ای نداد. آق اؤلی هم سکوت کرد و به کار خود ادامه داد. سکوت فضا را فراگرفت و ما مجبور شدیم بدون کسب اجازه از اطاق خارج شویم. تیری که اقبال در چله کمان داشت، اینجا نیز به سنگ خورد. عاقبت مرا مأمور انجام امور چاپ این کتاب کرد. بنده پس از مشورت با آقای دکتر مسعود گلزاری قرار بر این گذاشتیم که به چاپ بهمن نزد مرحوم محمود مطیر برویم و چنین کردیم. مرحوم مطیر پس از آگاه شدن از مقصود ما و خصوصیات که در چاپ کتاب مورد نظر بود، گفت «من با این شرایط تعیین قیمت نمی‌توانم کرد. اجازه بفرمایید هشت صفحه از این کتاب را حروف چینی کنم و برای چاپ آماده گردانم.» پس از یک هفته این کار انجام گرفت و صورت هزینه‌ای که کتاب برمی‌داشت آماده شد.

این جانب صورت مخارج را در دفتر تولیت به آقای اقبال نشان دادم. او گفت «این قیمت زیاد است و پرداخت آن برای آستانه مقدور نیست.»

در صورتی که سه شب پیش از این جریان که این بنده در مراسم غبار رویی شرکت کرده بودم، وقتی وارد ضریح مطهر شدم تا زانو اسکناس بود که آنها را در دو کیسه بزرگ جمع کردند و وزن آلات زرین و سیمین که زائران نیاز کرده بودند به دو کیلو گرم رسید.

کار که به اینجا رسید، بنده تقاضای مخارج آمد و رفت سفرهای قم و اقساط قرارداد را کردم. مرحوم اقبال پرداخت آنها را موکول به پایان یافتن کار کرد.

آخر الامر کارمان به دادگاه و دادسرا کشید. از دوست ارجمند آقای عبدالرحمن عمادی - وکیل دادگستری - یاری خواستم. ایشان با اقدامات قانونی که انجام داد، مقصود حاصل شد، اما این کتاب و من همچون «دو تنها و دو سرگردان دو بیکس» بی سرانجام ماندیم.

رفقا و دوستانی که کم و بیش از سرنوشت این کتاب آگاه بودند، چاپ این کتاب را مدّ نظر داشتند. بر اثر توجه و عنایت آقای دکتر محمدحسن سمسار و آقای عنایت‌الله مجیدی بود که حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی چاپ آن را در سلسله انتشارات کتابخانه والد بزرگوار خود مرحوم آية الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی قرار داد. از خداوند متعال توفیق و سعادت ایشان را خواستارم.

عکسهای کتیبه‌ها و سنگهای قبور که در منتهای دقت گرفته شده نتیجه سالیان دراز تجربه و همکاری آقای امیر (محمد) کاشفی است که پا به پای این ناچیز قدم‌رنجه کردند. ذوق و هنر ایشان از عکسها

مشهود است . مراتب تشکر و امتنان مرا خواهند پذیرفت . فقط عکس اول کتاب را مرحوم سید محمد تقی مصطفوی تهیه کرده است . روزی در ضمن کار اظهار کردند که من عکس کاشیهای مرقد مطهر را دارم و این عکسها را هم من تصادفاً تهیه کرده‌ام و جریان آن بدین قرار بود :

تولیت سابق برای حفاظت کاشیهای مرقد مطهر ، دور مرقد را با جامهای شیشه پنچ میلی متری پوشانده بود . پس از چندی متوجه شدند که داخل شیشه‌ها بخار جمع شده و عرق کرده است و احتمال دارد این رطوبت کاشیها را نیز خراب کند . کاشیها را از روی مرقد جمع کرده بودند و در پشت بام زیر آفتاب گذاشته بودند تا خشک شود . من در بازدید از گلدسته‌ها متوجه کاشیها شدم و عکسی از مجموع آنها تهیه کردم . ایشان فیلم این عکس را در اختیار بنده قرار دادند و عکس نخستین کتاب عکسی است که مرحوم مصطفوی تهیه کرده است . یادش به خیر ساقی مسکین نواز من . باقی عکسها نتیجه ممارست و تجربه آقای کاشفی است .

صفحه آرای و تنظیم سطور صفحات کتاب و فواصل کلمات و تنظیم عکسها و تهیه فهرست اعلام مدیون دقت نظر و سنجیگرهای آقای دکتر مسعود گلزاری است . از زحمات ایشان تشکر می‌کنم و سپاسگزاری می‌نمایم .

بر خود واجب می‌دانم از همه کسانی که در این امر خیر مرا یاری کرده‌اند تشکر کنم و اجر ایشان را به خداوند تبارک و تعالی واگذارم .

منوچهر ستوده

کوشک اول مردادماه ۱۳۷۴ شمسی

اطلاعاتی پراکنده دربارهٔ مرقد مطهر حضرت معصومه سلام الله علیه

در فهرست آثار و ابنیه تاریخی کشور این آستانه را به شماره ۱۲۸ ثبت کرده‌اند. ساختمان بارگاه و مرقد شریفه از اواسط سده سوم ه. ق. شروع شد و در طول سده چهارم و پنجم و ششم قبه و گنبد داشت و تزییناتی در آن شده بود.

در دوران سلاطین صفوی صورت آبادانی بیشتری پیدا کرد و آستانه عظمت و جلال و شکوهی که درخور آن بود یافت. به دستور شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۵ ه. ق. ایوان شمالی بنا شد. در زمان شاه طهماسب اول (۹۳۰ تا ۹۳۹) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷) بنای آستانه سر و صورتی یافت و داخل آن را بسیار تزیین کردند.

بنای آستانه دارای دو صحن قدیم و جدید، ایوان آئینه با گلدسته‌های آن، رواق، ضریح، مرقد مطهر، مسجد بالاسر، صحن زنانه، و ایوان و گنبد طلاست. چند در زرین و سیمین و خاتم در این ابنیه به کار رفته است.

ناظم اشعار کتیه‌های منظوم آستانه مقدسه، محتشم کاشانی، فتحعلی خان صبای کاشانی، شوریده شیرازی و ریاضی یزدی هستند.

کاشیهایی که بر مرقد مطهر حضرت معصومه است در طول سالهای ۶۰۵ تا ۶۱۳ ه. ق. ساخته شده است و وضع فعلی آنها از این قرار است:

در روی مرقد پانزده عدد کاشی به درازای ۲۹۵ متر و پهنای ۱۲۰ سانتی متر قرار داده شده است. بدنهٔ قبر از سه نوع کاشی پوشیده شده است. کاشی خشتی لب برگردان، کاشی تمام کوکبی، کاشی خشتی

که زیر کاشیهای کوکبی نصب شده است .

در روی مرقد سه نوع کتیبه دیده می شود :

۱. کتیبه کوفی برجسته به رنگ شنگرف ؛

۲. کتیبه نوعی خط که تعیین و تشخیص آن مشکل است و باید آن را خط کاشی نگاری خواند ؛

۳. کتیبه خط نسخ طلایی که زمینه کاشیهای آن لاجوردی ، قلم طلا ، قهوه ای ، نقره ای و دارای

نقشهای مختلف است .

بنای کاشیهای مرقد مطهر طبق کتیبه « مظفر بن احمد بن اسماعیل » و نویسنده خطوط « ابو زید » و

سازنده کاشیها « محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین » هستند (تاریخ قم ، ص ۷۶).

* شاه صفی نواده شاه عباس کبیر و شاه عباس دوم و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین و شاه طهماسب دوم

از خاندان صفوی نزدیک به مرقد مطهر دفن شده اند .

* در سال ۵۲۹ هـ . ق . شاه بیگم گنبد سابق را خراب کرد و به جای آن گنبدی با شکوه ساخت .

* در سال ۹۲۵ هـ . ق . شاه اسماعیل صفوی ، ایوان شمالی را با کاشی فیروزه فام بیاراست و صحن عتیق را

شالوده ریخت .

* در سال ۹۵۰ هـ . ق . ضریح کاشی دور مرقد مطهر به دستور شاه طهماسب و به دست اعتماد الدوله

ساخته شد .

* در سال ۱۰۷۷ هـ . ق . شاه صفی اول صحن زنانه را ساخت .

* در سال ۱۲۱۸ هـ . ق . فتحعلی شاه گنبد مرقد مطهر را طلا کرد .

* در سال ۱۲۳۶ هـ . ق . مسجد بالاسر بنا شد .

* در سر قبر فتحعلی شاه سنگ مرمر بزرگی به دیوار نصب است که بر آن خلاصه « کلام الملوک » میرزا

تقی خان علی آبادی حک شده است و شامل نسب نامه و شرح حال خاقان است و فاضل خان گزوسی

آن را خلاصه و موجز نموده ، این خلاصه به خط میرزا محمد حسین شهیر به « ساعت ساز » است که از

مشاهیر نویسندگان و خطاطان آن عصر بود . به دستور محمد شاه این کتیبه بر دیوار نصب شد .

* بقعه محمد شاه قاجار از بناهای میرزا تقی خان امیر کبیر است که در زمان صدارت خود ، دو حجره از

حجرات صحن را خراب نمود و این بقعه را به جای آنها بنا کرد . بر روی مضجع او سنگی از مرمر

است که تمثال آن پادشان را بر آن نقش و حجاری کرده اند . بر دو طرف تمثال کتیبه ایست به خط سید

حسین خوشنویسبازی که این ابیات را از شمس الشعراء میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی بر سنگ حک کرده‌اند .

به گِل شد علی‌رغم آن کس که گفت که خوشید بر گِل شاید نهفت
خطا گفتم او زنده بر تخت زر نشسته است لیکن به شکل دگر
نه یک گلبن است آنکه در هر بهار گُلی چون گُل رفته آرد به بار

* در سال ۱۲۷۵ هـ. ق. به دستور ناصرالدین شاه ضریح فولادین را تبدیل به ضریح نقره کردند .

* در سال ۱۲۹۹ هـ. ق. آقا ابراهیم امین‌السلطان شالوده صحن جدید را ریخت و میرزا علی‌اصغر خان اتابک در سال ۱۳۰۳ هـ. ق. آن را تمام کرد . معمار این ساختمان استاد حسن است که بنای تیمچه بزرگ قم و طاق مسجد سپه‌سالار جدید یعنی مسجد میرزا حسین خان سپه‌سالار از آثار اوست .

* کتیبه‌های نستعلیق ضریح کنونی به خط سید ابو طالب کزویی است .

از کتابهای زیر می توان اطلاعاتی دربارهٔ مرقد
مظهر حضرت معصومه سلام الله علیها و شهر مقدس قم به دست آورد

۱. انوارالمشعشعین ، تألیف آقا شیخ محمدعلی بن حسین بن علی بن بهاء الدین ، جلد اول به اهتمام حاج شیخ احمد شیرازی ، چاپ سنگی طهران ۱۳۲۷ ، و جلد دوم و سوم نسخه خطی در کتابخانه مرحوم آیه الله العظمیٰ مرعشی نجفی (ره) در قم .
۲. بحار الأنوار ، تألیف علامه مجلسی ، مجلد چهاردهم .
۳. بذر فروزان به جای مجلد دوم انجم فروزان ، تألیف عباس فیض ، چاپ قم ۱۳۲۴ .
۴. بستان السیاحه ، تألیف حاجی زین العابدین شیروانی .
۵. تاریخ اصفهان ، تألیف حمزه بن حسن ، دربارهٔ اشتقاق کلمه قم .
۶. تاریخ قم ، تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی .
۷. تاریخ قم ، تألیف میرزا علی اکبر فیض ، نسخه خطی نزد آقای عباس فیض .
۸. جغرافی جهان نما ، که در زمان محمد شاه قاجار نوشته شده است .
۹. خلاصه البلدان ، تألیف محمد بن محمد بن هاشم رضوی قمی .
۱۰. راهنمای قم .
۱۱. روح و ریحان .
۱۲. روضة الصفای خواندمیر ، اشعاری دربارهٔ قم دارد .
۱۳. زندگی چهارده معصوم علیهم السلام ، ترجمه کتاب اعلام الوری به اعلام الهدی ، تألیف امین الاسلام

- طبری متوفی ۵۴۸ قمری ، ترجمه از عزیزالله عطاردی ، کتابفروشی اسلامیة ، ۱۳۹۰ قمری .
- ۱۴ . زینة المدايح ، تألیف میرزا صادق وقایع نگار - درباره دارالشفای اطلاعاتی دارد .
 - ۱۵ . سفرنامه دکتر فؤریه - درباره قم اطلاعاتی دارد .
 - ۱۶ . سفرنامه لرد گرزن ، ترجمه جواهر الکلام ، ج ۱ ، ص ۱۱ - درباره بخشش مالیات قم .
 - ۱۷ . قم را بشناسید ، تألیف علی اصغر فقیهی و علی اکبر شهابلو و حسین کریمیان ، اداره فرهنگ قم .
 - ۱۸ . کتاب البلدان ، تألیف ابن فقیه همدانی .
 - ۱۹ . کشف الغمه .
 - ۲۰ . کفایة الجغرافی ، تألیف حاج نجم الدوله .
 - ۲۱ . کلمه طیبیه ، تألیف حاجی میرزا حسین نوری .
 - ۲۲ . مجالس المؤمنین ، تألیف قاضی نورالله ششتری .
 - ۲۳ . مختار البلاد در تاریخ قم ، تألیف محمدحسین بن محمدحسن قمی ، مدعو به ناصرالشریعه ، کتابفروشی و چاپخانه اسلامیة .
 - ۲۴ . مرصداالاطلاع ، ص ۲۷۵ - درباره شیعه بودن اهالی قم .
 - ۲۵ . معجم البلدان ، یاقوت حموی .
 - ۲۶ . مونس الحزین ، تألیف حسن بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به شیخ صدوق .
 - ۲۷ . تحفة الفاطمیین فی احوال قم والقمیین ، تألیف شیخ محمد اردشیر متخلص به مفلس ، دو جلد ، نسخه اصلی آن در کتابخانه مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم .
- در اغلب کتب جغرافیایی اسلامی درباره مرقد مطهر حضرت معصومه و شهر مقدس قم مطالبی ضبط و ثبت شده است .

آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام الله علیها

در فهرست آثار و ابنیه تاریخی کشور این آستانه را به شماره ۱۲۸ ثبت کرده‌اند.

ساختمان بارگاه و مرقد شریف از اواسط سده سوم ه. ق. شروع شد و در طول سده چهارم و پنجم و ششم ه. ق. قبه و گنبد داشت و تزییناتی در آن شده بود. در دوران سلاطین صفوی صورت آبادانی بیشتری پیدا کرد و آستانه عظمت و جلال و شکوهی که در خور آن بود یافت. به دستور شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۵ ه. ق. ایوان شمالی بنا شد. در زمان شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ه. ق.) و شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۸ ه. ق.) بنای آستانه سرو صورتی یافت و داخل آن را بسیار تزیین کردند.

بنای آستانه دارای دو صحن قدیم و جدید، ایوان آئینه با گلدسته‌های آن، رواق، ضریح، مرقد مطهر، مسجد بالاسر، صحن زنانه و ایوان و گنبد طلاست. چند درِ زرین و سیمین و خاتم در این ابنیه به کار رفته است.

ناظم اشعار کتیبه‌های منظوم آستانه مقدسه، محتشم کاشانی، فتحعلی خان صبای کاشانی و شوریده شیرازی هستند.

کاشیه‌های روی مرقد مطهر حضرت معصومه، بهترین و نفیس‌ترین و کهن‌ترین شاهکار هنر کاشی سازی ایران، در دوران اسلامی است و به تمام معنی گنجینه ناپیدایی از این هنر ارزنده ایران است که درون دیواری از کاشی معرق، در پشت ضریح نقره حرم مطهر، قرار دارد.

هنگامی که شخص وارد حرم مطهر حضرت معصومه می‌شود و در کنار ضریح آن حضرت قرار می‌گیرد، با مختصر دقتی در می‌یابد که پشت ضریح نقره و تقریباً چسبیده به آن، دیواری از کاشی معرق

وجود دارد که طبق کتیبه آن به فرمان شاه طهماسب اول صفوی، به سال نهصد و پنجاه هجری قمری ساخته شده است.

این دیوار کاشی معرق به کلی بسته بود و به جایی راه نداشت. فقط در انتهای شرقی ضلع شمالی آن، دری چوبین وجود داشت که آن را هم چفت و قفل می کردند و هر وقت می خواستند برای غبار رویی، درون ضریح کاشی کاری بروند، قسمتی از ضریح نقره را که مقابل در چوبین بود، به وسیله نجار و زرگر و سایر استادکاران، از محل خود خارج کرده و قفل آن را باز می کردند و پس از گشودن در چوبین، به درون محوطه ضریح کاشی کاری که از کف حرم به اندازه دو پله گودتر بود، پا می نهادند و مرقد کاشی کاری را غبار رویی و زیارت می کردند.

تا آنجا که از نمونه های موجود کاشی کاریهای دوران اسلامی ایران اطلاع داریم، یک قطعه کاشی کوچک متعلق به آستانه حضرت رضا علیه السلام، مربوط به سالهای آخر سده ششم ه. ق. وجود دارد که بر اثر تعمیرات متعدده داخل حرم مطهر آن حضرت، این کاشی از محل اصلی خود بیرون آمده و در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می شود. از این قطعه کاشی کوچک که بگذریم، قدیمترین کاشی کاری دوران اسلامی ایران مجموعه بی نظیر کاشیهای مرقد حضرت معصومه علیها السلام است.

این مرقد به درازای ۳۴۳ سانتیمتر و پهنای ۱۷۸ سانتیمتر و بلندی ۱۳۲ سانتیمتر در فضای بسته ضریح کاشی کاری است. درازای این فضای بسته ۵۰۰ و پهنای آن ۳۹۷ سانتیمتر است. مرقد مطهر درون این فضا به وضع مستقیم، یا به اصطلاح اهل فن، به طور گونیا قرار نگرفته است، بلکه تا حدی موزب است. به طوری که دو گوشه شمال شرقی و جنوب غربی آن به دیوارهای شرقی و غربی چسبیده است. دو گوشه شمال غربی و جنوب شرقی، فقط ۲۵ سانتیمتر از دیوارهای جنوبی و شمالی فاصله دارد. فاصله کُنج شمال شرقی از دیوار شمالی و فاصله کُنج جنوب غربی از دیوار جنوبی ۲۳۶ سانتیمتر است.

طرح کاشیهای سطح فوقانی مرقد به صورت محرابی کامل است و از خشتهای مختلف کاشی تشکیل شده است. ترکیب نقوش و رنگها و کتابه ها و تزیینات این سطح که بیش از شش متر مربع است، درجه استادی و تسلط سازنده کاشیها را می رساند.^۱

بر کاشیهای سطح فوقانی مرقد مطهر شش کتابه بدین شرح است:

۱ - نقل از یادداشت های مرحوم سید محمدتقی مصطفوی.

۱- کتابه حاشیه خارجی که دور می‌گردد، به خط ثلث لاجوردی برجسته بر متن گُل و بوته دار طلایی، صلوات کبیر است و بدین ترتیب نوشته شده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُصْطَفَى وَالْمُرْتَضَى وَالْبَتُولِ وَالْمَجْتَبَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الثَّمِينِ وَالسَّجَادِ وَالْبَاقِرِ وَالصَّادِقِ وَالْكَاسِمِ وَالرِّضَا وَالتَّقِي وَالتَّقِي وَالزَّكِيِّ الْعَسْكَرِيِّ وَالْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَصْحَابِهِ الْغُرِّ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَالْعِنَ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكَ أَعْدَائَهُمْ اللَّهُمَّ أَحْشُرْنَا مَعَ آلِ طِهْ وَيَسَ بِمُحَمَّدٍ وَالْأَيَّمَّةِ الْهَادِينَ»

۲- کتابه حاشیه دوم که دور می‌گردد، آیه الکرسی است و به ترتیب زیر نوشته شده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ / إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَ / آةٌ فِي الَّذِينَ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ مَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى / النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ / ۴»

۳- کتابه حاشیه سوم که مانند حاشیه دوم دور می‌گردد، به خط نسخ ریز به ترتیب زیر نوشته شده است. ابتدای این کتابه از گوشه بالا سمت راست است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْفَائِزِينَ وَالْمُنْفِقِينَ - تا - وَمَنْ أَتَّبَعَنَ وَقُلْ لِلَّذِينَ»^۵

حاشیه سمت چپ:

«أَوْتُوا الْكِتَابَ وَالْآمِنِينَ ءَاسَلَمْتُمْ - تا - وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

۱- در اینجا حاشیه سمت راست تمام می‌شود.

۲- در اینجا حاشیه بالا تمام می‌شود.

۳- در اینجا حاشیه سمت چپ تمام می‌شود.

۴- در اینجا حاشیه پایین تمام می‌شود. سورة البقرة، آیات ۲۶۱ و ۲۶۲ و قسمتی از آیه ۲۶۳.

۵- حاشیه بالا در اینجا تمام می‌شود. سورة آل عمران، آیات ۱۸ و ۱۹ و قسمتی از آیه ۲۰.

قَدِيرٌ^۱

حاشیه پایین:

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ [مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّراً وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ - تا - إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَى آدَمَ وَنُوحاً وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۲

حاشیه سمت راست:

«ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ - تا - وَادْكُزْ رَبُّكَ كَثِيراً وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ /^۳ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ»

۴- حاشیه چهارم آیاتی به خط کوفی و به ترتیب زیر است:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا^۴ / دِينَكُمْ هُزُواً وَلَعِباً مِنَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِذْ نَادَيْنَا إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُواً وَلَعِباً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا^۵ يَعْقِلُونَ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقُصُونَ مِنَّا»

۵- داخل محراب نما آیاتی از کلام الله مجید به خط ثلث به ترتیب زیر نوشته شده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْحَيَاةَ لِيَتْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً^۶ / مَا

۱- اینجا حاشیه سمت چپ تمام می شود. سورة آل عمران، قسمتی از آیه ۲۰ و آیات ۲۱-۲۹.

۲- حاشیه پایین اینجا تمام می شود. سورة آل عمران، آیات ۳۰-۳۳. قسمتی که میان دو گروه است از قلم نویسنده کاشی افتاده است.

۳- اینجا حاشیه سمت راست تمام می شود. و «صدق الله العظيم» در دنبال آن نوشته شده است. سورة آل عمران، آیات ۳۳-۴۱.

۴- حاشیه دست راست در اینجا به وسط جناح محراب نما تمام می شود.

۵- حاشیه دست چپ در اینجا تمام می شود.

۶- در اینجا حاشیه پایین تمام می شود. سورة المائدة، آیات ۶۲-۶۴ و قسمتی از آیه ۶۵.

۷- در اینجا حاشیه سمت راست تمام می شود.

تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ /
يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئاً وَهُوَ حَسِيرٌ وَلَقَدْ رَئَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُوماً
لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ /^۲ صَدَقَ
اللهُ الْعَظِيمُ»

۶- کتیبه پنجم به خط ریز نسخ در سه طرف مستطیلی است که داخل کتیبه چهارم قرار می‌گیرد. آیاتی
از کلام الله مجید بدین ترتیب در این کتیبه است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ /^۲ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَوْ
يَعْبَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَلَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضَى إِلَيْهِمْ /^۲ أَجَلَهُمْ فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِداً أَوْ قَائِماً فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ^۵»

۲- کاتبه زیر مربع مستطیل از این قرار است:

«كُتِبَتْ وَعَمَلَهُ مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي طَاهِرٍ بْنُ أَبِي الْحُسَيْنِ»

کتابه‌های پهلوها یا بدنه مرقد مطهر

بر چهار سطح عمودی بدنه مرقد مطهر حضرت معصومه هفت ردیف کتابه و کاشی کاری است.
ردیف اول وسوم آیاتی از سوره مبارکه یس است. این آیات با خط طلایی بر زمینه سفید نوشته شده است.
در ردیف دوم با خط درشت لاجوردی بر زمینه طلایی نام بانی بدین ترتیب دیده می‌شود:

«أَمَرَ بِتَرْكِيبِ هَذِهِ الْكِتَابَةِ الْعَبِيدُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ الْمُحْتَاجُ إِلَى [الله] وَغُفْرَانِهِ الْمُظْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ
بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ إِتْنَاءَ لِمَرْضَاةِ اللَّهِ وَتَقَرُّباً إِلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ

۱- در اینجا حاشیه بالا تمام می‌شود.

۲- در اینجا حاشیه سمت چپ تمام می‌شود و دنبال آن «صدق الله العظيم» نوشته شده است. سوره الملك، آیات ۱-۶.

۳- حاشیه سمت راست در اینجا تمام می‌شود.

۴- در اینجا حاشیه بالا تمام می‌شود.

۵- حاشیه سمت چپ در اینجا تمام می‌شود. سوره یونس، آیات ۹ و ۱۰ و قسمتی از آیه ۱۱.

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ كَتَبَهُ أَبُو زَيْدٌ فِي الثَّانِي مِنْ رَجَبِ سَنَةِ ٦٠٢»^۱

کاشی کاری ردیف چهار، ترکیبی از کاشیهای هشت ضلعی منظم و کاشیهای ستاره‌ای هشت پر است که بر حاشیه تمام آنها آیاتی از کلام الله مجید و احادیث نبوی و کلمات قصار امیرالمؤمنین علی علیه السلام و بر حاشیه پاره‌ای از آنها اشعار فارسی نوشته شده است. طرح داخلی هر کاشی با دیگری اختلاف دارد و طرح هیچ یک همانند دیگری نیست، تو گلوی دو کاشی ستاره‌ای و دو کاشی هشت ضلعی، کاشی ساده بی نقش فیروزه‌ای به کار رفته است.

ردیف پنجم کاشی کاری سطوح عمودی بدنه، باریک و بر آن سوره الانسان با خط طلایی قهوه‌ای بر متن سفید نوشته شده است.

ردیف ششم نظیر ردیف دوم است و این آیات بر آن خوانده می‌شود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ - تَا - فَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ الْكَرِيمُ وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ كَتَبَهُ أَبُو زَيْدٌ بَطْنَهُ»^۲

ردیف هفتم کاشی کاری که نزدیک به زمین است، مانند ردیف پنجم باریک است و با خط طلایی قهوه‌ای، بر متن سفید آیاتی از سوره مبارکه الرحمن نوشته شده است.^۳

چهار کُنج مرقد مطهر چهار طرح محرابی زیباست که بر آنها نیز احادیث نبوی پشت سرهم نوشته شده است. در کُنج یکی از آنها رقم «کتابه علی بن محمد بن طاهر» خوانده می‌شود.^۴

کتابه ضریح کاشی شاه طهماسبی

پشت ضریح نقره، ضریحی کاشی با زمینه لاجوردی است و کتابه‌ای به خط ثلث دارد. این ضریح به دستور شاه طهماسب صفوی ساخته شده و نویسنده آن علی الحسینی است. کتابه بدین شرح است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَصَلِّ عَلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ الْمُرتَضَى [قسمتی از کتابه پشت در

۱ - کاشیهای این کتیبه درهم ریخته و نامنظم است.

۲ - سوره البقرة، آیات ۲۹۰ و ۲۹۱.

۳ - کاشیهای این قسمت پس و پیش و درهم ریخته است.

۴ - از یادداشتهای مرحوم سید محمدتقی مصطفوی.

طلا قرار می گیرد] وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَى وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ الْبَاقِرِ وَصَلَّ عَلَى
 الْإِمَامِ الصَّادِقِ جَعْفَرٍ وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ مُوسَى وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ الرِّضَا وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ
 مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ النَّقِيِّ وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَصَلَّ عَلَى الْإِمَامِ
 أَهْلَامِ الْمَهْدِيِّ الْهَادِي مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَخَلِيفَةِ الرَّحْمَنِ الْقَائِمِ بِالحَقِّ الدَّاعِي إِلَى الصُّدُقِ
 الْمُطْلَقِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ إِنَّقَ عَمَارَةُ هَذِهِ الرَّوْضَةِ الْمُنَوَّرَةِ الْمُقَدَّسَةِ الَّتِي شَرَفَهَا سَمِيُّ بِنْتُ
 النَّبِيِّ فَاطِمَةُ بِنْتُ مَوْلَانَا وَسَيِّدُنَا أَبِي إِبْرَاهِيمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَخُوهُ
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَعَمَّةُ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَعَلِيِّ النَّقِيِّ وَالْحَسَنِ الرَّكِيِّ وَمُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ
 صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ وَخَلِيفَةِ الرَّحْمَنِ بِاسِطٍ مِهَادٍ الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ مَاجِي الْكُفْرِ وَالطُّغْيَانِ نَاشِرُ
 الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ هَادِي الْخَلَائِقِ إِلَى أَشْرَفِ الْأَذْيَانِ السُّلْطَانِ بْنِ السُّلْطَانِ أَبُو الْمُظَفَّرِ طَهْمَاسِبِ
 بَهَادُرْخَانِ خَلَّدَ اللَّهُ تَعَالَى مُلْكَهُ وَسُلْطَانَهُ وَأَفَاضَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِدَوَامِ إِحْسَانِهِ وَأَبَدَ ظِلَالَ مَعْدِنَتِهِ
 عَلَى مَفَارِقِ الْمُسْلِمِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ كَتَبَهُ عَلِيُّ الْحُسَيْنِيِّ سَنَةِ ٩٥٠^١

این ضریح دری دارد که بر صفحات طلائی آن میناکاری است. این در به دستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شده و این رباعی از فتحعلی خان ملک الشعرا بر آن است:

«این در که به فردوس برین دارد ناز ساینده به ساحش شهان روی نیاز
 امروز نتاب روی از این تا فردا درهای بهشت بر رخت گردد باز»

بر حواشی این در «صلوات کبیر» به خط آقا مهدی ملک الکتاب نوشته شده است و بر بالای آن بر صفحه‌ای از طلا قطعه‌ای از فتحعلی خان ملک الشعراست که این بیت ماده تاریخ آن است:

«بنوشت صبا زیهر تاریخ زرین بود این درازشهنشاه/^٢ ١٢١٣»

کتابه ضریح نقره

ضریحی که به دستور شاه طهماسب صفوی ساخته شده بود، تا زمان ناصرالدین شاه قاجار برپا بود و

١ - از متن این کتیبه ظاهراً عبارات «فی عهد» یا «فی زمن» افتاده است.

٢ - مختارالبلاد، چاپ اسلامی، ٨١.

چندی بود که روی در فرسودگی داشت. نقره آن را آب کردند و غال گذاشتند. پنجاه هزار مثقال نقره خالص به دست آمد. چهل و سه هزار مثقال دیگر بر آن افزودند و به سرپرستی ذوالفقارخان پسر میرزا آقاخان صدراعظم نوری ضریح سابق را ساختند. اشعار کتابه ضریح سابق^۱ و ضریح کنونی^۲ از سید محمدرضا خادم آستانه شریفه است. خط کتابه ضریح سابق خط میرزا علی رضا مستوفی سرکار فیض آثار و نوشته ستونهای ضریح مطهر به خط ثلث میرزا علی اکبر فیض بود.^۳

ضریح ناصرالدین شاهی نیز فرسوده شد. در سال هزار و سیصد و بیست و هشت شمسی آقای حاج سید ابوالفضل تولیت به فکر تجدید ضریح افتاد. از اصفهان اهل فن را بخواست تا ضریح فعلی را با همان اشعاری که بر آن بود، بسازند.^۴ کتابه نستعلیق فعلی به خط سید ابوطالب کریمی - خادم آستانه مقدسه - است.^۵ در این ضریح، پانزده کیلوگرم طلا و هزار و هفتاد و دو کیلوگرم نقره بکار رفته و سه میلیون ریال صرف اجرت آن شده است.

کتابه ضریح

«یا رب این خلد برین یا جنة المأواستی

یا همایون بارگاه بضعة موسی استی

فاطمه اخت الرضا سلطان دین از روی قدر

خاک درگاهش جواهر سرمة حوراستی

یا فاطمه اشغعی لنا فی الجنة

ضریح مطهر را در سال ۱۳۴۷ ساختمان نمودند

کاین خطا گفتی بر آن افزودی و زین کاستی

خواندمش عرش معظم بانگزد بر من خرد

خواهر سلطان دین و ثانی زهراستی

ملجأ اهل زمان و شافع یوم المعاد

۱ - منظور ضریحی است که در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده بود.

۲ - منظور ضریحی است که در زمان حاج سید ابوالفضل تولیت ساخته شده است.

۳ - مختارالبلاد، ۸۲.

۴ - ظاهراً بر ضریح سابق اشعاری بود که محرم نام شاعری سروده بود.

۵ - شیخ محمدحسین ناصرالشریعه، تاریخ قم، ۷۷ - ۹۷.

مدیر ساختمان و قلمزنی سید محمد عریضی / زرگری نصرالله پروین اصفهانی / میزان طلا
و نقره و اجرت: طلا ۱۵ نقره ۱۰۷۲ کیلوگرم / اجرت سه ملیون ریال

مرقد نورانش گویا ریاض جنت است تربت پاکش ز مُشک و عنبر ساراستی
باد یا رب شادمان در دهر شاه دین پناه تا بعالم این همایون بارگه برجاستی
حق اَمّ و اب اگر مانع نبودی گفتمی آدمت خادم زجان و خادمه حواستی
مضجع پاکان دین و مهبط روح الامین مکمن اهل یقین و مدفن احیاستی
عرصة قم از ید فرعونیان اندر امان چون محل امن و مأوای عصاموسی استی^۱
اشعار کتیبۀ ضریح سابق عیناً نقل شده است - ناظم قسمت اشعار اول سید محمد رضا شیخ.

از علوّ شأن او من شمه‌ای کردم بیان
ایکه شأن و قدّرت از هفت آسمان اعلاستی
هرکه بگذارد قدم در آستان صحن او
گو منه پای‌بی ادب کاین سینه سیناستی
شد بعهد ناصرالدین شاه شاه جم خدم
این بنا اتمام کز عرش علا اعلاستی
خادمان درگهش بر سروران خود سرورند
در حجاب از حاجبانش بوعلی سیناستی
این مهین بانو که در برج شرافت اخترست
نسل پاک زاده انسّیة الحوراستی
ناظم قسمت دوم اشعار قصیده کاف محرّم - بانی ضریح اول شاه طهماسب صفوی.
هر فریدون شوکتی و هر سلیمان حشمتی
بر دَرش چون سائلان در روز و شب درواستی
حضرت ناطق بحق صادق چنین فرموده‌اند
در جزای زائر وی جنة المأواستی

۱ - پس از این مصراع: اشعار کتیبۀ ضریح سابق عیناً نقل شده است. ناظم قسمت اشعار اول: سید محمد رضا شیخ.

باکی از محشر و بیم از نشر نبود هر کرا
 در جوار حضرت تو مدفن و مأواستی
 مدحت را می‌نشاید کرد در دفتر بیان
 مهر و مه مشغول ذکر خطبه غراستی
 مهر و مه بر آستان عرش بنیان دَرش
 چون کنیز و چون غلامان حبش درواستی
 مرحوم حاج میر سید حسین متولی باشی
 هرچه جز نور خدا خوانم ورا باشد خطا
 غیر مدحش هرچه گویم سر بسر بیجاستی
 کرد معماری این جنت سرا پیک خلیل
 موضع رجلیں او تا حالیا برجاستی
 لوحش الله مرحبا زین بارگاه با شکوه
 کز شرف برتر ازین نه گنبد میناستی
 حبذا زین آستان آسمان رفعت کزو
 هم ید موسی عیان هم آیت عیاستی
 گرچه زیر معصیت و امانده خدام درت
 از خجالت شرمسار از دیده طوفان زاستی
 چون تو خاتونی بما کی باک از عصیان بود^۱
 از مکافات خطیئاتم کجا پرواستی
 گو بیاید تا ببیند این همایون بارگاه
 آنکه منکر بر وجود جنت دنیاستی
 کفش داران دَرش را برکی و جم افسری است
 خادمش روح الامین در عالم بالاستی

۱ - در اصل قصیده: با تو چون مخدومه‌ای کی باکم از عصیان بود.

چون بدیدی این بنا را عقل گفتی کاسمان
 صورتی از زیر دارد آنچه در بالاستی
 گفتم این طور است کز نور جلال کردگار
 کسره پر آفاق راو بس خوش و زیباستی
 هاتف غییم بگوش هوش درداد این ندا
 این نه طور است و نه سینا مسجد اقصی استی
 زمرة کرویّیان و جملة روحانیان
 از پی خدمت همه برپا و جابرجاستی
 ای مهین بانوی کاخ عصمت ای مایه وجود
 ای که خاک درگهت رشک دم عیسی استی
 از پی تاریخ این بنیاد خادم زد رقم
 جنت عدن این بنا یا بزم او ادنی استی

ضریح جدید

ضریح امروزی ضریحی است که در سال ۱۳۴۸ شمسی به دست آقای حسین پرورش زرگر اصفهانی
 تجدید شد. سقف چوبین ضریح را جمع کردند و نامبرده سقفی از برنج ساخت و روی آن را قلمزنی کرد
 و آب طلا داد ویر بالای ضریح نصب کرد. در آبان ماه همان سال ضریح جدید با سقف تازه و بنای جدید
 مسجد بالا سر، با بازدید فرح پهلوی افتتاح شد.
 برای ضریح جدید ۱۵۷ هزار مثقال نقره و ۱۱۲۰ مثقال طلا به کار رفت و بیش از پنج میلیون ریال هزینه
 برداشت و برای ساختن سقف آن در حدود ۶۲۰ مثقال طلا مصرف شد و سایر هزینه‌ها به هفتاد هزار تومان
 رسید.

کتابه سنگِ مَرَمَرِ پایِ ضریحِ نقره

شعر این کتابه از فتحعلی خان ملک الشعرا صبا^۱ به خط نستعلیق آقا مهدی ملک الکتاب، و بیانی آن فتحعلی شاه قاجار است.

تبارک الله از این بارگاه عرش آهنگ
نه بلکه عرش برو فرشش آبگینه و سنگ
ز شرم قبه زینت عرش را گویند
که شد به پرده این نه رواق سیمین رنگ
فرود بودن خویش و فراز رفتن آن
زمن بجو که زعرشم گذر کند آهنگ
چو هم ترازوی فرش تو خواست گردد عرش
نخست ریخت برین کفه ز اختران جو سنگ
چو گشت هم کفه با فرش لامکان سنگت
تو سوی مائی و آن سوی نار کرد آهنگ
بلی چو در دل تو گوهر گران سنگیست
سزد ندارد اگر با وی آفرینش سنگ
همان خجسته گهر بنت موسی جعفر
که آمد از گهر او جبین به فرّ نهنگ^۲
جهان عصمت و گردون مجد...^۳ و سزد
که هست روضه رضوان از او ببوی و برنگ
پی طواف حریم وی از عوالم قدس
بهر صباح و مسا قدسیان کنند آهنگ

۱- در دیوانهای خطی صبا متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و نسخه متعلق به آقای زین العابدین مؤمن و نسخه چاپی به تصحیح آقای محمدعلی نجاتی این قصیده دیده نشد.

۲ و ۳- به علت پاخوردگی و فرسودگی خوانده نشد.

زئسه رواق فلک هفت بانوی عذرا
 بدامن شرفش افتخار را زده چنگ
 بآستانش همسواره خسروان زمین
 بسجده خاصه شهنشاه آسمان اورنگ
 ابوالمظفر فتحعلی شه قاجار
 که آسمان و زمین است در شتاب و درنگ
 شهی که داد زیروی آتشین آبی
 بباد خاک ملوک زمانه در صف جنگ
 کند نیاز بفر و بفرال او جمشید
 برد نماز به هوش و بهنگ او هوشنگ
 چو دید روضه خاتون خلد فاطمه را
 خراب زین فلک گوژپشت پُر نیرنگ
 زچرخ کرده پُرآژنگ ابرویش در کین
 ولی زگنج گهر کرده چاره آژنگ
 فشاند زرو گهر خوارتر زخارو زخاک
 بخاک و کردش رشک نگارخانه تنگ
 بسر ... دوری قبه‌اش زانسان^۱
 که شد شعاعش بر چشم آفتاب خدنگ
 بسنگ مرمری آراست این حرم پایان
 که ماند آینه او زشرم در چین زنگ^۲
 نوشت کلک صبا از برای تاریخش
 بنای این حرم از شاه آسمان فرهنگ

۱ و ۲ - این دو مصراع به علت پاخوردگی و فرسودگی درست خوانده نشد.

کتابه در ورودی ایوان طلا

که اکنون در موزه است

این در دولختی را فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۲ ه. ق. به روضه مطهره هدیه کرده است. ابیات کتابه دور آن از شاعری «دانش» تخلص است که آقا مهدی ملک‌الکتاب به خط نستعلیق نوشته است. کتابه بر زمینه‌ای میناکاری است و هر مصراع آن به صورت گلی جداگانه بر روی صفحه نقره نصب شده است.^۱ ابیات این قطعه چنین است:

«یا الله خدیو کشور دوران پناه خلق جهان یا رحمن

که شد بعدل و سخا از جهانیان ممتاز یا رحیم

طراز مسند و دیهیم شاه فتحعلی یا حنان

که هست فتح و ظفر با لوای او انباز یا منان

قدّر غلام و قضا چاکر آنکه طاعت او یا دیان

شده است بر همه کس فرض عین همچو نماز یا سلطان

بعهد او که بود گرگو میش همخوابه یا مستعان

ز عدل او که شده باز وصعوه هم پرواز یا غفران

غزال طعمه نخواهد مگر زیرئن شیر یا حی

عقار چینه نجوید مگر زچنگل باز یا قیوم

بخلق و خلق بود بی نظیر و بی مانند یا حاتم

بعدل وجود بود بی عدیل و بی انباز یا دائم

نهاده پا چو در اورنگ معدلت، فتنه یا عالم

زبیم او بضعیفان نکرد دست دراز یا هادی

چو بود خادم پاک اعتقاد این درگاه یا باقی

که سوده‌اند بر او کاینات روی نیاز یا وافی

۱ - پس از نصب در طلای کنونی در ۱۳۴۹ شمسی، این در به موزه آستانه منتقل شده است.

دری نهاده بر این آستان عرش نظیر یا نادی
 کز آن بود درِ رحمت بروی خلق فراز یا لطیف
 تبارک الله از این در که زایرانش را یا قریب
 زهر ضریر شود کشف هر نهانی راز یا حسیب
 چه درِ حرم سبط سید ثقلین یا مجیب
 که از شرافت او یافت بزم قرب طراز یا رحیم
 چه درِ حرم بنت موسی جعفر یا خلیل
 یگانه اختر بُرج سپهر عزّت و ناز یا جمیل
 گل ریاض امامت که طایران حرم یا اَوّل
 حریم گلشن او را شدند زمزمه ساز یا آخر
 سپهر عصمت و بحر حیا و معدن شرم یا باعث
 امین وحی و محلّ سروش و محرم راز یا وارث
 خور از رواق فلک سر نهد به پای درش یا قائم
 بهر سحر که کنند این رواق را دریاز یا ماجد
 به شوق اینکه در این در دهند جایگهش یا بعید
 چه رنجهای که طلا را رسید از دم گاز یا شدید
 هر آنکه روی بر این در زروی صدق آورد
 دری زروضه فردوس شد برویش باز
 کسیکه راه بر این آستان تواند برد یا مغنی
 چه حاجتش که شود ره‌نورد راه حجاز یا نبیل
 دل از زیارت این در بحق شود نزدیک یا مقبل
 که عارفان بحقیقت برند پی زمجاز یا مدبر
 نخست روی بر این آستان نهد هرکس یا متکبر
 که رستگاری انجام خواهد از آغاز یا وارث

غرض چه کرد بر این آستان بنا این در یا باعث
 که بیشتر زدر کعبه باشدش اعزاز یا متقم
 نگاشت خامه دانش برای تاریخش یا بدیع
 که «سوی جنت اعلی دری زنو شد باز» یا جمیل»

* * *

بالای دماغه لنگه سمت چپ چنین نوشته شده است:
 «السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملكه ۱۲۲۱»
 در متن لنگه سمت چپ، از بالا به پایین عبارات زیر دیده می شود:
 «یا احد یا ارفع یا صانع یا الله
 خواهی که خجل زاهل محشر نشوی یا هادی
 وز کرده خویشتن مکر نشوی
 تا جان بتن و تن بجهانت باقیست یا سبحان
 یک لحظه جدا ز خاک این در نشوی یا کافی المهمات

قبل از دخول بایست و بگوی
 بسم الله الرحمن الرحيم باذن الله واذن رسوله
 واذن خلفائه و باذنکم صلوات الله علیکم اجمعین
 ادخل هذا البيت وادعوا الله بفنون الدعوات
 واعترف الله بالعبودية ولهذة المعصومه وآبائها
 صلوات الله علیهم بالطاعة کتبه ابوطالب الحسيني
 یا سید السادات
 یا ماجد یا حنان یا مختار یا غفار»
 در متن لنگه سمت راست از بالا به پایین، عبارات زیر دیده می شود:
 «یا رضى یا شافع یا سامع یا الله
 این در زسبسط خواجه هر دو سراسرست یا رفیع
 این جای فروش و مهبط نور خداست یا قاضی الحاجات

قبل از دخول بایست و بگوی

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني قد وقعت على باب بيت من بيوت بيتك

محمد (ص) قد منعت الناس الدخول الى بيوتهم الا باذن نبيك

فقلت يا ايها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي الا أن يؤذن لكم يا محبي الدعوات

ساید رخ خود هر که برین در امروز یا بدیع آسوده زبیم رستخیز فرداست

یا غنی یا شاهد یا سبحان یا قهار»

* * *

بر سنگ مرمر پایین این در، این رباعی از ملک الشعرا فتحعلی خان صبای کاشانی حک شده است:

«این در که بر این درگه بی شبه و نظیر آید بگشودن زوی آهنگ صریر

گوئی ملکی بود که از بهر طواف چون بال گشاید زند از شوق صغیر»

در سمت راست این سنگ:

«در عصر تولیت حاج»

در سمت چپ این سنگ:

«میرزا محمدباقر متولیباشی ۱۲۳۷»

کتابه‌های درهای شرقی روضه مطهره

که اکنون در موزه آستانه است

در دیوار شرقی روضه مطهره دو در سیمین است که آنها را مرحوم حسینقلی خان نظام السلطنه هدیه

کرده است. اشعار هر دو در، از شوریده شیرازی و خط آن از محمدابراهیم مشهور به میرزا عمو است.

بر لنگه سمت راست در اول:

«تبارک الله از این بقعه بهشت طراز یا سبحان

که برگزیده نشیمن سپهر را زفراز^۱

۱ - این بیت بر پاسار بالاست.

فضای او چو فضای اِرم نشاط افزا یا حنّان
 هوای او چو هوای بهشت غم پرداز یا سلطان
 بخاک اوست نهان طرفه گوهری کز قدر
 زهفت گوهر این نه صدف بود ممتاز یا مَنّان
 بنام فاطمه معصومه آفتاب حیا^۱
 که اُخت خسرو طوس است و دُخت شاه حجاز یا برهان
 گل حدیقه عصمت که از بهشت عفاف^۲
 نسیم را بسرا پرده‌اش نبوده جواز یا غفران
 بدور باش حیا آفتاب گردونرا یا رحمن
 زپیش رانده همی تا به چرخ چارم باز یا دِیان
 اگر مطیع نیاکان او نبند داود یا غفّار
 نبند بساز خلافت چنین بلسند آواز^۳
 بر آستانش که محراب راستان حق است^۴
 سپهر پشت بخرم کرده از برای نماز^۵
 چو گشت ماه تموز از هزار و سیصد و ده^۶
 بعهد ناصر دین پادشاه بنده نواز^۷
 ابیاتی که بر لنگه سمت چپ درِ اول است.

۱- دو بیت پیش و این مصراع بر باثوی سمت راست است.

۲- این یک بیت که دو مصراع جداگانه است بر پاسار پایین است.

۳- این ابیات بر باثوی سمت چپ است.

۴- این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۵- این مصراع بر پاسار وسط است.

۶- این مصراع بر پاسار وسطی پایین است.

۷- این مصراع بر پاسار پایین است.

«شهی که از اثر بآس و نیروی عدلش یا رضوان
 سپاس میش کند گرگو پاس تیهویاز^۱
 نظام سلطنة آن میر سرفراز دری یا ستار
 زنقره کرد در این کاخ دلفروز فراز یا مقدّم
 یگان برادر رادش خجسته سعدالملک یا مؤخر
 که در سعادت بر مشتری فروشد ناز یا علام
 دو گوهر از یک درج و دو اختر از یک برج^۲
 بکار سازی دولت بهم شده دمساز
 راقمه محمدابراهیم الشهیر بمیرزا عمو
 بکار خیر چو علم و خرد بهم همدست^۳
 ببذل نور چو شمس و قمر بهم انباز یا ناصر
 سه خواهران که برین هفت باب گردوندند یا احد
 زجود این دو برادر کنند کسب جهاز یا واحد
 ازین دری که بقم باز شد ازین دو امیر یا عالم
 گذشت فرّة قم از دیار روم و طراز^۴
 پی سرودن تاریخ این در سیمین^۵
 صلا زدند بشوریده شاعر شیراز^۶
 سرود منطق شوریده بهر تاریخش^۷
 درین رواق همایون در جنان شده باز^۸

۱- این یک بیت بر پاسار بالاست.

۲- ابیات پیش با این مصراع بر باثوی سمت راست است.

۳- این دو مصراع بر پاسار پایین است.

۴- این ابیات بر باثوی سمت چپ است.

۵- این مصراع بر پاسار بالاست.

۶- این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۷- این مصراع بر پاسار وسطی پایین است.

۸- این مصراع بر پاسار پایین است.

کتابه درِ دوم در دیوار رواق که به ایوان آینه باز می شود

ابیاتی که بر لنگه سمت چپ درِ دوم است:

«دری زسـیم زنو برگشاد از نو میر^۱

که در شرف ز زمین برشد از سپهرائیر یا حنّان^۲

بعهد دولت سلطان مظفر الدین شاه^۳

که گاه جود کفش خنده زد بابر مطیر^۴

بلی شرف همه زین در بود که مشرف اوست یاصانع

رواق فاطمه دخت امام عرش سریر یا منّان

کریمه که فروغش گرفت عالم را یا رحمن^۵

چنانکه عالم را آفتاب عالم گیر یا خبیر یا بصیر^۶

خجسته حضرت معصومه آنکه بر مه و خور یا غفران

دریده پرده و خود در هزار پرده ستیر یا حفیظ

نعال خادم او گوشوار گوش سپهر یا رضوان

غبار درگه او توتیای چشم بصیر یا سمیع

اگر بدیده معنی نظر کنی بینی^۷

که سطح او بسفراز است و سطح چرخ بزیر^۸

۱- این مصراع بر پاسار بالایی است.

۲- این مصراع بر باثوی سمت راست است.

۳- این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۴- این مصراع بر پاسار وسطی پایین است.

۵- این سه مصراع بر باثوی سمت راست است.

۶- این مصراع بر پاسار پایین است.

۷- این مصراع بر هلال بالای لنگه سمت چپ است.

۸- این مصراع بر هلال پایین لنگه سمت چپ است.

ابیاتی که بر لنگه سمت راست درِ دوم است:

«یا برهان نظام اعظم حسینعلی خان آن

که نوک خامه وی ریخت آب خامه تیر یا غفار

وزیر نامور نامجوی نام آور یا احد یا صمد

ادیب پاکدل پاک رای پاک ضمیر یا حی یا قیوم

فشاند نقره واز نقره ساخت این در را یا سلطان

چنانکه روی زر از رشک شد برنگ زریر یا محمود یا معبود

زجود او در خیرات در جهان شد باز یا فتاح

زهی ستوده امیر و خهی خجسته وزیر یا قهار یا غفار

زشرم این درِ سیمین شگفت می نبود یا ستار

که سر بپوته خجلت فرو برد اکسیر یا صانع

همی زیام رواق فلک بدین درگاه^۱

رسد زسین سلام ملک بگوش ضمیر^۲

سرود منطبق شوریده سال تاریخش^۳

دری زسیم بقسم برگشاد از نو میر^۴

کتابه محمد ابراهیم الطهرانی الشهیر بمیرزا عمو غفر ذنوبه ۱۳۱۴»

کتابه یکی از درهای روضه مطهر که به مسجد بالاسر باز می شد

دو درِ خاتم بسیار ظریف از روضه مطهر به مسجد بالاسر باز می شد. یکی از این درها، تقدیمی میرزا-

نصرالله خان فراهانی و درِ دیگر هدیه عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه و همسر میرزا تقی خان امیرکبیر بود

مورخ ۱۲۹۲ هـ. ق. قطعه ای از وقار - پسر وصال شیرازی - بر این در بدین ترتیب نوشته شده بود:

۱- این مصراع در پاسار وسطی پایین است.

۲- این مصراع بر پاسار وسطی بالایی است.

۳- این مصراع بر هلال بالای لنگه سمت راست است.

۴- این مصراع بر هلال پایین لنگه سمت راست است.

«جَبْدَا زین بقعه عالی که از مجدو شرافت
 قبله ابدال گشت و کعبه آمال آمد
 خوابگاه بضعه موسی بن جعفر کز فروغش
 جلوه موسی عیان در چشم اهل حال آمد
 بهر طوف مرقدش سوی قم آمد دخت خسرو
 واز ملک فوجی بتکریمش باستقبال آمد
 دخت شاه و اخت خسرو عزةالدوله کز احسان
 پیش دستش حاصل دریا و کان پامال آمد
 دخت میر هفتمین اخت امام هشتمین آن
 کافتابش از شرف چون سایه در دنبال آمد
 عصمت کبر او ناموس نبی هم نام زهرا
 کافتابی از حیا و عزت و اقبال آمد
 بر رواق او دری بفرزد سر تا پا زخاتم
 فتح بابی سخت از این کارش اندر حال آمد
 گفت مصراعی وقار از طبع و شد تاریخ این در
 کاین درو درگه مطاف عزت و اقبال آمد»

کتابه‌های درِ ورودی دو لنگه‌ای ایوان طلا

دو لنگه در نقره سابق را در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال -نایب التولیه- برداشتند و به جای آن دو لنگه درِ طلا نصب کردند. چهار صد و ده مثقال طلا و در حدود سی هزار مثقال نقره برای ساختن این در به کار رفته و هزینه ساختن آن به صد و بیست و پنج هزار تومان رسیده است. بر میان لنگه سمت راست از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا مفتّح الابواب / قال الرضا علیه السلام / من زار فاطمة بقم فله الجنة»

بر میان لنگه سمت چپ، از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا رافع الدرجات / قال الصادق علیه السلام / من زارها عارفاً بحَقِّها وجبت له الجنة»

ابیاتی که بر حاشیه دو لنگه در است با خط طلائی روی زمینه مینا است. اشعار از سید محمدعلی ریاضی یزدی است که به خط نستعلیق نوشته شده است؛ متن آن چنین است:

«بسمه تعالی شأنه

این جا حریم دختر پیغمبر خداست	آرامگاه خواهر سلطان دین رضا است
بانوی بزم قُرب و حریم عفاف غیب	دُرّج حیا و عصمت کبرای کبریاست
خاتون روز حشر و شفیع گناه خلق	دریای جود و کان کرم معدن سخاست
فردا که هرکسی به شفیع برد پناه	ما را پناهگاه جز این آستان کجاست
گرد و غبار تربت پاکش در آسمان	در چشم آفتاب جهانتاب توتیاست
روح القدس که حامل وحی خدا بود	بر خاک پاک تربت معصومه جبهه ساست
معصومه دخت حضرت زهرا که نور او	نور جمال قافله سالار انبیاست
معصومه دخت فاطمه آن کوثری که او	کُفَوِ علی ولیّ خدا شاه اولیاست
معصومه دخت فاطمه کز شیر پاک او	خون حسین شاه شهیدان کربلاست
معصومه دخت حضرت سجادکش صُحُف	عالیترین، فصیح ترین، بهترین دعاست
معصومه دخت حضرت باقر که علم او	میراث انبیا و امامان رهنماست
فرمود جعفر بن محمد که مرحبا	بر اهل قم که در خور تحسین و مرجاست
چون شهر قم مدینه آل محمد است	فردا مزار فاطمه من در آن بهاست
بر زایران تربت پاکش بهشت خُلد	واجب بود که در کَنَف رحمت خداست
معصومه دخت موسی جعفر که حضرتش	باب الحوائج همه از شاه تا گداست
زین در دری به روضه رضوان گشوده اند	کاین پایه عطریور و این مایه مشک زاست
اینجا با احترام، قدم نه که از شَرَف	گیسوی حور و بال ملک فرش زیر پاست
اینجا مس ترا به نگاهی طلا کنند	تا اسم اعظم است چه حاجت به کیمیاست
طَغرا نویس قدر قضا شوکتش قَدَر	فرمان پذیر امر قَدَر قدرتش قضاست

اقبال بیسن که طبع ریاضی بگاہ اوج چون نقطه‌های قوس صعودی در اعتلاست
تاریخ در به دور قمر با سقوط دال «گویند یک در از در فردوس از طلاست
۱۳۹۰ هجری قمری»

کتابه‌های درِ دو لنگه‌ای حرم مطهر از ایوان آینه

درِ دو لنگه‌ای نقره سابق در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال برداشته شد و درِ دو لنگه‌ای طلا به جای آن نصب شد.

... مثقال طلا و در حدود ... مثقال نقره برای ساختن این در به کار رفته و هزینه ساختن آن که به خرج آستانه بوده است به ... تومان بالغ شده است.

بر میان لنگه سمت راست از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا قاضی الحاجات / قال الجواد علیه السلام / من زار قبر عمّتی بقم فله الجنة»

بر میان لنگه سمت چپ از بالا به پایین، عبارت زیر حک شده است:

«یا مجیب الدعوات / قال الصادق علیه السلام / زیارتها تعادل الجنة»

ابیاتی که بر حاشیه دو لنگه در است با خط طلایی روی زمینه مینا است. اشعار از سید محمدعلی

ریاضی یزدی است که به خط نستعلیق نوشته شده است؛ ابیات بدین شرح است:

«بیا که با مدد کارساز بنده نواز	دری زخُلد برین شد بروی مردم باز
دری زملک گشودند جانب ملکوت	دری زغیب جهان شد بروی خلق فراز
دری که سایه رحمت بر آفتاب بود	وگر نه گوی به خورشید رو بسوز و بساز
چه در، دری همه از سیم ناب و زر مذاب	دری است نقره نشان از طلای لعل طراز
فرشتگان سموات و حوریان بهشت	بر آستانه این در نهند روی نیاز
غبار تربت او توتیای چشم ملک	سواد مردمک چشم حور و سرمه ناز
مطاف پرده نشینان خلوت ملکوت	حریم حرمت روحانیان محرم راز
حریم دخت پیمبر که اوج معراجش	به پایه ایست که جبریل مائد از پرواز

فراز مصطفیٰ قرب قاب قوسینش	پیمبری ، مَلکی را نداده‌اند جواز
حریم خواهر والای شاه خطه طوس	خدایو کشور جم ، تاجدار مُلک حجاز
شهنشهی که دهد جان به نقش شیر زیان	دوباره شیر چو نقشی به پرده گردد باز
کریمه‌ای که بود نور او زنخله طور	فخیمه‌ای که چو اجداد خود کند اعجاز
همیشه نور زگردون به خاک میتابد	بر این مدار بود سیر نور از آغاز
جز این افق که تتق میکشد زفرش بعرض	فروغ ذکر خداو شعاع نور نماز
خوشا کسی که در این بارگاه عرش نظیر	بفکر و ذکر به صبح آورد شبان دراز
زاشک شوق خدا ، دیدگان پُر از گوهر	زیم قهرخدا ، سینه پُر زسوز و گداز
به آب دیده زداید زدل غبار گناه	«که گفته‌اند نکوئی کن و در آب انداز»
بفرّ خسرو جم جاه آریا مهری	که شد بتاج و نگین از شهنشهان ممتاز
به یمن همت اقبال و بخت سعد بلند	زطیع نغز ریاضی برآمد این آواز
سروش غیب سرودی به سال خورشیدی	«در این رواق معلی درِ جنان شد باز»

کتابه حاشیه دو لنگه درِ ورودی حرم

از رواق طرف ایوان آینه

اشعار از سید محمدعلی ریاضی یزدی است که به خط نستعلیق نوشته شده است:

«مَنْتَ خدایرا که زالطاف داوری

وزفیض خاص و رحمت عام پیمبری

بر خاکیان دری بگشودند زآسمان

خیل فرشتگان زعنایات داوری

زَرین دری زروضه رضوان بروی خلق

تا شکر چون کنی وچه شکرانه آوری

گر سر بر آستانه نسائی زروی شوق

زین آستان کجا روی این سر کجا بری

کاینجا حریم عصمت کبرای کبریاست
 فرش از شرف بعرش نماید برابری
 روشن ز نور شمس ز زین رواق اوست
 خورشید و ماه و زهره و بهرام و مشتری
 قم جاودان ز سایه او باد و در امان
 این است رسم سروری و سایه گستری
 گر مادر ائمه یکی دختر آورد
 آرد بسان حضرت معصومه دختری
 ای آنکه در سرادق سِرّ عفاف غیب
 پاکیزه گوهر از صدف پاک کوثری
 ای جلوه جلال نبوت که در کمال
 نور جمال زهره زهرای اطهری
 ای پرتو فروغ خدائی که جلوه‌ای
 از وجه کبریائی درخشان حیدری
 حُسن حسین و زهد علی علم باقری
 نور جمال صادق و موسی بن جعفری
 باشد عالی اعلا برادرت
 شمس الشمس را تو برازنده خواهی
 او آفتاب خطه طوس و تو ماه قم
 او مهر ذره پرور و تو ماه انوری
 بر تارک عروس فلک تاج آفتاب
 فخر جهان عصمت و خاتون محشری
 فردای حشر بر سر ما ابر رحمت است
 دستی که ز آستین شفاعت برآوری

این منقبت نه در خور جاهو جلال تست
 کز آنچه گفته‌اندو شنیدیم برتری
 جاوید نام شاه محمدرضا کز اوست
 دیهیم آریائی و آئین سروری
 اقبال گفت وطبع ریاضی چو گل شکفت
 در متنها جمال و کمال سخنوری
 تاریخ در بدور قمر هاتفی سرود
 «بگشوده ز آسمان بزمین دست حق دری
 ۱۳۹۱»

کتابه آینه کاری روضه مطهره

آینه کاری روضه مطهره از کارهای نیک فتحعلی شاه است که زیر نظر پسرش -کیکاووس میرزا- که حاکم قم بود، در سال ۱۲۴۵ قمری شروع شد و در سال ۱۲۵۱ قمری اتمام یافت. کتابه آینه کاری در دو طرف در ورودی ایوان طلا، بالای دیوار حرم به این ترتیب گچ بری شده است:

«بنای آینه کاری بقعه مبارکه در اواخر دولت خاقان خلد آشیان فردوس مکان اسکنه الله فی روضات الجنان فتحعلی شاه قاجار و در اوایل دولت بندگان سکندرشان دارا دربان قیصر پاسبان السلطان بن السلطان وال خاقان بن الخاقان بن السلطان محمد شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته الی یوم صورالمیقات اتمام پذیرفت و بانی این بنا سرکار عظمت مدار نواب مستطاب والا شاهزاده اعظم کیکاوس میرزا زید عمره و دولته جهت و باعث آمرزش خاقان فردوس مکان غفر الله له سنه ۱۲۵۱»

کتابه کاشی به خط ثلث

بر دیوار غربی حرم مطهر از طرف در ورودی ایوان طلا

«بسمه تیمناً بذكره روی عن الامام الذي هو بالحق ناطق ابی عبدالله جعفر الصادق علیه الصلوة

مسنداً الامر الى رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلم اذا كان يوم القيامة نادى مُناد أيتها الخلائق انصتوا فإن محمداً يكلمكم فينصت الخلائق فيقوم النبي عليه السلام ويقول يا معشر الخلائق من كان له عندي يدٌ او منّة او معروفٌ فليقم حتى أكافيه فيقولون بآبائنا وامهاتنا وایّ يدٍ وایّ منّة وایّ معروف لنا اليك بل اليد والمنّة والمعروف لله ولرسوله على جميع الخلائق فيقول بلى من آوى احداً من اهل بيتي او برّهم او كساهم من عُرَى او اشبع جايعهم فيلقم حتى اكافيه فيلقم حتى اكافيه فيقوم اناس قد فعلوا ذلك فيأتي النداء من عند الله يا محمد يا حبيبي قد جعلت مكافاتهم اليك فاسكنهم من الجنة حيث شئت فيسكنهم في الوسيلة حيث لا يحبون عن محمد واهل بيته صلوات الله عليهم»

کتابه ای بر کاشی به خط ثلث

بر دیوار حرم مطهر در پیش روی مبارک

«قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم اربعة انا لهم شفيع يوم القيامة ولو اتى بذنوب اهل الارض المكرم لذريتني والقاضي لهم حوائجهم والساعي في امورهم عند ما اضطروا اليه والمحب لهم بقلبه ولسانه حسب الامر حضرت اشرف ميرزا علي اصغر خان صدراعظم اتمام یافت ۱۳۱۸»^۱

کتابه ای بر کاشی به خط ثلث

بر دیوار حرم پایین پای مبارک

«قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم مثل اهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركب فيها نجي ومن تخلف عنها غرق وقال النبي صلى الله عليه وآله اني او شك ان ادعى فاجيب وانني تارك الثقلين فيكم كتاب الله حبلٌ ممدودٌ من السماء الى الارض وعترتي اهل بيتي فانظروا كيف تخلفوني فيها صدق

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم الجنة حرمت على من ظلم اهل بيتي او اذاني في عترتي ومن اصطنع صنيعه الى احدٍ من ولد بني عبدالمطلب ولم يجازه عليها فانّا اجازيه عليها اذا لقيني غداً

۱ - کتابه دیوار غربی که در صفحه قبل از آن یاد شد ، در پیش روی مبارک نیز تکرار شده است . نگارنده آن را در اینجا نیاورد .

کتابه طرف غربی داخل حرم شریف

« قال النبي صلى الله عليه وآله واولاده وسلّم والذي نفس محمد بيده لو جاء عبد يوم القيمة بعمل سبعين نبياً ما قبل الله ذلك منه حتى يلقي الله بولاني وولاء اهل بيتي
وقال النبي صلى الله عليه وآله وسلّم أنا واهل بيتي شجرة في الجنة واغصانها في الدنيا فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلاً صدق رسول الله »

کتابه گچ بری رواق بالاسر مرقد مطهر^۱

اشعار از سید محمد علی ریاضی یزدی است که با خط نستعلیق گچ بری شده است:

« این بارگاه قدس که از عرش برتر است

آرامگاه دختر موسی بن جعفر است

پاکیزه گوهر صدف ، عصمت بتول

یعنی که نور دیده زهرا ی اطهر است

والاتباع خواهر سلطان دین رضاست

فخر زنان عالم وخاتون محشر است

عزت نگر که حرمت طوف حریم او

با حرمت طواف امامان برابر است

جنات عدن اگر طلبی زین حرم درآی

کاین آستان عرش نشان هشتمین در است

هر سر بر آستان ملک پاسبان او

سائیده شد بهشت برینش مقرر است

۱ - کتابه گچ بری رواق بالاسر مرقد مطهر ، سنگ فرش وسنگهای ازاره وآئینه کاری سقف ، کارهایی است که تمام در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال شده است .

آئینه‌های بقعه آئین طراز او
 روشن‌گر تشعشع خورشید خاور است
 در زیر پای زائر این بارگاه قدس
 گیسوی حورو بال ملک مفرش زر است
 اینجا نماز را به خشوع و ادب گذار
 کاین فرش زیر پای تو جبریل را پر است
 بس ساطع است نور نماز و دعای خلق
 تا ساق عرش ساحت گیتی منور است
 ای خالق که وصف جلال و جمال تو
 از عقل و فهم و هم و گمان جمله برتر است
 آیات با هرات تو ذرات کاینات
 خورشیدها درون دل ذره مضمحل است
 هر اختری چو زورق سیمین در آسمان
 در بحر پر تلاطم گردون شناور است
 آدم به امر تو ز نهان خانه عدم
 تا سرسرای منزل هستی مسافر است
 بلبل کتاب وصف تو خواند فراز شاخ
 وین برگ برگ گل همه اوراق دفتر است
 جز آنکه سر زعجز بسائیم روی خاک
 از ما به پیشگاه خدائی چه در خور است
 یا رب به حق قافله سالار انبیاء
 آن صدر کاینات که آخر پیمبر است
 عقل نخست و صادر اول که نام وی
 زیب اذان و زیور محراب و منبر است

یا رب به حق سید و سالار اولیاء
 که وجه او تجلی الله اکبر است
 با اشک چشم ابر کرم بر سر یتیم
 با برق تیغ صاعقه‌ای بر ستمگر است
 یا رب به حق فاطمه آن گوهری که او
 ام الائمه عصمت کسبرای داور است
 خونی که داد سرور آزادگان حسین
 مرهون حسن تربیت و شیر مادر است
 یا رب به مجتبی که شباب بهشت را
 در باغ خلد سید و سالار و سرور است
 مسموم زهر کین که جگر پاره‌های او
 در طشت از شماره فزون‌تر ز اختر است
 یا رب به خون شاه شهیدان کربلا
 کازرده حنجر از دم خونین خنجر است
 خونی که دامن شفق از انعکاس آن
 همرنگ داغ بر جگر لاله احمر است
 یا رب بحسب سید سجاد آن نژاد
 کز اُمّ و آب تقسارن سعدین اکبر است
 در منتهی‌ای اوج بلاغت صحیفه‌اش
 گوئی زیور دیگر و داود دیگر است
 یا رب به علم حضرت باقر که گاه موج
 دریای بیکسران پُر از درّو گوهر است
 عطری نبی رسد به مشام از کلام او
 عطری که رشک مشک و عبیر است و عنبر است

یا رب به صدق حضرت صادق که تا ابد
 چون آفتاب بر سر دین سایه گستر است
 ز زین لوای مذهب جاوید جعفری
 در ظلّ این امام همام مظفر است
 یا رب بحق موسی جعفر که باب او
 چون کعبه قبله گاه گدا و توانگر است
 خاکم به سر که عارض گلگون او به زهر
 همچون شعار آل علی سبز منظر است
 یا رب به حلم حضرت سلطان دین رضا
 که سایه اش هماره نگهبان کشور است
 شاهی که صدر مسند ارشادگاه بحث
 عقل مجسم آمد و علم مصور است
 یا رب بحق جود امام نهم جواد
 که مهر او چو مهر فلک ذره پرور است
 ابن الرضا چو عیسی و یحیی به کودکی
 قطب و امام و مرشد و مولو مهتر است
 یا رب به چارمین علی از رهبران دین
 که خاک پاک سامره زومشک اذفر است
 عصر مظالم متوکل امام را
 جان همچو عود و سینه سوزان چو مجمر است
 یا رب به حرمت حسن عسکری که او
 نقش نگین حلقه چندین معسکر است
 عمری به جرم عصمت و تقوا و زهد و علم
 در حلقه محاصره چند لشکر است

یا رب بحق قائم بر حق امام عصر
 کانگشت او به گردش افلاک محور است
 نوح زمان و قطب جهان کز حریم غیب
 خلق خدای را بخسداوند رهبر است
 یا رب بحق عصمت معصومه کز شرف
 او را پدر امام و امامی برادر است
 کاین در بروی خلق دو عالم گشوده باد
 تا خاک ما به آب ولایش مخمر است
 ای آستان عرش نشان جاودان بمان
 تا نامی و نشانی از این چرخ اخضر است^۱
 اخلاص خاص شاه محمدرضا نگر
 که نام شه در آئینه‌ها زیبو زیور است
 اقبال بین که طبع ریاضی چو گل شکفت
 آنجا که آفتاب هم از ذره کمتر است
 سال هزار و سیصد و هشتاد و نه بود
 سالی که کار آئینه‌کاری میسر است^۲

کتابه‌های مدفن شاه صفی و شاه عباس دوم

مدفن شاه صفی^۱ در سمت قبلی روضه مطهره بود. پس از اینکه فتحعلی‌شاه در حرم مطهر تعمیر و مرمتی کرد، مدفن او داخل روضه مطهره شد و صورت قبرش نیز از میان رفت. این قسمت از بنا که رواقی جداگانه داشت، به دستور شاه عباس دوم ساخته شده بود و سقف و دیوارهای آن کاشیهای معرق بسیار

۱ - این بیت در کتیبه آئینه‌کاری نیامده است.

۲ - شاه صفی در سال یک‌هزار و پنجاه و دو در کاشان بیمار شد. در دوازدهم صفر بار سفر به جانب عالم باقی بریسته و عالم فانی را وداع کرد. مدت ملک وی سیزده سال و شش ماه بود و امرای عظام نعش او را به روضه حضرت معصومه قم برده مدفون ساختند (روضه‌الصفاء، ج ۸، ص ۲۰۱ و ۲۰۲).

ظریف داشت.

مرقد شاه عباس دوم^۱، پهلوی مقبره شاه صفی است و سنگ مرمری بر آن است. کتابه حاشیه بالای دور این رواق سورة جمعه است که به خط ثلث محمدرضا امامی اصفهانی بر روی سنگ مرمر حک شده است؛ بدین ترتیب:

«بسم الله الرحمن الرحيم يُسَبِّحُ اللهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۲ آخر کتابه دیده نشد.

کتابه‌های مدفن شاه عباس دوم در رواق حرم

مرقد شاه عباس دوم پهلوی مقبره شاه صفی است و بقعه آن از بناهای شاه سلیمان صفوی است. کتابه دور این بقعه، سورة جمعه است که در روی سنگ مرمر به خط ثلث محمدرضا امامی اصفهانی نوشته شده است؛ این کتابه بدین ترتیب است:

«بسم الله الرحمن الرحيم يُسَبِّحُ اللهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۳ آیه آخر کتابه دیده نشد.

کتابه اطاقي که در آن مرقد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است

«این کتیبه بعثت تبدیل صحن زنانه از پشت همین دیوار برداشته شد و پس از تعمیر کامل در اینجا نصب گردید. عمل اسدالله عابدین کتبه عباس عشقی ۱۳۷۶ق»

«در همایون روزگار پادشاه دین‌پژوه

خسرو غازی محمد شه، شه اکیلل هور

آمد اندر ملک و دین غوث الوری فخر الامم

نصرة دنیا و دین کشف امان صدر صدور

۱- شاه عباس دوم در سنه یک‌هزار و هفتاد و هفت هجری در هنگام رجوع از مازندران به عراق و اصفهان کوکب دولتش راجع و ماه سلطنتش در محاق واقع گردید. در دامغان به جوار ملک مَنان پیوست. امرای عظام نعلش آن سلطان با احتشام را در تخت‌روان نهاده، در جوار معصومه قم چون گنج به خاک سپردند (روضة الصفا، ج ۸، ص ۲۱۰).

۲- این کتابه در سال ۱۰۷۷ نوشته شد و بنای بقعه در سال ۱۰۷۸ ه. ق. به اتمام رسید.

۳- این کتابه در سال ۱۰۷۷ نوشته شد و بقعه در سال ۱۰۷۸ ه. ق. تمام شد.

عنصر معموری ویرانی ایران زمین
 خاصه مصر قم که ویران بود زاحداث دهور
 راد بوطالب کزو پروانه فرمان دهی
 داشت بر سگان آن ملک از اناث و از ذکور
 ساخت این ایوان کیوان پاسبان را بس شگرف
 تا که قبر پاک مادر پاس دارد از قبور
 الغرض شد مضجع آن مهد عصمت چون تمام
 عصمت آباد سنین شد رحمت آباد شهرور
 زد رقم کوکب پی تاریخ سالش بیدرنگ
 باد این کاخ همایون مسکن آن پاک حور
 «۱۲۵۹»

دنباله همین کتابه بر دیوار شرقی :

«هذه جنات عدن فادخلوها آمنین
 زائران را از صریر در رسد در گوش جان
 زالتفات پادشاه صورت و معنی صفی
 شد سرافراز مهم تولیت جمشید خان
 گشت حسب الحکم مأمور بنای روضه
 کز بلندی سایه اش بر عرش باشد سایه بان
 روضه کارامگاه صالحان بر ساختش
 گفتنی فردوس باشد یا بهشت جاودان
 کرد بنیاد اساس بارگاهی کز شکوه
 مینویسد از ادب رفعت پناهش آسمان
 کرده اند آرایش سقف و جدار روضه اش
 از طلا و لاجورد آفتاب و آسمان»

کتابه‌های مسجد بالاسر

«بسال بیست و هفتم سلطنت اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر بنای این مسجد به پایان رسید ۱۳۴۶ هجری شمسی مطابق با ۱۳۸۷ هجری قمری»
این کتابه با خط طلائی نستعلیق بر روی زمینه آبی واسلیمی سبز گلدار است:
«بسم الله الرحمن الرحيم يس والقرآن الحكيم - تا - بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون»^۱
صدق الله العلي العظيم وصدق رسوله النبي الكريم الامين كتبه سيد مهدي برهانی ۱۳۸۷»

کتابه سز محراب مسجد بالاسر

«قال الله تعالى قد نرى في وجهك تقلب السماء
الكتاب ليعلمونه الحق الله عما يعلمون لمن الظالمين
صدق الله ورسوله احمد النجفي الزنجاني ۱۳۴۶ ۱۳۸۷
قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُلَیِّنَنَّكَ اَنَّا اِذَا لَمِنَ الظَّالِمِیْنَ»^۲

تاریخ مسجد بالاسر

این مثنوی نیز اثر طبع سید محمدعلی ریاضی یزدی است:

بسم الله الرحمن الرحيم	«مطلع انسوار کتاب کریم
چرخ یکی آیه زایات تو	ای دو جهان جلوه‌ای از ذات تو
ما همه بیچاره ، توئی چاره‌ساز	ما همه محتاج و توئی بی‌نیاز
بنده درمانده شرمنده‌ای	گفت پیمبر که اگر بنده‌ای
دست تضرع بدعا آورد	روی بدرگاه خدا آورد
شرم نماید کرم داورش	گر برود دست تهی از درش
بنده گنه‌کار و خدا شرمسار	لطف به بین و کرم کردگار

۱- سورة يس، آیات ۱-۸۳.

۲- سورة البقرة، آیات ۱۴۵ و ۱۴۶.

هاله‌ای از نور بود این دعا	رابطه خلق خدا با خدا
قوس صعودیش انابت بود	قوس نزولیش اجابت بود
روز سلامت چو دعا می‌کنی	روی بدرگاه خدا می‌کنی
گاه مرض هم چو شفا خواستی	صحت خود را ز خدا خواستی
چون به سموات رسد این دعا	در ملکوت است صدا آشنا
سابقه دانند و شفایت دهند	درد ستانند و دوایت دهند
مسجد بالاسر عصمت پناه	یافت عمارت چو به اقبال شاه
آینه رخشنده‌تر از ماه و مهر	مرمرش آئینه مهر سپهر
طبع ریاضی گهری ناب سفت	سیر قمر دیدو بتاریخ گفت
آنچه بر او نام خدا زیور است	«سر در این مسجد بالاسر است» ^۱
«آینه در ششعه‌ی نور حق» ^۲	«مرمر آن برده سبق از شفق» ^۳
نعمت تجدید بنای ضریح	«دیدۀ سرسای بهای ضریح» ^۴

کتابه‌های دیگر مسجد بالاسر

کتابه ثلث مسجد بالاسر به قلم شیخ احمد معصومی زنجانی است.
 کاشی‌کاری و سنگهای ازاره و سنگ‌فرش کف در زمان تولیت آقای عبدالوهاب اقبال شده است. کتابه
 این مسجد سوره مبارکه یس به خط ثلث است. بالای قفسه‌های چراغ کتابه‌ای به نام محمدرضا پهلوی
 است.

۱ - خاتمه تعمیر مسجد بالاسر: ۱۳۸۷ قمری.

۲ - خاتمه آئینه‌کاری رواق مطهر: ۱۳۸۹ قمری.

۳ - خاتمه نصب سنگ مرمر: ۱۳۸۷ قمری.

۴ - خاتمه تجدید ضریح مقدسه: ۱۳۸۷ قمری.

اشعار کتابه مسجد بالاسر که چند بیتی از آن انتخاب شده است

تا کند در بزم گردون گردش این زرینه جام
دور گردون باد یا رب شاه عالم را بکام
خسرو گیتی ستان فتحعلی شاه آنکه داد
خنگ گردون را قضا در قبضه حکمش زمام
چرخ مینا زد بعهد او که بادا متصل
دهر مییالد بعهد او که بادا مستدام
حضرت معصومه بنت موسی جعفر که هست
آفتاب آسمان حضرت خیرالانام
در جوار مرقد پاکش همایون مسجدی است
کاهل طاعت راست روز و شب در آن مسجد مقام
الغرض چون شد مقیم این کعبه اهل صفا
در جوار این همایون مرقد عزمش احترام
کلک گوه زای اشراق از پی تاریخ او
زد رقم «کامد مقیم این حرم بیت الحرام»
ماده تاریخ با سال بنا وفق ندارد . اگر کاف «کامد» را هم به حساب نیاوریم باز معادل سال ۱۲۳۶
هجری می شود.



دو بیت زیر در محراب مسجد دیده می شود:

«از حکم تقی شاه سلیمان اقبال	برپا چه شد این مسجد فردوس مثال
گفتم پی تاریخ که «باد این مسجد	تا روز جزا قبله ارباب کمال»

کتابه نورگیر هشت ضلعی اول در مسجد بالاسر

«بسم الله الرحمن الرحيم سُبْحَ اسم ربك الاعلى الذى خلق فسوًى - تا - صحف ابراهيم وموسى

صدق الله العلي العظيم^۱

کتابه نورگیر هشت ضلعی دوم در مسجد بالاسر

«بسم الله الرحمن الرحيم والسماء والطارق وما ادريك ما الطارق - تا - قَهْل الكافرين امهلهم
رُويدا صدق الله العلي العظيم وصدق رسوله النبي الكريم الامين»^۲

مدفونین در مسجد بالاسر

* حاجی سید محمد تقی خوانساری بن سید اسدالله بن نسبش به موسی بن جعفر می رسد، متوفی

هفتم ذی حجه ۱۲۱۷.
۱۳۷۱

* * *

* حاجی سید صدرالدین صدر پسر حاجی سید اسماعیل پسر سید صدرالدین عاملی موسوی، متولد

رجب ۱۲۹۰ در کاظمین و متوفی نوزدهم ربیع الثانی ۱۲۷۲.

* * *

* حاج شیخ عبدالکریم پسر محمد جعفر مهرجردی یزدی، رحلت شب شنبه ۱۷ ذی قعدة ۱۳۵۵.

مسجد طباطبائی

مسجد طباطبائی به همت مرحوم حاج سید محمد طباطبائی معروف به آیه الله زاده قمی بنا شده است.

درِ طلاکه از این مسجد به حرم مطهر باز می شود و دو اذن دخول طرفین که مینا و طلاست، هدیه حاجی قاسم همدانی است.

کتابه بالای ایوان طلا در صحن عتیق

«الحمد لله الذي هدينا لهذا او ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله اما بعد فقد اتفق بناء هذه العمارة

الرفيعة والروضة المقدسة المنيرة في زمن خلافة السلطان الاعلى خليفه الله في العالم

مالك رقاب الامم مولى ملوك العرب والعجم حامي بلاد اهل الايمان ماحي الكفر والطغيان ناشر

۱- سورة الاعلى، آيات ۱- ۱۹.

۲- سورة الطارق، آيات ۱- ۱۷.

العدل والاحسان باسط مهاد الامن والأمان هادي الخلايق الى اشرف الاديان المختص بعناية الملك المئان السلطان ابن السلطان ابوالمظفر شاه اسمعيل بهادرخان اللهم خلد ميامن معدلته وآثار مرحمته على مفارق المسلمين وايد وشيد قواعد اركان خلافته وسلطنته الى يوم الدين للإعلاء كلمة الحق وترويج مذهب أئمة المعصومين بالنبي العربي ابوالقاسم محمد خاتم النبيين وسيد الاولين والآخرين صلى الله عليه وآله الطيبين الطاهرين وسلم تسليماً دائماً ابداً سرمداً والحمد لله اولاً وآخراً وباطناً وظاهراً في تاريخ شهر رجب المرجب من سنة خمس وعشرين وتسعمائة هجرية نبويّه كتبه ولي الحسيني»

كتابة افقى پايين ايوان طلا

«روي الزمخشري في تفسيره الموسوم بالكشاف والتعلي في تفسيره الموسوم بالكشف والبيان عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال الا ومن مات على حب آل محمد مات شهيداً الا ومن مات على حب آل محمد مات مغفوراً الا ومن مات على حب آل محمد مات تائباً الا ومن مات على حب آل محمد مات مؤمناً مستكمل الايمان الا ومن مات على حب آل محمد بشره ملك الموت بالجنة ثم نكيراً ومنكراً الا ومن مات على حب آل محمد.... الى الجنة كما زف العروس الى بيت زوجها الا ومن مات على حب آل محمد فتح له في قبره بابان الى الجنة الا ومن مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة الا ومن مات على بغض آل محمد جاء يوم القيمة مكتوب بين عينيه آيس من رحمة الله الا ومن مات على بغض آل محمد مات كافراً الا ومن مات على بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة صدق اللهم صل على محمد المصطفى وعلى المرتضى وفاطمة البتول والسبطين الحسن والحسين وعلى زين العباد ومحمد الباقر وجعفر الصادق وموسى الكاظم وعلى الرضا ومحمد التقي وعلى النقي والحسن الزكي والحجة القائم محمد المهدي صاحب الزمان الأئمة الهدى ومصابيح الدجى بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرأ»

كتابة دارالحفاظ در مدخل ايوان طلا

«قال مصنف عيون اخبار الرضا فيما جاء عن الرضا عليه السلام في زيارة فاطمة بنت موسى بن جعفر عليهم السلام بقم حدثنا ابي ومحمد بن موسى بن المتوكل قالوا حدثنا علي بن ابراهيم بن

هاشم عن ابيه سعد بن سعد قال سئلت ابا الحسن الرضا عليه السلام عن زيارة فاطمة بنت موسى بن جعفر عليهم السلام فقال من زارها قلَّه الجنة صدق ابن رسول الله صلى الله على محمد خاتم النبيين وآله وعترته الطيبين الطاهرين»

کتابه سنگ مرمر اطراف در ورودی ایوان طلا

اشعاری که بر روی این سنگها حک شده است از قصیده فتحعلی خان صبای کاشانی است^۱ و خط نستعلیق آن از آقا مهدی ملک الکتاب است:

«این آستان بضعة موسى بن جعفر است	کز افتخار روی سلاطین برین در است
این آستان آن حرم آمد که جبرئیل	در بام عرش پایه آن چون کبوتر است
کوثر نتیجه ایست از آن قطره های شور	کز ابر چشم زایر این در مقطر است
لبیک زایران و خروش معلّمان	صد ره زصوت شهر جبریل خوشتر است
این زیب و فر که زیب و فر از این حرم گرفت	هم از ارادت ملک دادگستر است
دارای دهر فتحعلی شه که تیغ او	در ملک دین سلاله شمشیر حیدر است ^۲
میخی فتاده گر بتک از نعل باره اش	زان دیده ستاره بدین مسمر است
نعلی پریده گرز سمندش بمرز هند	در ملک روم نعلک زرین قیصر است
اندیشه عاجز است ز ذکر ثنای او	کز هرچه برتر است بصد پایه برتر است
در این حریم کامده هم پایه حرم	ایوان و قبه و در ازو زیورو زرست ^۳
کلک صباش از پی تاریخ زد رقم	کز دل مدام چهر سلاطین باین در است ^۴

در کاشی کاری بالای سر در که بالای سنگهای مرمر است این بیت دیده می شود:

درگاه تو قبله گاه جانست محراب زمین و آسمان است

۱- این ابیات با اضافاتی در دیوان چاپی، ص ۴۱ آمده است.

۲- این بیت در دو گُل برجسته، بالای سردر است.

۳- ایوان قبه در آن زیور زرست. (دیوان چاپی، ص ۴۱) ظاهراً صحیح نیست. اگر میان دو واژه «قبه» و «در» واو عطف اضافه شود صحیح تر است.

۴- در دیوان خطی و چاپی صبا: بدین در است.

کتابه بالای مقبره‌ها، دور صحن عتیق

قصیده معجزیه

تذهیب و طلاکاری گنبد حضرت معصومه سلام‌الله علیها در سال ۱۲۱۸ قمری به دستور فتحعلی‌شاه قاجار به انجام رسید. میرزا صادق متخلص به ناطق، از شعرای اصفهان قصیده‌ای در شصت و دو بیت در توصیف گنبد و صحن و رواق و مدح و تعریف حضرت معصومه علیها‌السلام و بانی امر - فتحعلی‌شاه قاجار - به نظم آورده که بسیار فصیح و بلیغ و سلیس است و صنایع لفظی و معنوی بدیعی را طوری در این ابیات با زیبایی کلام در نظر گرفته است که هیچ نمی‌توان دانست که این ابیات برای ماده تاریخ سروده شده است. زیرا هر قدر شاعر در گفتن ابیات ماده تاریخ توانا باشد، باز امکان تنقیص و تکسیر در آن است و به نحوی شعر را از حد فصاحت و بلاغت خارج می‌کند. اما در این شصت و دو بیت هیچ گونه کسر و افزایشی نیست. هریک از مصراعها ماده تاریخ است و جمع حروف آنها به حساب جمل ۱۲۱۸ می‌شود. جمله «شصت و دو بیت» نیز ۱۲۱۸ در می‌آید. و جمله «یکصد و بیست و چهار مصراع» هم ۱۲۱۸ می‌شود. شاعر گفتن این ابیات را معجزه دانسته و قصیده خود را «قصیده معجزیه» نامیده است. جمله «این قصیده مسماً بقصیده معجزیه است» نیز ۱۲۱۸ می‌شود. این قصیده به «بسم الله الرحمن الرحیم، باسم موجود کریم» شروع می‌شود و این جمله نیز با حساب جمل ۱۲۱۸ است.

بسم الله الرحمن الرحیم	=	هزار و دویست و هیجده
باسم موجود کریم	=	هزار و دویست و هیجده
این قصیده مسماً بقصیده معجزیه است	=	هزار و دویست و هیجده
شصت و دو بیت	=	هزار و دویست و هیجده
یکصد و بیست و چهار مصراع	=	هزار و دویست و هیجده

«این قبه گلبنی است بزبور برآمده	یا پاک گوهری است پُر از زیور آمده
این دوحه ایست کامده از جنت العلی	یا کوکی است سعد و منور برآمده
این زیب عرش یا که بود گوی آفتاب	یا نور حق که در همه اشیا برآمده
این قبه را چه اوج که با ارتفاع آن	صدر فلک بچشم ملک احقر آمده
این قبه راست جای بجائی که پایه‌اش	از اوج مهر و ماه و زحل برتر آمده
این قبه رفیع بجائی نهاده قدر	کز قدر با سپهر برین همسر آمده

این قبه و زمین زهمین رفعت و جلال
 این صحن صحن جنان است بهر آنک
 از دل سؤال کردم و گفتم مرا بگو
 دل در جواب گفت که اینک در این سؤال
 بهتر بود بحسن و علو از جنان در آن
 زهرا عفاف فاطمه بنت موسی آنک
 معصومه که در ره ایوان اقدسش
 شهزاده‌ای که هر دو سرا جدش این عطا
 مخدومه مکرمه آن نجم برج دین
 جد آمده رسول حق و جدش بتول
 باشد علی برادر وی آنکه نور ماه
 موسی کاظم آمده باب وی و در آن
 روی امید جمله عالم بدین در است
 فوج ملک زشوق دمامد گشوده پُر^۴

عرشی بدهر یا فلکی دیگر آمده
 آبش به از بقا و به از کوثر آمده
 کاین صحن از چه رو زجنان برتر آمده
 عقل طویل قاصرو وهم اقصر آمده
 مسکن که بنت موسی بن جعفر آمده
 بروی شرف زفاطمه وحیدر آمده
 از قدرو صدق حورو پری چاکر آمده
 با طالبان مذهب حق یاور آمده
 کز مهر و ماه رأی نکوش انور آمده^۱
 با یمن عصمت از پدر و مادر آمده^۲
 عکسی زنور اوست بدینا برآمده
 احسان و علم وجود و سخا بیمر آمده^۳
 حاجت هرآنچه بوده از این در برآمده
 وز عرش بر زمین پی یکدیگر آمده

۱- در اصل قصیده پس از این بیت، بیت زیر آمده است:

از اوج علم و فضل و ادب کوکب جمیل

۲- در اصل قصیده پس از این بیت، ابیات زیر آمده است:

یک جد او نبی شرف کل کاینات

یک جد او علیست که از عون کردگار

یک جد او حسین علی کائک در سخا

جد دگر علی حسین است کز گرم

۳- ابیات زیر پس از این بیت در اصل قصیده آمده است:

نه به زجده اش بجهان فطرتی نکو

بر مسلمین زمجدو هم کرد رهبری

روی جهان زدرگه او یافت آبرو

۴- این ابیات تا اینجا باقی است و مابقی خراب شده است. باقی اشعار در اصل قصیده بدین ترتیب است:

یکجا ز بهر چاکری زایران اوست

وز ذرج حلم و مجد و شرف گوهر آمده

کز جود حق ز جمله رُشل مهتر آمده

در روز جنگ صفدرو نام آور آمده

مولای عاصیان و شه محشر آمده

دین داور و رحیم و رهی پرور آمده

نه مثل جد عالی آن صفدر آمده

بر زایرین بجد و گرم رهبر آمده

پشت فلک بسجده او چنبر آمده

یکجا ز بهر خادمی این در آمده

از بهر سود بر دَرِ دربار عدل وی
ویرا هزار بنده بود کز شکوه و شان
هم آن بداوران زسنا آمده کفیل
تا امن شاه آمده دادار ملک و دین
تیهو جلیس و مونس باز جری شده
از عالمش برون صف میدان حربگاه
رمح و حسام آن شه دوران بگاه حرب
انجم سپاه و ماه رکاب فلک خیام
شمشیر و بزم و مجلس و میدان و طبل وی
از مهر او بیزم ولی آمده ضیا
هر روز بهر چاکر آن داور زمین
در بحر جود و برج عطا حلم و بیدقش
دوران جمال و مجلس وی را چو دید گفت
نه به ز وی بزیر فلک بوده است شاه
این قبه زیب زین شه والا تبار دید
چون قبه یمن زیب بزر داد دهر گفت
گفتم ز جود شاه بعالم قصیده

←

کردم بدل خطاب که این قبه چنین
گفتا بعون ایزد و سلطان عصر آن
سلطان عهد فتحعلی شاه آن کز او
آن پادشاه کز اثر عدل و داد او
آن خسرو زمین که باوج قدوم او
کشور گشای عالم و زین ملوک آن
فرمان دهی که نزد کمین بنده سرش
عبد و مطیع و بنده و فرمان برش زجان
خاقان برای بندگی او ز ملک چنین

نوشیروان ز وجد روان از سر آمده
هر بنده صد ملک شه و صد سنجر آمده
هم آن بسروران ز عطا سرور آمده
تا عدل شاه صاحب بوم و بر آمده
آهو انیس و حارس شیر نر آمده
از انجمنش فزون سپه و لشکر آمده
یضا بجنگ گاهی و گاه اژدر آمده
مهر از برای شاه همی افسر آمده
ز اوصاف هریک از دگری آشهر آمده
از کین او بحلق عدو خنجر آمده
خنک فلک بطوع به زین زر آمده
آن آمده است لنگرو آن محور آمده
مهری ز اوج جود سوی خاور آمده
نه مثل او بروی زمین داور آمده
کز پَر و قدر داور بحرو بر آمده
زین قبه رفیع گهر بر زر آمده
کز آن دهان فکر پُر از شکر آمده

قدر از که یافت از که بزب و فر آمده
کز را ز لطف فتحعلی یاور آمده
بستان مُلک و گلبین جان را بر آمده
شهباز و کسبک هم پر و هم شهر آمده
اورنگ مُلک را به فلک سر بر آمده
کز او کمال و قدر بهر کشور آمده
هر شاه بوده بنده و فرمان بر آمده
کسرای و رای و سنجر و اسکندر آمده
از طسرف روم زایر او قیصر آمده

کردم رقم زیمَن اَلِه این قصیده را	کز یمن آن بدفتر من جوهر آمده
ابیات این قصیده هر آن یک بدلبری	مانند حسن روی بستان دلبر آمده
گفتم قصیده که چنان لعل پُر بها	مقبول طبع قابل هر اشعر آمده
هر مصرعی از این چو یکی حور لاله رو	هر بیت آن دو ماه پری پیکر آمده
ناطق دعا بگو که بمرآت طبع و عقل	پیدا دعای شاه عطا گستر آمده
تا اسم نرگس آمده و لاله در زیان	تا نام اصفر آمده و احمر آمده
چهر موالی شد و روی عدوی شاه	از شوق احمر و زعنا اصفر آمده

کتابه بالای ایوان آینه

انشاء کتابه این ایوان از شیخ محمد حسن مجتهد قمی و خط ثلث ملا رجبعلی مذهب مشهدی است که بر روی سنگ مرمر نقر شده است. متن آن بدین قرار است:

«قال الله تبارك وتعالى «الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوه فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار ونور على نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم» وبعد لقد حاز اصل المجد والشرف وجاز كل سلف وخلف ببناء هذا الصحن والايوان المباهي في زهو جماله ابهى قصور الجنان في دولة الامن والامان ودورة العدل والاحسان عهد السلطان على الاطلاق والحقان بالاستحقاق الشهير بصفاته بل هي تشتهر بذاته الجدير لها بحقيقته كما أنها لا تجدر إلا بحضرة السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالظفر والانتصار ناصر الدين شاه قاجار لا زالت بقاع الارض بندي عدله مطلولة وسيوف الشريعة المطهرة في ايامه مسلولة جناب الاجل الاكرم وحضرة الاعظم الافخم ذوالمعالي التي دلت على طيب الاعراق والمحامد التي انعقد عليها الاتفاق خفقت على شريف رأسه من المكارم والبؤود وخضع لهيبته سلطان العساكر والجنود وخر لجلاله السيد والمسود وذلت لصعوبته الضواري من الاسود وزير الخاقان امين السلطان ميرزا علي اصغر خان نجل سمي خليل الرحمن فخر عصره وفحل دهره فلا غرو أن يجري الجود على عرق مثله وتلوح مخايل الليث في شبلة قد ارتقى الى مدارج عاليه ومعارج

سامیه وثقی له وسادة الصداره وخلف منه الامارة الوزارة ومنه اصول هذه العبارة فالجناوب
الاجل النبیہ خلف صدق من ایہ - بابہ اقتدی امین فی الشرف - ولكن الفضل يكون للخلف -
وارخ عام للبناء ان ترم فحاسبن هذه جنة قم ۱۳۰۳ کتبه رجبعلی الخادم»

کتابه بالا در ورودی ایوان آیینہ به رواق مطهر:

«من زار فاطمة بقم فله الجنة»

کتابه ای که بالای غرفه کوچک بالای سردر است:

«در عصر سلطنت اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر آئینه کاری

ایوان تجدید شد ۱۳۴۵ هجری شمسی»

کتابه دور گنبد مطهر از خارج

فتحعلی شاه گنبد قدیمی را که از بناهای شاه اسماعیل صفوی بود خراب کرد و به جای آن گنبد طلاکاری

فعلی را بساخت. قصیده فتحعلی خان صبای کاشانی به خط نستعلیق آقا مهدی طهرانی ملک الکتاب، به

شرح زیر، دور گنبد از بیرون دیده می شود:

یا رضوان	آتش موسی عیان از سینه سیناستی
السلطان فتحعلی شاه قاجار	یا که زرین بارگاه بضعة موساستی
یا برهان	بضعة موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر
السلطان فتحعلی شاه قاجار	خاک درگاهش عبیرو سنبل حوراستی
یا دین عمل غلام ^۱ شاه محمد حسین اصفهانی	نوگلی رنگین زطرف گلشن یاسین بود
السلطان فتحعلی شاه قاجار	آیتی روشن بصدر نامه طاهاستی
یا منان	پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفاست
السلطان فتحعلی شاه قاجار	زهره از آسمان عصمت زهراستی
یا حنان	نسبتی صحن حریمش را به پاتاق حرم
السلطان فتحعلی شاه قاجار	کاین مکان عزت و آن مسکن غراستی
یا غفران	صحن او را هست اقصی پایه عزت جنان
السلطان فتحعلی شاه قاجار	کز شرف مسجود سقف مسجد اقصاستی

۱ - کلمه غلام در اصل کتیبه با قاف نوشته شده است.

کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان طلا

بر بدنه گلدسته‌ها، نامهای «الله» و «محمد» و «علی» با خط کوفی معقلی دیده می‌شود.

دور گلدسته سمت راست در بالا:

«ان الله وملائكته يصلون على النبي»

دور گلدسته سمت چپ در بالا:

«يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه»

کتابه‌های گلدسته‌های سردر ایوان آینه

بر بدنه هر دو گلدسته نام «الله» با خط کوفی معقلی مکرراً نوشته شده است.

دور گلدسته سمت راست در پایین: «يا حنان» تکرار شده است.

دور گلدسته سمت راست در بالا:

«الحمد لله ولا اله الا الله»

دور گلدسته سمت چپ در پایین: «يا حنان» تکرار شده است.

دور گلدسته سمت چپ در بالا:

«لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم»

کتابه بالای سردر ورودی صحن عتیق به مدرسه فیضیه

صحن کهنه از بناهای شاه اسماعیل صفوی است. فتحعلی شاه آن را خراب کرد و بزرگتر گردانید و آب‌انباری ساخت و مدخل آن را در این صحن گذاشت. از صحن عتیق که به مدرسه فیضیه می‌روند ایوان و کرباسی است که مرحوم حاجی میر سید حسین متولی‌باشی به فرمان ناصرالدین شاه، آن را تعمیر و مرمت کرد. ابیاتی از آقا مجید شاعر به خط نستعلیق میرزا عمو بر بالای ایوان بر روی کاشی نوشته شده است. این کتابه به شرح زیر است:

که سوده رفعت وی پی به تاج کیکاوس
که قدر اوست بر از دانش عقول و نفوس

«بعهد خسرو جمجاه ناصرالدین شاه
جناب تولیت آرا سمی سبط دوم

خود این مقرنس شایان و این بلند ایوان	که رشک انجم کیوان و چرخ آبینوس
بزیب صحن گزین دخت موسی جعفر	جناب فاطمه اخت خدیو خطه طوس
شعاع شمع شبستان عصمت کبری	شفیعه دو سرا کردگار را ناموس
خلیل وار برافراخت آنچنان که نواخت	مسیح روزو شب اندر فراز او ناقوس
چو شد زهجر نبی یک هزار و سیصد و یک	ز چرخ داد عطار د بکلک سید بوس
	راقمه میرزا عمو»

مقبره مهد علیا

در صحن عتیق متصل به ایوان طلا

این مقبره به امر ناصرالدین شاه ساخته شده است. سنگ قبر مهد علیا یکی از ظرایف هنر سنگ تراشی است و مرمر یک پارچه است. ابیات زیر بر آن خوانده می شود:

«هو الحي الذي لا يموت

دخت امیر یگانه قاسم قاجار

آنکه چو گنجی بزیر خاک نهان شد

رائیانش فـتـحـعلـی بُـود و شـه

آنکه چهل سال زیب تخت کیان شد

جفت محمدشه آنکه همچو سلیمان

زیر نگین اندرش زمین و زمان شد

مادر صاحبقران عصر که ملکش

از ملک العرش با مزار قران شد

شه پسرو شه نیاو شاهش شوهر

خود نه شگفتی بود که شاه زنان شد

مغفرت و رحمت از خدای طلبکرد

سوی جنان رفت و هرچه خواست چنان شد

رفته نمود از پس هزارو دو صد سال

رو بمحمد خدیجه ز جهان شد

۱۲۹۰

عمل حاجی محمدعلی حجاز طهرانی و میرزا علی اکبر حجاز ولد مشارالیه

در هلال زیر کتابه:

«هو الحي الذي لا يموت

بحسن مراقبت جناب جلالتمآب عضدالملک علیرضاخان قاجار دام مجده العالی اتمام

یافت»

حاشیه سنگ:

«الهی به نبی عربی و رسول مدنی الخ»

مدفونین در مقبره مهدعلیا

کتابه سنگ قبر فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه و همسر حاجی مجدالدوله

نماند هیچکس را کامرانی
پشیمان میشود از میزبانی
که از گرگان نیاید گله‌بانی
مگر از بعد چندی گشت فانی
نبودی گر زپی باد خزانگی
اگر این لوح بر خاکم بخوانی
گلی بودم زیباغ خسروانی
که بد زینده بر تاج کیانی
همی می‌پرورید از مهربانی
که این خانم ندارد هیچ ثانی
بلا اولاد در سن جوانی
طپان گشتم بخاک ناتوانی

«دریغ از انقلاب آسمانی
مرو بر سفره گردون که این دون
مشو ای گوسفند از گرگ ایمن
یرین دنیای فانی کس ندیدم
صفای غنچه در گلزار خوش بود
کنی این پند را چون حلقه در گوش
مرا از فخر فخرالدوله گفتند
پدر بد ناصرالدین شاه قاجار
مرا اندر سفرها و حضرها
بدم خوشدل که میگفتند خلقی
بناگه در هزارو سیصد و نه
ز صیاد اجل خوردم یکی تیر

تو هم ای آنکه بر قبرم گذشتی
چو من هرگز نمانی جاودانی
بیا بر تربتم از روی اخلاص
بالحمدی مدد کن گر توانی»

کتابه سنگ قبر حاجی مجدالدوله

«ای دریغ از حاج مجدالدوله والا گهر
آن امیر نامجوی نامدار نامور
گوهر یکتای خال ناصرالدین شاه راد
شاه را داماد نیکو اختر و فرخ گهر
خوانسالار شه ماضی که در دوران شاه
خلق می‌گشتند از خوان نوالش بهره‌ور
ایلخان ایل قاجاری که آن ایل جلیل
بر یلان بودند در ظلّ ظلیلش مفتخر
شیردل میر پلنگ افکن که هگنام مصاف
داشتی رزم آزمائی با قضاو با قدر
ای هزار افسوس کز دونی دنیای دنی
همچو آهو شد زیون در چنگ گرگ آن شیر نر
اندر اسلام و دیانت الحق او برجستگی
داشت در بسین تمام امت خیرالبشر
نام او مهدیقلی خان بودو این نام نکو
بر درِ هشت و چهارش هادی است و راهبر
چون پناه خلق بود از حسن فطرت حالیا
در پناه حضرت معصومه شد او را مقرّ
همچو فرزندی کجا زاده است مادر در جهان
همچو دلبندی کجا پرورده در دامن پدر

در هزار و سیصد و پنجاه و هفت آن جان پاک
 کرد در ماه صفر زین دار محنت چون سفر
 از پی تاریخ فوتش نطق رضوانی بگفت
 جفت مجدالدوله شد سوی سفر ماه صفر»

* * *

* افسرالدوله دختر ناصرالدین شاه، متوفی ۱۳۱۹.

* * *

* فخرالملوک دختر ناصرالدین شاه و همسر اعتضادالدوله. ماده تاریخ فوتش به قرار زیر است:
 کلک حکیم خواست چو تاریخ زد رقم دفتر سیاه کردو زیان قلم برید
 نقصان نمود پنج ز تاریخ سال و گفت فخرالملوک جای بصرن جنان گزید»

* * *

* نورالسلطنه دختر مظفرالدین شاه، متوفی در دوازدهم شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۵۵.

* * *

* اقدس السلطنه دختر مظفرالدین شاه، فوت ظهر جمعه چهاردهم محرم ۱۳۷۰.

* * *

* اخترالدوله دختر ناصرالدین شاه و همسر ارشدالدوله، متوفی در ماه صفر ۱۳۳۷.

* * *

* مؤیدالدوله پسر حسام السلطنه فاتح هرات. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته اند:
 مستورخ سئل التاریخ مرتجلا فقيل فوزاً له من رحمت الباری

* * *

* جعفر قلی میرزا معروف به معین السلطان، متوفی به سال ۱۳۲۳ قمری.

مقبره معتمدالدوله منوچهرخان گرجی در صحن عتیق

از سنگ قبر معتمدالدوله اثری برجای نیست. در سالهای ۱۳۲۹ یا ۱۳۳۰ شمسی این سنگ را از میان برده اند. فعلاً چهار جفت در، در چهار جهت مقبره او برجای است که از ظرایف هنری است. آنچه از

خاتم‌کاری آنها برجای است، بسیار ظریف و جالب نظر است. ابیاتی بر بائوها و پاسارهای درها بوده است که بیشتر آنها را بیرون آورده و به یغما برده‌اند. احتمال دارد در ایامی که سنگ قبر او را از میان برده‌اند، برای گم کردن نام و اهمیت مقام او بدین کار زشت دست زده‌اند.

طرح بنای مقبره منوچهرخان گرجی نظیر بنای مقبره محمد شاه قاجار است که به دست داودخان پسرش بنا شده است. باقی مانده ابیات کتیبه یکی از درها بدین ترتیب است:

«بدور شهی کز مفاتیح غیب	برویش در بسته باز آمده
.....	که دوران از او سرفراز آمده
.....	
.....	
.....	خراجش زمصر و حجاز آمده
.....	بلی خاص محمود ایاز آمده ^۱
.....	که دار سرورش بساز آمده ^۲
.....	بدیای شوکت طراز آمده ^۳
.....	
.....	بترتیب در حکم باز آمده
.....	دری بین برحمت فراز آمده
.....	«۱۲۶۴

بر دو لنگه در دیگر که در این مقبره است، ابیات زیر خوانده می‌شود:

«.....	بروی جهان باز درهای رحمت
.....	
.....	شهنشاه غازی محمد شه آنکو
.....	مهین پادشاهی که چرخ از مجره

۱- این مصراع فعلاً بر در ورودی نصب شده است.

۲- نزدیک این مصراع نام محمدباقر اصفهانی و تاریخ ۱۲۶۴ دیده می‌شود.

۳- این مصراع نیز بر در ورودی نصب شده است.

۴- این مصراع فعلاً بر در ورودی نصب شده است.

ابوالمجد امیری که بر درگه شه
منوچهرخان کز جنانش بهر عزم
بعهدش زمین آسمان شد که بودی

.....
بخاک قم از حکم داودخان کو

.....
بنائی چو قصر بهشت از نکوئی
بخاتم پس آراستند آنکاهش در

.....
غرض یافت چون بقعه اتمام ازین در

.....
قضا و قدر میگرفتند رخصت

.....
بسوی جنان از جهان کرد رحلت
سپهر جلال است دکان فتوت
که گردون نیارد برش لاف رفعت
اساسی چو کاخ فلک در سعادت

.....
گرفتی بدنندان سرانگشت حیرت
که باد احترامش بجا تا قیامت
در بقعه باد از درهای رحمت

«۱۲۶۴»

ابیاتی که بر درِ ورودی این مقبره است

بدوران عدل شه کامگار
جهان قهرمانی که از جان شده

.....
.....
منوچهرخان خاص آن آستان
که تا اوستادان کارآزمود
پس از حکم داودخان بقعه‌اش
گذشت از جهانی که بودش بکام
امیر معظم منوچهرخان

.....
.....
که شاهی چو او خشم دوران ندید
براحت درین خاک پاک آرمید

.....
.....
که دادارش از دیگران برگزید
.....
بپاگشت و سر سوی کیوان کشید
چو زین خاکدان جز کدورت ندید
.....
نسیمی که در هشت جنت وزید

چو انجم بتاریخ این درگرفت

در بقعه معتمد شد پدید^۱

ابیات و مصراعهایی که بر در دیگر باقی مانده است

بعهد شهنشاه کشورگشای	
.....	که اسکندرش کمترین بنده بود
.....	
.....	
.....	که بی‌او نبودی جهان را نمود
.....	از آئینه خاطر خود زدود
.....	
بسوی جنان از جهان بست رخت	
چو این بقعه‌اش مدفن آمد بقم	چو این جتتش فضل حق رهنمود
.....	که گردون ز قدرش درآمد فرود
.....	
اشارت باشراف درگاه رفت	
یکی از برون شد درون و بگفت	

مقبره فتحعلی شاه قاجار در صحن عتیق

ابیاتی که بر دو لنگه در ورودی مقبره فتحعلی شاه است

«بعهد خسرو عرش آستان محمد شاه	که خسروانش بدرگه نهاده روی نیاز
بزرگ بار خدائی که از خدای بزرگ	زهر چه بار خدایان بداوری ممتاز
لطیف عنصرش از نور ذات بی‌سایه	فرید گوهرش از فرّ فرد بی‌انباز
توان بذات ز عقل نخست بردش پی	بلی شدن بحقیقت توان ز راه مجاز
تطاولی نرسد تا بصعوه در عهدش	باحتیاط فرو دوختند دیده باز
زمضجع شهی این کاخ خلد را همدم	زمرقد مهی این بقعه عرش را همراز

۱ - مصراعهای این قطعه درهم ریخته بود، نگارنده به حدس آنها را به جای خود گذاشت و دوسه مصراع که متعلق به درهای دیگر بود به جای خود برد.

که یاد عهدش و با نه سپهر برگ و نوا
 ستوده فتحعلی‌شه که در جهان و جنان
 دمی هزار طوافش ز زایران بعراق
 بامر شاه زمان داور فرازو فروز
 خجسته معتمدالدوله آنکه کینش و مهر
 جهان جود منوچهرخان که بخشد زر
 زامر او چو ازین در بدین حرم زیور
 دبیر عقل باثبات سال تاریخش

که ذکر امنش و از هشت خلد نعمت و ناز
 سواد برده سجودش ، مجردات ، نماز
 بسال یکره اگر طوف محرمان بحجاز
 ز افتخار جهان این در رواق فراز
 بدین و دولت دشمن گداز و دوست نواز
 برون نرفته هنوزش سبیکه از دم گاز
 زحکم وی چو ازین در باین حریم طراز
 نگاشت این در عالی زمعمد شده باز»

ابیاتی که بر دو لنگه در شرقی مقبره فتحعلی‌شاه حک شده است

«این که در کعبه‌اش زشرف اندر اعتکاف
 دمگاه خسروی که ملک را درش مناص
 شاهنشهی که از مه و خورشید رأیتش
 فتحعلی‌شه آنکه ملوک و ملائکش
 در فرش ، خاکیان برواقش در ازدحام
 اکفی الکفات معتمدالدوله کز سخا
 خان خجسته چهر منوچهرخان که مهر
 در رشته‌ایست یوسف قدرش که اندر او
 محکم بدستیای او پای اعتدال
 امرش کند بگوهر اجرام اختلال
 رنجور ملک را بتن از رای او توان
 از امر او که همچو قدر نی درش بداء
 شد افتتاح این در خاتم که تا ابد
 تاریخ سالش از خردم شد سؤال گفت

فردوشش از علا بقصور اندر اعتراف
 دربار دآوری که فلک را درش مطاف
 مه انخساف یافته خورشید انکساف
 آورده در جهان و جنان گرد در طواف
 از عرش ، قدسیان بطوافش در ازدحام
 ناداده کن فکان کف کافیش را کفاف
 رویش در استار چو رایش در انکشاف
 زالیست چرخ و مهر بدست اندرش کلاف
 کوته زبایمردی او دست اعتساف
 مَنعَش بَرَد زعنصر اضداد اختلاف
 سرسام خصم را بسر از تیغ او رعاف
 از حکم او که همچو قضا نی درش خلاف
 ایمن زانسداد و مصون باد از انصراف
 این در [به] از مقام در کعبه در طواف
 ۱۲۵۷»

ابیاتی که بر دو لنگه درِ غربی مقبره فتحعلی شاه حک شده است

«در زمان خسرو غازی محمد شه که هست

تیغش اندر روز کین انباز تیغ بو تراب

آفتاب خسروان ، گیتی ستانی کو گرفت

مشرق و مغرب بدان سرعت که گیرد آفتاب

تف توپش ، هرکجا ، خون مخالف سیل خیز

سیل خیراتش بدیدم آنه شیء عجاب

زین نییره در جنان بالیده جان پاک جد

زین پسر نازیده در فردوس جان پاک باب

از پدر آمد سیاوش و ش زجد کاوس گون

حَذا کیخسروی کارد ببند افراسیاب

این حرم کز پایه آمد مهبط روح القدس

مضجع پاک نیای داور مالک رقاب

دادگر فتحعلی شه آنکه از لوح و قلم

شاه فرد انتخاب اندر جهانبانی کتاب

پایه درگاه او از آسمان است احتراز

شمسه ایوان او از آفتابست اجتناب

آستین افشان چو شد زین خاکدان از سوگ او

چرخ را تا دامن محشر بتن نیلی ثیاب

این همایون در زامر شاه خورشید احتشام

گشت زیب این رواق از خان مریخ احتساب

اعتماد دین و دولت کز ضمیر صائبش

ملک و ملت را کمال و دین و دولت را نصاب

خان کیوان در ، منوچهر آنکه از فر ملک

چرخ زنگاری خیامش روشنان زرین قباب

یافت چون زین در طراز این بقعه فرخ که گشت

محرم از حرمت حریم کعبه‌اش اندر حباب

از پی تاریخ سالش زد رقم پیر خرد

کین در کعبه مقام ، از داور جنت مآب

«۱۲۵۷»

سنگ قبر فتحعلی‌شاه قاجار

سنگی که تمثال فتحعلی‌شاه بر آن حجاری شده، از سنگهای مرمری است که تاکنون سنگی به این صفا و خوبی از معدن کمتر بیرون آمده است. این سنگ را نایب‌السلطنه عباس میرزا، از تبریز به تهران حمل نمود. چون به نظر فتحعلی‌شاه رسید، عبدالله خان نقاش‌باشی اصفهانی را دستور داد که تمثال همایونی را بر روی آن سنگ کشید و آقا محمدعلی حجاز‌باشی آن را در سال هزار و دویست و پنجاه تمام کرد. چون در همین سال فتحعلی‌شاه فوت شد، جسد او را به قم حمل کردند و در محل کنونی به خاک سپردند و این سنگ را که در تهران بود به قم بردند و بر مضجع او قرار دادند.

ابیاتی که بر این سنگ حک است از محمدتقی علی‌آبادی است که به خط میرزا زین‌العابدین کاشانی بر آن نوشته شده و بدین ترتیب است:

بجان اندرم تا بروز شمار	«سپاس تو ای پاک پروردگار
خرد را به مغز اندرش جای نیست	به یکتائیت هرکرا رأی نیست
به محشر دو در از جحیم و بهشت	پدیدار کردی پی نیک و زشت
از این خاکدان بر بافلاک شد	ز تو خاک پیغمبر پاک شد
زنسل علی یازده تن ولی	بجای نبی بر نشاندی علی
بر این هستم و هم بر این بگذرم	بدل مهر ایشان چو جان پرورم
برویم گشادی در فرهی	مرا بر نشاندی به تخت شهی
سراسر سپردی به تیغ و نگین	مرا ملک ایران و توران‌زمین
که جای شکنج است و تیمار و رنج	به آرامش این سرای سپنج
بدان زیب و زینت که خود خواستی	چه خرم بهشتی بر آراستی

عجب نبود از لطف ای کردگار
 که در هر دو گیتی بُوم شهریار
 از این گفت من بخردان برخورند
 که از دانه ره به خرمن برند^۱
 در گوشه شمال غربی متن سنگ:

«از نتایج افکار ابکار طبع گوهریار شاهنشاه دین پناه ایدالله ملکه ودولته
 از جان گذشته ایم و بجانان رسیده ایم
 از درد رسته ایم و بدرمان رسیده ایم
 ما را بسر توقع سامان خویش نیست
 کز سرگذشته ایم و بسامان رسیده ایم»
 بر کُنج جنوب شرقی سنگ:

«العامل محمد حسن حجار باشی»

میان ضلع شرقی:

«کاتبه زین العابدین کاشانی»

بالای همین قسمت:

«کمترین بنده شه عبدالله»

کُنج شمال شرقی:

«ناظمه محمد تقی علی آبادی»

کُنج شمال غربی:

«یا ماحی السیئات»

کُنج جنوب غربی:

«یا غافر الخطیئات»

مدفونین در مقبره فتحعلی شاه

* شاهزاده حاجی بهاءالدوله، فوت در شنبه بیست و یکم شهر ربیع الاول ۱۳۲۳.

* * *

* کامران میرزا نایب السلطنه، متوفی پنجم ماه ذی القعدة سنه ۱۳۴۷.

* * *

۱- این سنگ به درازای ۲۲۸ و پهنای ۱۳۲ و قطر ۱۲٫۵ سانتی متر و حاشیه کتیبه آن ۱۳٫۵ سانتی متر است.

* ماه تابان خانم ملقب به قمرالسلطنه بنت خاقان فتحعلی شاه، فوت در شب دوشنبه ۱۷ شهر جمادی الثانیه سنه ۱۳۰۹.

* * *

* حاجیه شاهزاده مهری جان خانم ملقب به ندیم العلیا بنت فتحعلی شاه، فوت در شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۳۰۵.

* * *

* زبیده خانم ضحیعه حاجی بهاءالدوله، متوفی یکشنبه غره شعبان المعظم ۱۳۱۵.

* * *

* زهرا خانم ملقب به بهاءالملوک صبیّه شاهزاده حاجی بهاءالدوله وضحیعه آقا محمد خان میرپنجه، فوت در هفدهم محرم سنه ۱۳۲۱.

* * *

* عبدالله میرزا حشمت الدوله پسر حمزه میرزا ونوه فتحعلی شاه. ماده تاریخ فوتش چنین است:
«در کلامم شده از مصرع دیگر تاریخ مدفن هرکه به قم شد به یقین محترم است»
۱۳۲۱

* شاهزاده محمدامین میرزا. ماده تاریخ فوتش از این قرار است:
«نوشت مشتری از بهر سال تاریخش سزد ببقعه خاقان مقام و جای امین»
۱۳۰۴

* * *

* شاهزاده صاحب خانم ملقب به حاجیه شاهزاده خانم بنت محمدامین میرزا ابن خاقان جنت مکان، متوفی شهر محرم سنه ۱۳۰۴.

* * *

* فتح الله شعاع السلطنه پسر فتحعلی شاه در شصت و دو سالگی فوت شد. ماده فوتش بدین قرار است:
«پی تاریخ آن رضوان رقم زد فزون آمد شعاع خلد از وی»
کتبه محمد ابراهیم تهرانی ۱۲۸۷

* * *

* احترام السلطنه همسر صنیع الدوله در شهر شعبان. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته‌اند:

«خواست سازد سال تاریخش رقم کلک حکیم

استعانت جست در این کار از عقل سدید

هفده از تاریخ هجرت منفصل بنمود و گفت

احترام السلطنه در صحن مینو جاگزید

۱۳۲۱»

سه زوج در ظریف مقبره فتحعلی شاه مورخ ۱۲۵۷ و کار اصفهان است.

کتابه بالای سر فتحعلی شاه

در یکی از صفت‌های هشتگانه

این کتیبه که بر سنگ مرمری به بلندی ۲۲۵ و پهنای ۱۳۵ سانتی متر حک شده، شامل دو بخش مشخص است:

بخش نخست مانند سر قابی برجسته قسمت بالایی بخش دوم را دربر گرفته است، و بخش دوم در داخل این قاب بندی قرار دارد.

بخش نخست شامل ۱۴ سطر است که از سطر هشتم، سطرها از میان دو تکه می‌شود به گونه‌ای که این فاصله در سطرهای بعدی بیشتر و بیشتر شده تا جایی که در سطر چهاردهم فقط چند کلمه بیشتر نیست:

س ۱ «بسم الله الرحمن الرحيم لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلی تبارکت تعطی من تشاء وتمنع تحسین ودرود مر نخستین صدور وورود عرصه شهود را احمد محمود صلوات الله علیه وآله واوصیائه الغرر الاثنی عشر منته و سپاس مر بخشنده نعمت و بخشاینده نعمت را سزد و پس که پس از انعام عام و اعطای تام گدا و شاه را در آن یکسان خواست نه

س ۲ از آن جان دریغ داشت و نه از این نان بازگرفت ذات همایون ما را مزیتی دیگر مزید بر شماره و فزون از عدد ستاره کرامت فرمود که با هزار چونین زبان شکر یکی از آن نتوان کرد با یک زبان در ادای چندین هزاران چه زبان افتد الهی انت کما اثیت علی نفسک و قلت و قولك الحق وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها از

س ۳ آنجا که پیغمبر پاک و برگزیده لولاك بر اشاعة رحمت و اذاعة نعمت در کتاب مسطور مأمور آمد

که وَاَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ و اظهار نعمت را نوعی از ادای شکر شمرد زیرا آنکه نعمت شناسد شکر را نشاید و آنرا که شکر نشاید نعمت نباید تأسی بآنجناب در متابعت خطاب و مطاوعت کتاب واجب که لقد کان لکم فی

س ۴

رسول الله اسوة حسنة آنچه از فواضل احسان و فضایل انعام مخصوص خصایل و شمایل ما داشت که بدان آیات ذات ما را از ممکنات افزون خواست با کمال اعتراف بعجز از احصای آن بمدلول المیسور لا یسقط بالمعسور امتهات آن بیّنات بی تکلف منشیانه و تصلف مترسلانه بر حسب تقریر دلپذیر

س ۵

بزبان خامه صاحب دیوان رسایل بر این لوحه ارشاد تحریر رفت که بینندگان حاضر را تذکری و آیندگان غایب را تفکری حاصل آید تا بدانند این خداوندان ملک کز پس خلق است دنیا یادگار هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق گوهر پاکم ایل جلیل قاجار از آق قویونلوی ترکمانیه و آن قبیله نبیله از اولاد

س ۶

ترک بن یافث بن نوح که بیافث او غلان مذکور و بکثرت اولاد و احفاد مشهور آبای کرام و اجداد با عدل و داد ما در استرabad گرگان بعد از استیلاء بر ترکمانان علم جهانگشائی افراختند شاه - قلی خان پدر پنجم ما که سرخیل آن انجم بود پس از انقضای مدّت حکمرانی از این جهان فانی درگذشت زمام اختیار

س ۷

بفرزند ارشد فتحعلی خان باز گذاشت او امیری بود پادشاه نشان بمعاضدت شمشیر و مساعدت تدبیرش دولت علیه صفویه را استقامت و استحکامی تمام حاصل بود پس از شهادت او نادرشاه افشار چندی بهتک و فتک ایران را ویران گذاشته درگذشت نوبت سلطنت موروث بمحمد حسن خان فرزند رشید سعید خان

س ۸

رسید او پادشاهی مؤدب نفس مجرب عقل مهذب رای بود در اندک مدّت ممالک عراق و فارس و آذربایجان چون قلوب جمهور ناس — مسخر و مغلوب ساخت پس از انصراف مهلت و انصرام مدّت بر عادت زمانه ناپایدار زمانش بسر آمد و از آن پادشاه هفت پسر خلف ماند پدر نامدارم

س ۹

حسینقلی خان ملقب بجهانسوز شاه و عمّ تاجدارم محمدشاه که گوهر یک درج و اختر یک برجند بسبب استیلای کریم خان زند — عمّ تاجدارم در شهر شیراز چون بیژن اسیر چاه و پدر

- شمشیر گذارم تا از چاه بجاهش کشاند مغفر سر بر تاج زر کمان و کمند بر حمایل گهر نطق
س ۱۰ شمشیر بر کیانی کمر نمد زین بر خسروانی بستر برگزیده دستان وار داستانهای مردی و
مردانگی بیادگار گذاشت — عاقبت بهمان اختلاف بشهادت سعادت یافت تا کریم خان زند که
باعث آن کار ناپسند بود از زاد نان و شراب
- س ۱۱ چون نقش بر آب و موج سراب ناچیز ماند عم نامدارم از شهر بند شیراز چون — راه مازندران
گرفت و یکم وقت ایرانرا مستخر کرد و او پادشاهی بود با بطش شدید و طیش سدید
- س ۱۲ رانی صایب و اندیشه ثاقب داشت در سال ۱۲۱۱ بگشودن شوشی حصار عزم جزم — کرد پس
از تصرف آن صخره سَمّا و قلّه سَمّا از مفسدت صادق خان
- س ۱۳ کرد شقاقی بظلم سه کافر نعمت مردود — در ذیحجه الحرام بدرود تاج و تخت کرد
- س ۱۴ راقمه محمد حسین الطهرانی ۱۲۵۷ — بحجاری استاد محمد حسین
بخش دوم کتیبه که از بالا صورت شیروانی شکل دارد، شامل ۳۸ سطر است. این بخش از کتیبه همراه با
اشعاری است که در متن اصلی در مستطیلهایی جای داده شده است؛ در اینجا با فاصله و علامت x مشخص
شده است:
- س ۱ «یا ستار (اِنَّالله وَاَنَا الیه راجعون) یا غفار
- س ۲ باهتمام سرکار مقرب الخاقان جهاننا مپرور چو خواهی درود x چومی بدروی پروریدن چه
سود سهراب خان صورت اتمام پذیرفت
- س ۳ پس صادق خان تاج و تخت و کلاه سلطنت بر ایگان یافته خیلای سروری و کشورگیری در
دماغش جایگیر شد غافل از اینمعنی نه هر سری بکلاهی سزای سردار است
- س ۴ خبر این داهیه بزرگو واقعه موحش در دارالملک فارس بمجامع دولت و مسامع حضرت ما
رسید کیخسرو آسا دلی پر ز درد و سری پر ز کین x بخونخواهی شاه ایران زمین با معدودی
از سران سپاه
- س ۵ و خاصان درگاه رای بنخگاه ری آوردیم صادق خان با شصت هزار لشکر بقزوین رسید چهار
هزار کس از منهزمین شوشی شکسته و خسته بهم در پیوسته خدا را یاد کردیم و از او
درخواهنده داد شدیم چون شهاب بر شیطان و برق بر کتان و صاعقه
- س ۶ بر گیاه برو تاخته ظفر یافتیم تخت و کلاه از او بازستده آن سه مرد گناه را با آتش سوختیم بر

تخت سلطنت با شوکت جم بر جای عمّ نشستیم بفرّ فریدون بر افرازگاه × ابا یاره و
خسروانی کلاه بدیهم شاهی سرافراختیم × بگیتی رهو رسم نو ساختیم زشاهان گیتی
گرفتیم باج × نهادیم از مرد دهقان خراج

س ۷ بعزمهای جازم و حزمهای حازم کشورها گشودیم و لشکرها شکستیم زیردستان زیردست
آوردیم و بر زیردستان بخشایش کردیم از متهای گرج و آرمَن تا اقصای غزنین چهار ماهه راه
طولاً و از کنار عمان تا لب بحر خزر دو ماهه راه عرضاً بسطوت قاهره مسخر و از عدل کامل
ورافت شامل غواشی ظلم و بیداد

س ۸ از حواشی مملکت مرتفع و پای تعدی از عرصه جهان منقطع داشتیم شاهزادگان با عدل و داد
را بر قاعده و یاسای عدالت تا کشور آبادان و معمور دارند و همّت بر حفظ حدود و ثغور
گمارند در هر شهری شهریاری و در هر عرصه شهنشاهی گماشتیم بحسب احیای مراسم
شریعت غرّاً و ابقای قواعد ملت بیضا را سر دفتر روزنامه دولت

س ۹ و اقبال ساخته از مّه انام بدست ائمه اسلام نهادیم در همه بلدان مساجد و مدارس و معابد برپا
داشته مفتیان مجتهد و مقتدیان متعبد عالمان مفید و طالبان مستفید بارشاد عباد در اصلاح
معاش و معاد مستقرّ و وظایف و ادرات مؤنه ایشان زیاده از یک کروور مقررّ و مستمر داشتیم
پس از چندی صیت تغلب و تسلط روس در ممالک روم و فرنگ

س ۱۰ عالم گیر شد سرحدنشینان گرج و آرمَن و فتنه جویان قفقاز و قزلر به سبب ارتباط مذهب و
اختلاط مشرب که الکفر ملّه واحده کفره لجوج روس را چون قوم یا جوج از سدّ دریندو حد
البرز کوه بحواشی مملکت آذربایجان راه دادند ردع آن ماده حاده و دفع آن عارضه ضاده به تیغ
تیز و خنجر خونریز نافع و ناجع یافتیم با لشکری گران بیکران و آلات و ادوات

س ۱۱ شایان شاهان جهانستان چون سیل منحدر که از فراز بنشیب تازد بدفع و رفع آن گروه عنان
عزم گشادیم این زحمت را رحمت الهی و این معادات از سعادات نامتناهی ذات و توفیقات
خاصّ خود شمردیم آفتاب این موهبت بروزگار دولت ما تافته درجه رفیعه جهاد فی سبیل الله
یافتیم بشکرانه این سعادت بیست و هفت سال با عبده اصنام مکاوحت

س ۱۲ و مکافحت در پیوسته در دارو بُرد و پردو بُرد حرّ از برد نشناخته لیل و نهار و خزان و بهار از
کار پیکار نیاسودیم در سال یکهزار و دویست و چهل و دو هجری کفره روس قدم تجاسر پیش

نهادند مجاهدان ایران در بذل نفس مردی پیش کردند مواعید صادق من یقاتل فی سبیل الله
فیقتل او یغلب فسوف توتیه اجراً عظیماً آئین وکیش

س ۱۳

وسرمایه امید خویش ساختند پس از طول مدت خونریزی مفرط ضروب و حروب مفعج
دریغ داشتیم که نفوس محترمه مسلمان اگرچه در خدای یک نفس طاهر هزار نفس شوم کافر
ازا یابد ادی بیند [کذا] و نیز تکمیل کار جهاد که در فرمان جلیل باموال و انفس امر رفته ناقص
نخواستیم آنطایفه منحوسه که بحرص و شره موصوف و مانوس اند از صدمات

س ۱۴

بیست و اند سالة ایرانیان ترک سرکردند و طمع زر نبردند ده کرور زر نقد از خزانه عامره
بوقایه جان اسلامیان بذل کرده آنطایفه خبیثه را از آنملک بسرحد مملکت خویش باز پس
فرستادیم چون کار جهاد بآخر رسید و روزگار پایدار سلطنت از سده اول بقرن ثانی پیوست از
سلاطین اطراف سفرا و وکلا با هدایا و تحف از انواع ظرایف و طرف بدرگاه اعلی

س ۱۵

متوارد و متواصل و از نفایس امتعه و اقمشه شرق و غرب و صنایع بدیعه سلم و حرب چندان
واصل گشت که در حد و عد نیاید در تفصیل این اجمال و تحقیق این احوال محرران وقایع
دولت و مورخان آثار خلافت نظام و نثر اکتب و دواوین پرداخته آوازه این شوکت و اقبال آویزه
گوش جهان ساخته اند اکنون که سال هجرت ۱۲۵۰

س ۱۶

وزمانه سلطنت چهل و عمر مبارک شصت است در بستگیهای کار ملک گشایش بیش کردیم و
بخشایش بر مسکین و درویش درآوردیم رایت عدل و انصاف بر آسمان افراشتیم و آیت جو رو
اغتساف از صفحه صحیفه روزگار برداشتیم ملک مصونست و حصن ملک حصین است
مَنْت وافر خدا را که چنین است فحمد الله ثم حمداً له از آلا و نعمای

س ۱۷

نامتناهی که مخصوص ذات و صفات ما داشت و بدان خصایص از پادشاهان جهان و
فرماندهان زمانم به نیک اختری برتری فرمود صفات حلیه جمال و جلال و کمال است
جمالی که آفتاب و ماه از دور قل هو الله احد چشم بد از روی تو دور بر خوانند حاضران ناظر را
از مطالعه آن مبارکه فتبارک الله احسن الخالقین ورد زیانست نقاشان مانی نگار

س ۱۸

و چهره پردازان زرکار از تصویر این صورت زیبا و شکل و شمایل دلارا زینت کار و رونق
بازار و شوق خریدار جویند و صفحه خاطر از دیگر نقشها بشویند از سیاست عدل فتنه سوز
ظلم گداز و حراست فضل عاجز پرور ضعیف نواز موری بعنف بار سلیمان نکشد و ماری

- بحیلت رهبر شیطان نشود در مجلس انس و محفل قدس باشتغال باعمال سلطنت
 ۱۹ س احتمال مهام مملکت و عدم ممارست بکتاب علمیه و مداومت بتصانیف عملیه آنچه از تسهیل
 مشکلات و تحلیل معضلات و تفصیل مجملات و تصریح محکّمات و توضیح متشابّهات از
 ملهمات خاطر وقاد و واردات ضمیر قدسی نهاد در مراتب ایقان و عرفان تراوش گیرد و
 نگارش پذیرد و محققان عهد و افاضل عصر بر سایل برند و از آن قواعد فواید حاصل و حلّ
 مسایل کنند
- ۲۰ س اهتزاز خاطر و انبساط ضمیر را با ندیمان خدمت و ادیبان حضرت وقتی اگر در نظم اشعار و
 وزن افکار ابکار اتفاق فرصت و التفات صحبتی افتد سخن دانان و سخن شناسان که فصیح
 عهد و بلغای زمان اند در زمان سرمایه سخن و پیرایه انجمن ساخته از قصاید شاعرانه و
 غزلیات عاشقانه و مثنویات عارفانه و رباعیات مشتاقانه سفینها پرداخته بحمل سفاین از
 عمان و نیل بهند
- ۲۱ س وروم و مصر ارمغان برند مانا ببرند و پیش دریا بنهند یعنی چو گهر دهی چنین باید داد علی -
 الجمله زمزمه عاشقان هند و همهمه عارفان مصر و غلغله صوفیان روم زان نظم دلکش است و
 از آن لفظ دلفریب و نیز مزید کرامت را قبول عامه که از الطاف تامه است بر این ذات شریف
 مخصوص داشت و آیه والقیث علیک محبة منی بر آن منصوص اهل عالم بقای ما را
 اگر از جان گرامی تری یابند بنیاز آرند و لقای ما را از دو جهان عزیزتری جویند بنثار بخشند
 ۲۲ س ذلك فضل الله یوتیه من یشاء خدای جهان دادم این فرهی x توانائی و فرّ شاهنشهی قوله
 تعالی المال والبنون زینة الحیوة الدنیا که همه گانرا متی عظیم و موهبتی جسیم است از دراری
 پاک و دراری تابناک تا این زمان آنچه در رقعه مصاف
- ۲۳ س ظهورند و در بقعه عفاف مستور صغیراً و کبیراً مصوناً عن الصغایر و الکبایر ازین چشمه زاینده و
 صلب فزاینده دو یست و پنجاه نفرند احفاد و نبایر یک هزار و سیصد بر شمرند همه پشت دولت
 روی نصرت عضد ملک معین ملت فارس میدان شجاعت حارص بیضه شریعت در صورت
 اگر متعدّد و ممتازند در معنی متحد و انبازند محبت و مؤانست فزون از حدّ نسبت و مصادقت و
 مؤالفت زیاده از درجه
- ۲۴ س اخوت دارند عرض اموال که زوال و انتقال آن ببذل و بخشش دست دریا نوال منظور و مقصور

باد از نسیم آفتاب زر تارو بسیج سحاب گوهر بار اندوخته بحار و جبال و بردوخته صبا و شمال از ریگ دریا در شمار بیشتر و از خاک صحرا در مقدار کمتر علی الجملة قطعات جواهر پُر بهای بی بهای نامی که از خون شاهان رنگ گرفته و از جان پاکان سنگ یافته

س ۲۵

مشتیرش همت جهانگیر و مقوم آن قائمه شمشیر بیع آنرا در بازار جان زیان جوهری بیع قاطع است معدود و محدود است دریای نور فرّ هور تاج ماه گوهر یکدانه لؤلؤ لالا بیضه بیضانگین جم دانه زمان مهر سلیمان کوه طور پرتو نور از آن جمله است از خواسته سیم و زر و ساخته لعل و گهر که احصای آن بهزار دفتر نگنجد و استقصای آن بنهج مختصر نسنجد بدریا و کان زرو گوهر نماند که توقیع مینو ما بر نخواند

س ۲۶

اجمالرا آنچه از باب صناعت و صیانت ایران در ترکیب آنها قدرت نموده و سلاطین روم و فرنگ در تربیت آن زحمت برده بزینت مجلس آسمان رتبت فرستاده اند سلطان روم را هدایا از تاج مرصع و اکلیل مکمل و کمر آویزهای گهر و حمایل مجرّه مماثل مشحون بلاکی شاهوار و یواقیت آبدار گوئی جهاز خانه دریا و معدن است و از صنایع ایران تخت خورشید است که از لؤلؤ رخشان و لعل بدخشان و دیگر

س ۲۷

جواهر آبدار آسمانیست مشحون از ثوابت و سیّار و نیز تخت سلیمانی که حجّاران سخت کار و استادان بخت یار از سنگ مرمر پدیدار کرده لختی از کوه یاقوت زرد کاسته یا گوهری کان پرورد چون روح پاک از تن خاک برآورده از ایجاد و اختراع پادشاهان روس و فرنگ تصنیعات جنس بلور است که بحمل فلک فلک سیر از عمان و خزر چون بحری از بحری جواز داده و از ساحل دریابار بدریار

س ۲۸

دربار برگردونهای گردون مدار چون حمل گویی بر کوهی نقل کرده اند نوعی از آن جنس تخت بلور است که بتخت الماس مذکور لمعه نور است و دیگر حوض بلور است که غواص اندیشه در لجه تصنع آن مصنع خوض نتواند کرد و تیر تفکر دقیقه یاب تعیین اوقات و تشخیص ساعات شبانه روزی را از زرناب هیکلی بهیأت فیل ترتیب و ترکیب کرده علامات و آلات چند بر او تعبیه ساخته

س ۲۹

و علامات و بالنجم هم بهتدون گوش و دُمی مروحه جنبان و پشه ران دارد خرطومی توانا و چشمی بینا و درین صنعت ماهری بل ساحری کرده اند و دیگر ظروف و اوانی که بی آب در

کمال لطف و صفا لبریز زلال فکائما ماء ولا قدح وکائما قدح ولا ماء همه جام است و نیست
گوئی آب همه آبست و نیست گوئی جام از غایت نورو ضیاء کشعاع ممازجة الهوا چون آینه
در بر

س ۳۰

آفتاب خیرگی بخش ابصارندو سطح بزم همایون را چون ستاره بر سقف آسمان رسته در
رسته و قطار اندر قطار و دیگر تصنعات گوناگون کانهن لؤلؤ مکنون از تعداد و تحدید بیرون
بمدلول لکل بقعة دوله و لکل بقاع عمارات مبارکات که امارات خیراتست در بلدان ایران از
مساجد و مدارس و ریاطات و قناترو تعمیر روضات مطهرات از دروب مرصع بجواهر و
صنادیق مکمل و ایوانها و گنبد های

س ۳۱

مفروش بخش طلا زچوب طوبی آنرا ساخته در زخاک جنت آنرا کرده دیوار از ده کرور
متجاوز محاسبان دیوان خیرات را ثبت دفاتر است و دیگر عمارات سلطنت و سرای دولت
سزای شوکت و در خور قدرت جهان مکتب معماری استادان سنما رپیشه اقلیدس اندیشه
بمدلول ان اثارنا تدل علینا بنیادی چون بنای عدل محکم و بنائی چون بنیاد دولت مستحکم و
استوار داشتیم

س ۳۲

خاصه خطه طهران که خط استوای ملک و ملت است و محط رحال دین و دولت و از کاخهای
رفیع و باغهای وسیع کازم ذات العمد التي لم یخلق مثلها فی البلاد روضة روضة رضوانست و
کعبه امن و امان و قبله اسلام و ایمان تعداد لشکر عدو شکر مؤید بالنصر والظفر لشکری
ناکشیده قهر شکست سپهی ناجشیده زهر فرار پانصد هزار در شمارند کانهن بنیان مرصوص
بحفظ و حراست مخصوص اند

س ۳۳

بسبب جمع ثبت فتنه دارند و در مرصد قمع فساد ترصد کنند جیوش کان الحرب عاشقة لهم
اذا زارهم فدية بالخیل والرجل توای بر فرازنده نه سپهر × فروزنده گوهر ماه و مهر به نیک
اختری آفریدی مرا × شاهنشهی برگزیدی مرا زفر تو بر سر مرا افراست × جهان در جهان
کشور و لشکر است مرا سرفرازی و پستی توئی ×

س ۳۴

که من نیستم هرچه هست توئی بکیهان شهان پادشای توام × بدین پادشاهی گدای توام
بشاهان ثنای شهان درخوراست × چه داند گدا کاین خزف یا در است چه بخشیدیم
دولت این جهان × ببخشائیم نعمت جاودان اکنون کاسایش خلایق و آرایش جهان در

- طلعت مبارک و رأی منیر ماست بر آن شدیم که مدار سلطنت ممالک ایران بدین سلسله علیه
 س ۳۵ که بابد متصل باد دایرو سایر باشد و دست مخالفت و اطماع بیگانگان زحواشی و اذیال این
 ملک کوتاه آید تا بدین حکمت نعمت بی نعمت و امنیت بی کلفت بر پروردگان این حضرت و
 بر آوردگان این دولت دائم و قائم ماند از زمره هشتاد و اند فرزندی یازده هزار کس نبیره و احفاد
 در کسی لیاقت سری و قابلیت برتری جز فرزند دلبند محمد میرزا مهین فرزند ولیعهد
 مغفور عباس میرزاست مشاهده رفت آن مایه سرور دل
- س ۳۶ و فلذۀ جگر را که ذیل عصمتش از لوث تمامت خطایا پاک است از حدود خراسان بپایه سریر
 خلافت مسیر احضار و پس از تفویض ولایت عهد مر او را باذریاجان گسیل نمود و خود
 عزیمت شکار را راه اصفهان پیمودن گرفتیم و در آنجا یگانه علیل المزاج مقیم آمدیم تا خود
 فلک از پرده چه آرد بیرون راقم حروف مینویسد که پادشاه سعید انارالله برهانه دو ساعت
 بغروب آفتاب مانده روز
- س ۳۷ نوزدهم جمادی الثانی ۱۲۵۰ در اصفهان داعی حق را اجابت لبیک گفت و در شب جمعه سیم
 شهر رجب المرجب سال مزبور در
- س ۳۸ صحن مقدس حضرت معصومه مدفون آمد تاریخ بنا اساس ... مضجعه آمد^۱

کتابه ای بر سنگ بر دیوار راست ایوان مقبره فتحعلی شاه قاجار

«کل شیء هالک الا وجهه»

محمد علی فاطمه حسن حسین علی محمد

جعفر موسی علی محمد علی حسن مهدی

جهان بساز بازیچه نو نمود	شهی برنشاند و شهی در ربود
چو فتحعلی شه به پرداخت گاه	محمدشه آراست تاج و کلاه
مبندش دل آنرا که دلبند نیست	پذیرای رای خردمند نیست
بسی ناسزاوار نسا دلکش است	جهانی که فتحعلی شه کُش است

۱ - خلاصه کلام الملوک میرزا تقی خان علی آبادی است که درباره نسب نامه و شرح حال خاقان است و فاضل خان گزوسی آن را خلاصه و موجز نموده و به خط میرزا محمد حسین شهیر به «ساعت ساز» که از مشاهیر نویسندگان آن عصر بود، به امر محمد شاه بر این سنگ مرمر نوشته اند (مختار البلاد، ۱۰۹).

چو پنجاه شد با هزارو دویست ستاره آبرِ خاکیان خون گریست
 همی باصفهان ترک شاهی بگفت بخاک قم اندر بشاهی بخفت
 بدارای نو باد دوران بکام بشاه کهن دار ملک السلام
 وفات در شب جمعه نوزدهم شهر جمادی الثانی دفن در شب جمعه سیم شهر رجب ۱۲۵۰»

اعمال خیر که در عهد دولت خاقان مبرور به ظهور رسید

قدری در این سنگ نقش شد

«مسجد ساری - مدرسه خان مروی - مدرسه مادرشاه - مدرسه صدر - مدرسه دارالشفاء - مسجد
 علی بن جعفر - خاک فرج - مسجد میرزا مسیح دارالخلافة - مسجد شاه - مسجد حاج علی
 - مسجد حکیم باشی - مسجد میرزا موسی - مسجد یونس خان - بی بی فاطمه زییده - امامزاده
 جی - امامزاده داود - امامزاده حمزه - امامزاده زید - امامزاده قاسم - امامزاده صالح - مسجد
 جناب سید محمدباقر - معافی سادات نیاک لاریجان - مدرسه شیراز - مسجد کرمان - مسجد
 دارالعباده یزد - مسجد کرمانشاه - مسجد زنجان - مسجد تبریز - مدرسه سایر ولایات - بند
 شوشتر - مدرسه کاشان - مسجد سمنان - مسجد بروجرد - مدرسه بروجرد - کاروانسرای
 ری - پل سی عدد - قنوات وقفی - تکیه سیدالشهداء - آسیاب صد عدد - شاهزاده
 عبدالعظیم - ضریح نقره - مدرسه حضرت - جقه مرصع - تعمیر گنبد نجف - قندیل شاه
 نجف - حمام شاه نجف - مدرسه شاه نجف - قلعه شاه نجف - کربلای معلی - ضریح
 سیدالشهدا - آئینه روضه - آئینه ایوان - قندیل طلا - منار طلا - تعمیر خیمه گاه - مدرسه
 حضرت - حضرت عباس - ضریح نقره - گنبد کاشی - کاظمین علیهما السلام - رده
 مروارید - علم مروارید - قبه مرصع - گنبد طلا - گنبد صاحب زمان - مشهد مقدس - قندیل
 طلا - جقه مرصع - در مرصع - مدرسه حضرت شفاخانه حضرت - معصومه قم - ضریح
 نقره - گنبد طلا - ایوان طلا - جقه مرصع - عدد اصدار»

در گوشه سمت چپ سنگ:

«باهتمام بنده درگاه سهراب

کُتبه محمد حسن اصفهانی - عمل محمد حسن حجاریاشی الاصفهانی»

ابیاتی بر سنگ

بر دیوار دست راست ایوان مقبره فتحعلی شاه

«شاه شدی از جهان جهان بپتو مباد در پیکر چاکران روان بی تو مباد
در عهد تو هرگز دل ناشاد نبود اکنون دل خلق شادمان بپتو مباد

* * *

خاقان که جهان را زعدالت آراست آسایش خلق را چنان دید که خواست
پاداش عمل بین که از این پس جاوید خود شد زجهان و نام نیکش برجاست

* * *

خاقان که جنان برایش دادند چون داد امان بخلق امانش دادند
گفتند که این نتیجه عدلت است این مرتبه در جزای آتش دادند

* * *

خاقان که همه ملک جهانش دادند در خسروی آنچه خواست آتش دادند
با خلق خدای چون نکوکاری کرد بردند و بهشت جاودانش دادند»

کتابه سنگی بر دیوار چپ ایوان مقبره فتحعلی شاه

«هو الحي الذي لا يموت»

مظهر رحمت حق ناصر دین	دادگر فتحعلی شاه که بود
بد باسلام نگهبان و معین	تا چهل سال بفر و اقبال
بگه تیرمه آتشاه مهین	راند موکب بصفاهان از ری
شب آدینه بهنگام پسین	در جمادی دویم نوزدهم
ابشروا الجنة از روی یقین	ناگه از منهی غیبی بشنود
کش سزا دید بدیهیم و نگین	تخت و افسر بمحمدشه داد
کرد پرواز سوی علین	مرغ روحش زسعادت آباد
خادم بارگهش حورالعین	باد جاوید بجئات نعیم

سوم شهر رجب گشت دفين
سنه الفو مأتين و خمسين»

چون همایون تن پاکش در قم
کلک قرغی پی تاریخ نگاشت

این رباعی بر حاشیه سمت راست است:

در حضرت معصومه پناه آوردم
بر درگه کبریا گواه آوردم»

«خاقانم و یکجهان گناه آوردم
مهر نبی و حبّ علی را یارب

بر حاشیه سمت چپ سنگ:

ز اورنگ خلافت شده دستم کوتاه
یا فاطمه اشفعی لنا عندالله

«خاقانم و وامانده زدیهیم و کلاه
اندر حرمت بمسکنت جسته پناه
کتابه احمد بن محمدنصیرالرضوی گلپایگانی
عمل استاد محمدعلی حجار قمی»

کتابه سنگی بر دیوار چپ همین ایوان

«هو الحي الذي لا يموت

بر تارک جمله خسروان افسر بود
زی رحمت حق شتافت کش درخوریود
داد دل خلق را بدلخواهی داد
ایزد در رحمتش برخ بازگشاد
از طینت پاک خوش سرشتش آمد
این موهبت از حاصل کشتش آمد
خود رشک نگارخانه چین آمد
الفو مأتین و خمس و خمسين آمد»

خاقان که زمانه را مهین داور بود
دیهیم خلافت بمحمد شه داد
خاقان که جهان زمعدلت کرد آباد
چون رخت ز اورنگ خلافت بریست
خاقان که بهشت سرنوشتش آمد
خرمن خرمن عطای غفاری یافت
این بقعه کز آینه نگارین آمد
قرغی پی اتمام چو تاریخش جُست

مقبره مستوفی الممالک

سنگ قبر میرزا حسن خان مستوفی الممالک

«کل من علیها فان»

افسوس که مستوفی دیوان ممالک

ا... ی ... کسوکبه در خاک

دستور حسن اسم حسن رسم که نامد

جسز ... کس را در دفتر ادراک

بر ملک فنا زد قلم و مُت و بگذشت

... خط اقلیم بقا چابک و چالاک

منذک دیوان هنر طی شد و خلقی

ماندند دل از غم چو زبان قلمش چاک

طی کرد اجل فرد جلالی که همی بود

حشو و ردتش بارز نه دفتر افلاک

صاحب قلمی را که دوصد غاشیه کش بود

چون صاحب و زی مرگ زدش دست بفتراک

رفت آنکه بر اعدای فریدون زمان رفت

آن از قلمش کز علم کاوه بضحاک

رفت آنکه لعاب دم مار قلمش بود

بر جسم ملک زهر و بر احبایش تریاک

سررشته جمع هنر و خرج مکارم

او داشت چرا دل نبود درهم و غمناک

آن جمع هنر را چو بدیوان عدالت

این خرج نماید زحسابش چه بود پاک

القضه چو کرد از ورق باطله تن

مستوفی دیوان ممالک خط جان پاک

بنوشت شهاب از پی تاریخ وفاتش

طوبی و تبارك لك بالجنة مأواك

عمل حیدر قمی

راقمه المذنب اسدالله شیرازی»

کسانی که در مقبره مستوفی به خاک سپرده شده‌اند

* تاج خانم، فوت در بهار ۱۲۸۳.

* * *

* جانی بیگم، فوت در ۱۲۶۹. بیدل ماده تاریخ فوت او را چنین گفته است:

«نگاشت خامه بیدل برای سال وفاتش

نهاده جانی بیگم قدم بساحت جنت

۱۲۶۹»

* حبیبه خانم مسعود همدم السلطنه دختر میرزا یوسف مستوفی الممالک، در تاریخ شنبه شهر

رجب المرجب سال یک هزار و دوست و هشتاد و هشت قمری ۱۲۸۸.

* * *

* نگارالدوله دختر شاهزاده ناصرالدوله فرمان فرما، بتاریخ شهر ربیع الاول من شهر سنه هزار و سیصد و

بیست و چهار ۱۳۲۴.

* * *

* انورالسلطنه دختر ناصرالدوله فرمان فرما، در شب چهارده نیمه رمضان ۱۳۵۱.

* * *

* شوکت خانم دختر عبدالحسین خان یاور و همسر سلطان حمید میرزا ناصرالدوله، رجب ۱۳۱۰.

مقبره شماره شش صحن عتیق

در این مقبره دو نفر به خاک سپرده شده‌اند:

* آقا سید مرتضی ملقب به شریف العلماء رشتی، بتاریخ دهم شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۳۹.

* * *

* حاجی میرزا عبدالباقی الهاشمی العلوی الفاطمی الموسوی شهرالله المعظم سنه ۱۳۱۱.

مقبره قهرمان میرزا پسر عباس میرزا

«منم گذشته جوان قهرمان بن عباس
که تاخت مرگ بمن آنچنانکه نحس به سعد
بناز بس نگران رفتم از کنار جهان
چو خسرو از بر شیرین ریاب از بر رعد
بنا بکامی من دان سرشک راندن ابر
بنا امیدی من دان خروش کردن رعد
نه ممکن است که بینند مر مرا دیدار
که اوفتاد بمحشر من و شما را وعد
مرا کنید بالحمد و قل هو الله یاد
کنید چون بسر خاک من گذر زین بعد
هزارو دو صدو پنجاه و هفت بگذشتم
بدوم و دهه سیم از مه ذی قعد
مرقد مطهر مرحوم قهرمان میرزا بن مرحوم نایب السلطنه عباس میرزا بن الخاقان المغفور فتحعلی شاه
قاجار».

مقبره فرخ خان امین الدوله در صحن عتیق

در این مقبره فرخ خان امین الدوله غفاری به خاک سپرده شده است. سنگ مرمری که کنده کاریهای ظریف دارد قبر او را پوشانده است. در بالای سنگ «هو الحي الذي لا يموت» و در طرفین آن چهارده معصوم «الهی به نبی عربی الخ» و بالا و پایین متن دو بیت معروف «وفدت علی الکریم بغیر زاد الخ» با خط نستعلیق خوش حک شده است. ابیات متن بدین قرار است:

شخص اول امین دولت و دین	آصف روزگار فرخ خان
آن ابوذر نسب وزیر که کرد	عالم پیر را به عدل جوان

عدل و دادش بجسم دولت جان	رای و رادش بجشم عقل فروغ
گرگ را ساخت بریعا حنبان	شیر را کرد بر شکار شفیق
عدل او شمع محفل ایران	ظلمت ظلم و کین نبود چه بود
یسافت ایام عمر او پایان	داد پایان چو کار دولت و دین
دیده بر بست تا ز ملک جهان	تار آمد جهان بدیده خلق
آسمان را درون خاک نهان	غیر او کس ندید در عالم
شرف و عقل و عدل گشته روان	رفت سوی جنان و از پی او
فرّ فرخ زد او به اوج جنان»	خاوری زد رقم به تاریخش

مقبره محمد شاه قاجار در صحن عتیق^۱

مقبره محمد شاه قاجار به دستور میرزا تقی خان امیرکبیر بنا شده است. این ابیات بالای سردرگاهها دیده می شود:

سلطان عصر ناصر دین سایه اله	«در روزگار دولت دارای تاج بخش
کھف اُمّ امان خلایق امین شاه	میرزا تقی اتابک اعظم امین ملک
این بقعه مبارکه خلد جایگاه»	معمار رای همت عالیش بر فراشت

دو مصراع دیگر که تخلص شاعر و ماده تاریخ بناست در دنبال این ابیات است که فعلاً محو شده ولا یقرء است.

۱ - مقبره محمدشاه قاجار از بناهای امیرکبیر میرزا تقی خان اتابک است که در زمان صدارت خود، دو حجره از حجرات صحن را خراب نموده این مقبره را بنا کرد. بر روی مضجع او سنگی از مرمر است که تمثال آن پادشاه را بر آن نقش و حجاری کرده اند. بر دور آن تمثال کتیبه ای است به خط سید حسین خوشنویس باشی که این اشعار را از شمس الشعرا میرزا محمدعلی خان سروش اصفهانی حک کرده اند.

که خورشید بر گل نشاید نهفت	«به گل شد علی رغم آن کس که گفت
نشسته است لیکن به شکل دگر	خطا گفتم او زنده بر تخت زر
گلی چون گل رفته آرد ببار»	نه یک گلبن است آنکه در هر بهار

کتابه سنگ قبر محمدشاه قاجار^۱

«خدیو جهان شاه یزدان پرست
محمد شه آن شاه انجم سپاه
هزارو دو صد سال با شصت و چار
پس از چارده سال فرماندهی
ششم روز شوال
سپهری نهان گشت در زیر خاک
که شمع نخست است اگر تا قیام
الهی که این شمع بیگانه سوز
بگل شد علی رغم آنکس که گفت
خطا گفتم او زنده بر تخت زر
نه یک گلبن است آنکه در هر بهار
زشمعی چو شمع دگر بفروخت
که بودش سپهر برین زیردست
که بودش فلک تخت و پروین کلاه
چو از دور هجرت بشد روزگار
جهانداری و فرّ شاهنشهی
تنش در زمین شد روان بر سپهر
فرو رفت خورشیدی اندر مغاک
دو صد شمع روشن مدام
بود تا شب حشر گیتی فروز
که خورشید در گِل نشاید نهفت
نشسته است لیکن بشکل دگر
گلی چون گل رفته آرد ببار
نیازی بحق گفت کان شمع سوخت»

کنج شمال شرقی سنگ:

«تریت یافته محمدشاه رضوان مکان سیدحسین»

کنج جنوب شرقی:

«عمل کمترین بنده درگاه محمدعلی اصفهانی ۱۲۷۰»

مدفونین در مقبره محمدشاه قاجار

کتابه سنگ قبر علی نقی میرزا رکن الدوله بن

محمدتقی میرزا رکن الدوله بن محمدشاه قاجار

«چون نقی بن تقی بن محمدشاه ثانی

ناگهانی شد باقلیم بقا زین ملک فانی

۱ - ابعاد سنگ عبارت است از ۲۷۲ × ۱۳۷ × ۱۳ سانتی متر.

آنکه رکن الدوله عون المله بود و چون نیاکان
 دین و دولت را بستواری او محکم مبنای
 چون پدر والا گهر پاکیزه خوی و عدل پرور
 در خراسان و لرستان داد داد از حکمرانی
 زد رقم شیخ الرئیس از بهر تاریخ وفاتش
 وای دیدی رکن دولت منهدم شد ناگهانی
 «۱۳۳۵»

* * *

* دفترالملوک همسر شاهزاده ابوالفضل میرزا ملقب به عضدالسلطان، فوت شهر جمادی الاولی سنه
 ۱۳۵۲.

* * *

* شاهزاده محمود میرزا امیر اکرم فرزند حضرت اقدس والا امیرکبیر نایب السلطنه، متوفی شهر محرم
 سال ۱۳۳۷.

* * *

* نورالدوله مادر ابوالفتح میرزا ملقب به عضدالسلطان، فوت در سال ۱۳۲۷.

* * *

* عبدالصمد میرزا عزالدوله پسر محمد شاه قاجار، فوت در شب هجدهم جمادی الاولی سنه ۱۳۴۸.

* * *

* مهدعلیا همسر عباس میرزا و مادر محمدشاه قاجار، متوفی به سال ۱۲۷۳.

* * *

* زهرا دختر محمدشاه، هفتم محرم. ماده تاریخ فوت را چنین گفته اند:

«خامه فارس رقم زد از پی تاریخ شد بجنان او قرین مریم و حورا

«۱۲۹۰»

* * *

* سکینه معروف به اکرام الدوله دختر عباس میرزا ملک آرا، فوت او به سال ۱۳۲۶.

* * *

* حاجیه بیگم خانم دختر ولیعهد عباس میرزا نایب السلطنه . ماده تاریخ فوتش چنین است :
 «رقم نمود لسان الحق از پی تاریخ مقام جان وی اندر بهشت جاویدان
 ۱۲۸۸»

* * *

* حاجیه طوبی خانم دختر عباس میرزا نایب السلطنه .
 شب دوشنبه دویم شهر شعبان سال چو خوشا آمده در سایه طوبی طوبی .
 «چون ز سعی ظفرالملک حجر ساخته شد
 سال تاریخ حجر از ظفرالملک بخواه»

* * *

* شاهزاده عضدالسلطنه پسر ناصرالدین شاه ، وفات در سال ۱۳۱۶ .

•

مقبره شماره شانزده صحن عتیق
 مقبره محمد ابراهیم خان خواجه نوری
 «کل من علیها فان
 هو الحی الذي لا یموت

وفات مرحمت وغفران پناه جنت و رضوان آرامگاه جناب جلالتمآب امیرالامراء العظام
 الملقب بنظام الدولة دولت قویشوکت علیه ایران محمد ابراهیم خان نوری طاب ثراه فی سنة
 ۱۳۱۴ داعی حق را لیبیک اجابت گفت اللهم احشره مع النبی وآله الطیبین الطاهرین صلوات الله
 وسلامه علیه وعلیهم اجمعین»

در حاشیه بالا و پایین سنگ

«وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات والقلب السلیم
 وحمل الزاد اصبحت کل شیء اذا کان الوفود علی الکریم»

بر حاشیه سمت راست و چپ سنگ «صلوات کبیر» حک شده است.

کسانی که در مقبره محمد ابراهیم خان خواجه نوری

به خاک سپرده شده‌اند

* زینت الحاجیه آسیه خانم. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته‌اند:

«زد رقم از پی تاریخ وفاتش افسر زینة الحاجیه را ملک بقا شد و طنا

۱۲۸۹»

* * *

* امیر اصلان خواجه نوری نظام‌الدوله فرزند میرزا محمدخان موقرالدوله نوه میرزا آقاخان صدراعظم نوری، آذر ۱۳۱۷ خورشیدی از جهان چشم پوشید.

* * *

* زهرا افتخارالسلطنه ناصری قاجار فرزند مرحوم ناصرالدین شاه، دوازدهم شهر ربیع الثانی ۱۳۶۹ فوت شد.

* * *

* اشرف‌الدوله دختر صدراعظم نوری غره ماه ربیع‌الثانی عالم فانی را بدرود کرد. ماده تاریخ فوتش را چنین گفته‌اند:

«هاتفی گفت بهر تاریخش بوده ماه جنان درخشنده»

کتابه‌های اطراف صحن جدید یا صحن اتابکی^۱

و کتابه‌های درهای آن

دو قصیده از فتح‌الله خان شیپانی کاشانی به خط میرزا آقا تبریزی روی کاشی در اطراف صحن جدید است:

قصیده اول

«زمین شد از دو بنا رشک آسمان برین
یکی بنای خلیل و یکی بنای امین
خلیل رحمان گشت او بدان بنای قویم
امین سلطان گشت این بدین بنای متین
یکی بمکه و آن کعبه خدای بزرگ
یکی دگر بقم و جای بضعة یاسین
بدان نماز برد هر کراست دین درست
بدین نیاز برد هر کراست رای رزین
بروزگار بناها بسی نهادستند
ولی نه چونین محکم نهاد و خوب آئین
رواق و طاقش بر آسمان نهاده اساس
زمین و خاکش بر فرق فرق و پروین
خزینه‌های فراوان هزینه گشته بر آن
اگرچه کرده در آن گنج نام نیک دفین

۱- آقا ابراهیم امین‌السلطان بنای صحن نو را در سال ۱۲۹۹ ه.ق. شروع کرد.

کسی که باز نماند بدهر از او آثار
 کجا بمانده از ایشان یکی اثر چونین
 جهان رسانده بسی مردمان بعزت و جاه
 خه آنکه باد جهانش همه بزیر نگین
 خدای عرش چو با بنده نظر دارد
 چنین اثرها ماند از او بروی زمین
 چنین اثر نه بخلخ در است و نه بطراز
 چنین اثر نه بچین اندر و نه در ماچین
 گر این بنا نگرد سخت شرمسار شود
 کسیکه کرد ایاصوفیه بقسطنطین
 تمام خلقت و اصل این بنای و در بر او
 دگر بناها چون در مشیمه اند جنین
 بدین بنا که ز آب و گل این وزیر نهاد
 بباد رفت همه نام آذر برزین
 کجا به بانی او زین بنا که ماند بجای
 فلک درود فرستد ملک کند تحسین
 در آن بنا سخن از آفتاب و آذر بود
 درین بناست همه ذکر مالک الارضین
 نه بر به بیهده بر ملک و دین امینش کرد
 خدایگان ملوک زمانه ناصر دین
 کجا بفره شاهنشهی فراست او
 میان بیضه کند فرق خاد از شاهین
 شهی که گر ز خرد شاه خسروان پرسی
 خرد چه گوید، گوید «بیا و شاه بین»

در او حصافت بوذرمهرو آصف دید
 که می پیاده شود از کفایتش فرزین
 زمکرمتم نظری کرد سوی او که شد او
 از آن نظر بسعادت زخواجگان مهین
 کنون بفرّ شهنشاه عصر و فضل الله
 وزیر صدرنشان است و بدر صدر نشین
 پدرش بود به سلطان امین و سلطان خواست
 پس از پدرش بحشمت فزایدو تمکین
 فرزود نک همه خواجگان بخدمت او
 بفخر بسته میانند از کهین و مهین
 کسی که شاه سوی او نظر کند نه شگفت
 اگر زمانه بیندد بر اسب بختش زین
 که گر اثر نهد اینگونه مینهد بجهان
 کجا اساسش محکمتر از درِ روئین
 مؤید است بروح القدس ز ایزد پاک
 وز آب و خاک مقدس سرشته است و عجین
 چه آیتی به از این کو نهد چنین آثار
 که بازماند از او تا بروز بازپسین
 کجا خرد نتواند قیاس خرجش کرد
 اگر کنی بمثل کوه و بحر را تخمین
 علی اصغر^۱ اگر نام دارد او ز پدر
 علی اکبر یارش بود بعلیین
 بدین علی همه ارواح می دعا گویند
 بخاصه روح علی بن جعفر و یقطین

۱ - زیر کلمه علی اصغر با خط ریز نوشته شده است: نمک پرورده میرزا آقا.

کجا طواف گه روحشان همین خاکست
 که جسم دختر احمد در او شده است مکین
 دری بخلد برین زین^۱ مکان فراز و تو نیز
 به بینی ایدرت ارهست چشم باطن بین
 مکان فاطمیان در سپهر عرش خداست
 وگر بخاک نشان جوئی این مکان گزین
 همانکه شیعه خاص علی و آل علی است
 اگر نخفت در این خاک روح اوست غبین
 بطوس و قم زیمبر دو گوهرند بخاک
 که خاک ازین دو شرف جسته بر سپهر برین
 پدرش خفته به طوس است و مام او ایدر
 ندیم رضوان آن وین رفیق حورالعین
 پدر اساس نهاد و پسر بآخر برد
 که باد رحمت ایزد بسی بر آن و بر این
 چنانکه مسجد اقصایا همی داود
 بنا نهاد و سلیمانش برفزود آذین
 اگرچه بقعه آنجا زپیش بود بهای
 ضریح و ایوان سیمین و قبّه اش زرین
 بنا مگو که عروسی است کاسمان بلند
 بهشت و طوبی و کوثرش میکند کابین
 گناه کار اگر سوی او پناه برد
 حرام گردد بر او مهالک سچین

۱ - در متن کتبی کلمه «زین» افتاده است.

وگر کسی بنشیند بزیر سایه او
بهیچ غم نکند خاطرش زمانه حزین
دو صف فرشته شب و روز اندروست بیای
صفی بسوی یسارو صفی بسوی یمین
بشهریار جهان و بدین بزرگ وزیر
صفی دعا کند وصف دیگری آمین
بنای او چو باخر رسیدو گشت تمام
خدای حافظ آن کرد جبرئیل امین
بدین دلیل همی تا جهان پای بود
پای خواهد بود این بنای نغز چنین
وگر بخواهد روزی قضا بخواب رود
نباشدش بجز این خاک بسترو بالین
بدین پاک و دل پاک و رای و خاطر پاک
خدای پاکش باشد همیشه یار و معین
در این کتیبه هم از بحر طبع شیانی
کشد برشته سر کلکش این لال ثمین
که نه بنائی از این به کسی تواند کرد
نه هم بنائی از این گونه محکم و شیرین
همیشه تا نبود آبرو گرانی خاک
همیشه تا که نماند بلاله بر نسرین
بیباغ ملک رخ او چو لاله تازه و تر
بکام دولت کارش همه چو ماء معین

قصیده دوم

«چو مرد پر هنر افتاد و بخت بودش یار

چنین بماند از او در جهان بجای آثار

کجا بدرگه او بر نهد فرشته جبین

کجا بسایه او آسمان بَرَد زنهار

بروزگار نگر در عزیر هر که نکرد

بدست خویش همی خوار درهم و دینار

کسی که درهم و دینار خوار مایه گرفت

ازو بجای بماند چنین اثر بسیار

ز زر سرخ خردمند نام جویدو بس

که نام عزّ نبرد هر که زر نسازد خوار

ولی اگر نبود فرّ ایزدی با مرد

همی زند برگنج خویش بر مسمار

نه در دلی نهد از مکرمت بجا اثری

نه در گلی نهد آثاری او بنقش و نگار

اثر بدهر بسی مانده‌اند لیک نماد

چنین اثر که در او عقل گم کند هنجار

یگانه در همه فضل است و فضل ایزد بین

که فضل او بفزاید بمهر هشت و چهار

اگر بملکت ایدون امین سلطانت

امین یزدان است او بحکمت و اسرار

هزار سرّ الهی نهفته در دل او

کز آن یکی نه فزون گفته‌اند بر سردار

بسرّ شاه و بسرّ اله اوست امین

بجان زدولت بونصر این سخن بسیار

از آن شه از پدرش عزّو جاه او افزود
 که دید فخر پدر گشت او بعلم و وقار
 پدر درخت بُد و این وزیر بار درخت
 پدر صدف بُد و این خواجه لؤلؤ شهوار
 هرآینه ز صدف خوبتر بود لؤلؤ
 چنانکه خوبترند از درختها اثمار
 امیدم آنکه زیزدان زمکرم نظرست
 برآنکه گفت و بر آنکو نویسد این اشعار
 ایاکسی که بدین کاخ بگذری روزی
 یکی برحمت ازین رفتگان بیاد بیار
 هزار و سیصد و سه چون گذشت از هجرت
 بآخر آمد این قصر و این بلند حصار
 بسعی و اهتمام مقرب الحضرت العلیه میرزا آقا عبدالمولی باتمام رسید راقمه میرزا آقا ۱۳۰۳»

کتابه سردر ایوان شمالی داخل صحن

«عهد ملک ناصر دین آنکه یافت	کرسی و دیهیم از او زین و زیب
گشت امین شه و صدر مهین	بانی این صحن خوش دلفریب
صادق پروانه بتاریخ گفت	نصر من الله وفتح قریب»

کتابه سردر ایوان شمالی از خارج

«بعهد ناصر دین شهریار با تعظیم	ابوالمظفر غازی خدایگان کریم
بنا نهاد بتوفیق کردگار این صحن	وزیر اعظم او اصغر بن ابراهیم
چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق	امین سلطان آراست این ستوده حریم
برای مصدر تاریخ گفت پروانه	سیاق کعبه ثانی زپور ابراهیم

۱۳۰۳»

کتابه بیرون سردر صحن شرقی

«بعهد خسرو گیتی خدیو ناصر دین	که نازد از سر انگشت وی کلاه و نگین
برای دختر موسی بن جعفر از سر صدق	سپهر سوده بخاک درش هماره جبین
امین شاه علی اصغر بن ابراهیم	عیان نمود زسطح زمین بهشت برین
چو شد تمام بتاریخ گفت پروانه	بنای صحن بکلی بهشت روی زمین»

کتابه بیرونی ایوان جنوبی صحن طرف خیابان موزه

«بعهد ناصر دین شهریار ملک آرای	امین سلطان آراست این ستوده سرای
سرود صادق پروانه بهر تاریخش	بین بملک قم اینک در بهشت بپای»

کتابه‌های درهای جدید که در زمان تولیت

آقای عبدالوهاب اقبال ساخته شده‌اند

کتابه در شمالی طرف میدان آستانه

«این در در رحمت است و ما غرق گناه	وین جا به حریم عصمت آورد پناه
ما چشم شفاعت به تو داریم همه	یا فاطمه اشفعی لنا عندالله»

کتابه دری که در سردر ورودی اتابکی نصب شده است

«باز شد این در به فردوس برین	بارگاه دخت خیرالمرسلین
خیر مقدم عرضه میدارد ملک	ادخلوها بسلام آمین»

کتابه در جنوبی طرف خیابان موزه

«چشم امید خلق جهانی بدین در است	کاینجا حریم دختر موسی بن جعفر است
حرمت نگاه‌دار که با امر اسجدوا	جبریل را نهاده بر این استان سراسر است»

کتابه سنگ قبر قطب راوندی

«هوالباقی»

وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات والقلب السليم
فحمل الزاد اقبح کل شیء اذا کان الوفود علی الکریم
مضجع شریف فقیه جلیل محدث نبیل جناب شیخ قطب الدین سعید بن هبة الدین
حسن راوندی آن بزرگوار از اجلاء علماء شیعه می باشد. وفات ایشان يوم ۱۴ شوال
سنه ۵۷۳ بوده تألیفات بسیاری دارد از جمله کتاب الخرائج و فقه القرآن و اسناد
ابن شهر آشوب بوده.

از خداوند مزید توفیق آقای حاجی علیخان خاکی حجار قمی را که بانی این مرقد
هستند مسئلت می نمائیم حرره الراجی شهاب الدین الحسینی المرعشي النجفي
۱۴ شوال ۱۳۷۴ کتبه العبد عباس بحرینی عشقی»

حاشیه:

«الهی بنبی عربی و رسول مدنی الخ»

کتابه های مقبره شماره یک صحن اتابکی

کسانی که در این مقبره به خاک سپرده شده اند:

* یوسف اعتصامی تولد در تبریز سال ۱۲۵۸ قمری، فوت غروب شنبه یازدهم دی ماه ۱۳۱۶ شمسی.

* * *

* پروین اعتصامی تولد در تبریز سال ۱۲۸۵ قمری، فوت شب شنبه شانزدهم فروردین ۱۳۲۰ شمسی.

کتابه های مقبره شماره سه صحن اتابکی

کسانی که در این مقبره به خاک سپرده شده اند:

* احمد قوام قوام السلطنه صدراعظم ایران تولد ۱۲۵۲، وفات ۱۳۳۴.

* * *

سنگ قبر میرزا حسن خان وثوق

* آرامگاه جناب آقای میرزا حسن خان وثوق وثوق الدوله صدراعظم ایران فرزند مرحوم مغفور میرزا ابراهیم معتمد السلطنه آشتیانی طاب ثراه ۱۳۷۰-۱۲۹۲ قمری ۱۳۲۹-۱۲۵۳ شمسی

رفتند راستان و یکی را بقا نماند	زایشان بجز حدیثی و نامی بجا نماند
آنانکه بود راحت خلق از وجودشان	رفتند و غیر دشمن خلق خدا نماند
هست آشیان بحال خود اما هزار نیست	ماند استخوان بجای خود اما هُما نماند
یک گوهر از خریطه اسلاف مانده بود	کان هم زدستبرد حوادث بجا نماند
یعنی وثوق دولت و دین صدر نامدار	رفت و پناه دولت و دین مُلک را نماند
فطنت برفت و هوش برفت و دها برفت	حکمت نماند و فضل نماند و ذکا نماند
از رسته سیاست کافی الکفاة رفت	از رشته وزارت عقد العلی نماند
او یادگار علم سلف بود نزد ما	آن یادگار علم سلف نزد ما نماند
حربا بگو بمیرد چون آفتاب مرد	بیگانه گو مماند چون آشنا نماند

* * *

* طاوس خانم صبیّه جناب حاجی میرزا محمد خان مجدالملک، وفات هزار و دو بیست و نود پنج قمری ۱۲۹۵ که مادر قوام السلطنه و وثوق الدوله است.

* * *

* میرزا محمود خان فخامت الدوله پسر آقای حاجی دبیر الدوله، تولد شهر صفر ۱۲۹۰، فوت ربیع الثانی ۱۳۲۲.

* * *

* ملک تاج خانم مفرّح الدوله صبیّه میرزا ابراهیم معتمد السلطنه، فوت روز شنبه بیست و یکم شهر ربیع المولود سنه ۱۳۲۸.

* * *

* ابراهیم خان معتمد السلطنه، فوت لیله سه شنبه شانزدهم شهر ذی القعدة ثیلان ثیل ۱۳۳۵ پنجساعت بعد از غروب. ماده تاریخ فوتش به قرار زیر است:

«خامه مجدی نوشت زود پی رحلتش معتمد السلطنه مقیم دارالنعیم»

* * *

* قوام الدوله . ماده تاريخ فوت او را چنین گفته اند:

«رقم زد منشی کلک شهاب از بهر تاریخش

مکان دارد قوام الدوله اندر صدر علیین

«۱۲۶۲»

کتابه های مقبره شماره چهار صحن اتابکی

کسانی که در این مقبره به خاک سپرده شده اند:

* ملک سلطان خانم صبیئه نواب میرزا محمد تقی ابن فتحعلی شاه قاجار حرم همانام پور اسفندیار صاحب اختیار آذربایجان بهین فرزند نایب السلطنه مغفور عباس میرزا سنه ۱۲۶۱.

* * *

* آقا میرزا کاظم خان اعلم السلطنه غره شهر جمادی الاولی ۱۳۴۵.

کتابه های مقبره شماره شش صحن اتابکی

سنگ قبر میرزا علی اصغر خان اتابک

بالا و پایین دو بیت معروف «وفدت علی الکریم الخ».

در حاشیه اطراف: «الهی بنی عربی و رسول مدنی الخ».

متن سنگ:

«طوبی له وحسن مآب

صدر اعظم علی اصغر زجهان رفت و بگرفت بفردوس محل

کلک آشفته بتاریخش گفت ساخت مأوا بجنان بعد اجل

هذا مرقد صدرا لاجل الحاج میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم ابن المرحوم المغفور المبرور

محمد ابراهیم خان امین السلطان طاب ثراهما عمل عباسقلی بسعی و اهتمام اسکندر خان
۱۳۲۵»

کسانی که در مقبره اتابک به خاک سپرده شده‌اند:

* میرزا اسمعیل خان امین‌الملک فرزند محمد ابراهیم خان امین السلطان در شب پنجشنبه شهر
ذی‌الحجة الحرام هزار و سیصد و شانزده هجری.

«مہین فرزند ابراهیم اسمعیل امین‌الملک

که از دار فنا افراشت بر ملک بقا خرگه

چو از روح‌القدس شمس‌المعالی جست تاریخش

ز حق درخواست کرد از صدق دل گفتا که اغفر له»

* * *

* خدیجه سلطان خانم ضجیعة جناب جلالت‌آب آقا محمد ابراهیم امین السلطان روز چهاردهم شهر
رمضان المبارک سنه ۱۲۹۸.

* * *

* وفات نمود مرحمت و غفران پناه آقا محمد علی امین‌الحضرة خلف ارجمند مرحوم آقا محمد ابراهیم
امین السلطان طاب ثراهما.^۱

مقبره خانوادگی دیبا

مقبره حاجی ناصر السلطنه دیبا

«یفعل الله ما یشاء ویحکم ما یرید

ما ضعیفان که در مجاهده‌ایم طالب لذت مشاهده‌ایم

بغلامیت جملہ منسوبیم رد مکن گرچه زشت و معیوبیم

۱ - بر این سنگ هیچ گونه تاریخی دیده نشد.

همه فانی شویم و تو باقی	همه مست توایم و تو ساقی
بندگانیم ما خدائسی تو	رهروانیم و رهنمائی تو
طلب ما ز تو عنایت تست	رهبر ما بتو هدایت تست
قبله روح آستانه تست	دل مجروح ما خزانه تست
روح را هر نفس ز تو مدد است	کرم و رحمت تو بی‌عدد است
هرچه خواهی کنی که حکم تو راست	زانکه حکمت درای چون و چراست

در تاریخ لیله جمعه هفدهم محرم الحرام مطابق اردی بهشتماه ۱۳۱۲ حضرت اشرف آقای حاجی میرزا نصرالله خان طباطبائی دیبا ملقب به ناصر السلطنه ولد مرحوم مغفور حجة الاسلام حاجی میرزا محمدرفع نظام العلما در سن ۷۲ سالگی دار فانی را وداع و داعی حق را لبیک اجابت نموده برحمت ایزدی پیوست»

مقبره شماره سی و شش صحن اتابکی

مقبره حاجی سید کمال مدرس

سنگهای این مقبره از این قرار است:

* آقا میرزا نصرالله الملقب به مولوی نهاوندی، متوفی دهم ماه محرم ۱۳۲۶.

* * *

* گوهر خانم ملقب به گلین خانم، متوفی ۱۳۱۴ قمری.

* * *

* شاهزاده عفت الملوک دختر شاهزاده سلطان احمد میرزا، متوفی ۱۳۳۶.

مقبره شماره سی و یک صحن اتابکی

مدفونین در این مقبره:

* علی قلی خان بهاءالملک همدانی قراگوزلو پسر امان‌الله خان بهاءالملک، متولد چهارشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ متوفی جمادی‌الثانی ۱۳۳۲.

* * *

* خدیجه خانم قراگوزلو دختر محمودخان ناصرالملک ۱۲۳۹ - ۱۲۹۶ شمسی.

* * *

* حسن خان قراگوزلو پسر علی‌قلی خان قراگوزلو بهاءالملک، ۱۲۶۹ متولد ۱۳۰۲ شمسی فوت.

مقبره شماره سی و هفت صحن اتابکی

این مقبره مختص خاندان مهدوی است.

* آقای حاجی امین‌دارالضرب حاجی حسین آقای مهدوی خلف مرحوم حاجی محمدحسن امین - دارالضرب شعبان المعظم ۱۳۵۱ چشم از جهان فرو بست.

مقبره شماره سی و هشت صحن اتابکی

* میرزا محمدتقی ضیاءالملک تفرشی لشکرنویس ابن میرزا هدایت‌الله مشهور به میرزا بزرگ ابن میرزا هدایت وزیر لشکر ابن میرزا محمدعلی وزیر لشکر (دنباله نسب او تا علی بن ابی طالب علیه‌السلام بر سنگ حک شده است)، فوت سنه ۱۳۰۶ قمری.

مقبره شماره چهل و یک صحن اتابکی

مقبره حاج شیخ فضل الله نوری

«الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

مرقد منور مرحوم طوبی مکان حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین استاد العلماء
العظام آية الله علی الانام المجاهد فی سبیل الله آقای حاج شیخ فضل الله نوری قدس الله نفسه
الزکیة در ذیحجة ۱۲۵۹ متولد و سیزده رجب ۱۳۲۷ بسعادت شهادت نائل گردید رضوان الله
علیه»

مقبره شماره چهل و سه صحن اتابکی

* میرزا عباس خان معاون السلطان نورائی که در سن ۱۱۰ سالگی در تاریخ ۲۴ رمضان ۱۳۶۴ دار فانی را
وداع کرد.

کتابه سردر کوچه حرم از بیرون

«السلطان ناصرالدین شاه قاجار

بعهد ناصر دین شهریار ملک آرای امین سلطان آراست این ستوده سرای
سرود صادق پروانه بهر تاریخش ببین بملک قم اینک در بهشت بپای
۱۳۰۳

کتابه سه طرف سردر کوچه حرم از داخل

«رُوی عن انس بن مالك قال كنت ذات يوم جالس عند النبي صلى الله عليه وآله اذ دخل عليه
علي بن ابي طالب عليه السلام وقال اليّ يا ابي الحسن ثم اعتنقه وقبّل مابين عينيه وقال يا علي إنّ
الله عزّ اسمه عرض ولايتك على السموات فسبقت اليها السماء السابعة فزيّتها بالعرش ثم سبقت

اليها سماء الرابعة فزَيَّتها بالبيت المعمور ثم سبقت اليها سماء الدنيا فزَيَّتها بالكواكب ثم عرضها على الارضين فسبقت اليها مكة فزَيَّتها بالكعبة ثم سبقت اليها المدينة فزَيَّتها بي ثم سبقت اليها الكوفة فزَيَّتها بك ثم سَبَقَ اليها قُم فزَيَّتها بالعرب وفتح إليه باباً من ابواب الجنة ورُوي عن صفوان قال كنت عند ابي الحسن عليه السلام فَجَرى ذكر قم واهله وميلهم الى المهدي عليه السلام فترحم عليهم وقال رضي الله عنهم ثم قال انَّ للجنة ثمانية ابواب وواحد منها لأهل قم وهم خيار شيعتنا من بين ساير البلاد خمر الله ولايتنا في طينتهم رُوي عن الصادق عليه السلام أَنَّهُ قال إِنَّ لَعلى قم ملكاً رُفرفَ عليها بجناحيه لا يريدُها جَبَّار بسوءٍ الا اذابه الله كذوب الملح في الماء قد فرغ من التحرير في شهر ربيع الثاني رجبعلي الخادم المشهدي»

در بالای کلمات، ثلث کتابه دیگری به خط کوفی به شرح زیر است:

«اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا ياذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤدّه حفظها وهو العليّ العظيم»^۱

کتابه بیرون سردر صحن اتابکی

«بعهد خسرو گیتی خدیو ناصر دین که نازد از سر انگشت وی کلاه ونگین
برای دختر موسی بن جعفر آنکه زقدر سپهر سوده بخاک درش هماره جبین

السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار

امین شاه علی اصغر بن ابراهیم عیان نمود بسطح زمین بهشت برین
چو شد تمام بتاریخ گفت پروانه بنای صحن بکلی بهشت روی زمین

«۱۳۰۳»

۱ - سورة البقرة، آية ۲۶۰.

زیر همین کتابه در دو طرف همین در:

«بعهد ناصر دین خسرو سپهر وقار

بحول و قوه پروردگار لیل و نهار

ز بهر حضرت معصومه ساخت اندر قم

امین سلطان این صحن آسمان مقدار

سرود سید غمخوار بهر تاریخش

ز بعد هجرت احمد هزار و سیصد و چار

نمقّه میرزا قافا ۱۳۰۴»

میان کاشیهای بالای سر در:

«انا مدینه العلم وعلی بابها ۱۳۰۳»

کتابه سه طرف ایوان سردر صحن اتابکی

«رُوي في السماء والعالم من البحار أنّه لما اخرج المأمون علي بن موسى الرضا عليه السلام من المدينة الى المرو في سنة مأتين خرجت فاطمة اخته في سنة احدى ومأتين تطلبه فلما وصلت الى ساوه مرضت فسألت كم بيني وبين قم قالوا عشرة فراسخ فأمرت خادمها فذهب بها الى قم وانزلها في بيت موسى بن خزر ج بن سعد والاصح أنّه لما وصل الخبر الى آل سعد اتفقوا وخرجوا اليها ان يطلبوا منها النزول في ارض قم فسبق منهم موسى بن خزر ج فلما وصل اليها اخذ بزام ناقتها وجرّها الى قم وانزلها في داره فكانت فيها ستّ عشر يوماً ثم قبضت الى رحمة الله ورضوانه فدفنها موسى بن خزر ج بعد التغسيل والتكفين في ارض له وهي التي الآن مدفنها وبنى على قبرها سقفاً من البواري الى أنّ بنت زينب بنت الجواد عليه السلام عليها قبة وروي في البحار أنّ زيارتها تعادل الجنة قد تمّ في ۱۳۰۳ كتبه الخادم لروضة الرضوية رجب علي»

کتابه وسط ایوان قسمت بالا زیر مقرنس

«دارم امید محبت ز امین سلطان»

زیر همین قسمت بر کاشیه‌های زمینه زرد با خط سیاه :

«عمل استاد محمدباقر بنا»

کتابه پیشانی ایوان اتابکی در صحن جدید

«قال الله تبارك وتعالى وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمراً حتى اذا جاؤها وفُتِحَتْ ابوابها
وقال لهم خَرَّتْهَا سَلامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ
واورثنا الارض نَبَوَّا من الجنة حيث نشاء فَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِينَ^۱ قد تمّ في شهر شعبان سنة ۱۳۰۳
حرّره الخادم لروضة الرضوية رجبعلي»

کتابه بیرون سردر قبلی صحن اتابکی

«بعهد ناصر دین شهریار با تعظیم ابوالمظفر غازی خدایگان کریم

بنا نهاد بتوفیق کردگار این صحن وزیر اعظم علی اصغر بن ابراهیم

السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار

چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق امین سلطان آراست این ستوده حریم

برای مصدر تاریخ گفت پروانه سیاق کعبه ثانی زیور ابراهیم

«۱۳۰۳»

کتابه افقی در دو طرف در

«یا رب بحق پرده نشین دیار قم پاکیزه گوهر صدف اعتبار قم

۱ - سورة الزمر، آیه‌های ۷۳ و ۷۴.

قم گشته از شرافت معصومه با صفا چون روضه بهشت برین گشته با صفا^۱
 شاهان بدرگهش همه آورده التجا بیشک که میرود به بهشت از ره عطا
 بر نعش مجرمی که نشیند غبار قم^۲

کتابه داخلی سر درِ قبلی صحن اتابکی

«روي عن عدة من اهل الري أنهم دخلوا على ابي عبدالله عليه السلام قالوا نحن من اهل الري فقال مرحبا باخواننا من اهل قم فقالوا نحن من اهل الري فاعاد الكلام قالوا ذلك مراراً واجابهم بمثل ما اجاب به اولاً فقال عليه السلام ان الله حرماً وهو مكه وان للرسول حرماً وهو المدينة وان لا ميرالمؤمنين حرماً وهو كوفه وان لنا حرماً وهو بلدة قم سيدفن فيها امرءة من اولادي تسمى فاطمه ومن زارها وجبت له الجنة وروي ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لما اسرى رأى ان ابليس كان بهذه البقعة فقال له قم يا ملعون قسيت بذلك وروي عن ابي عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام انه قال اذا اصابتم بليّة وعناء فعليكم بقم فانه مآى الفاطميين ومستراح المؤمنين وروي عن ابي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام انه قال ان للجنة ثمانية ابواب ولاهل قم واحد منها وقد فرغ من التسويد رجبعلي الخادم المشهدي سنة ١٣٠٣»

کتابه کوفی بالای کلمات ثلث

«إن الله وملائكته يصلّون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلّوا عليه وسلّموا تسليماً اللهم صل على محمد النبي»

کتابه سر درِ ورودی صحن شرقی متصل به مسجد طباطبائی

«روي في البحار عن واسط بن سليمان عن ابي الحسن علي بن موسى الرضا انه قال ان للجنة

۱ - احتمال غلط خوانی می رود.

۲ - این مصراع در متن کتیبه نیست و اشعار از زکی باغبان است.

ثمانية ابواب ولاهل قم واحد منها فطوبى لهم ثم طوبى لهم ثم طوبى لهم وروي عن رجل من اهل الرّي قال قال ابو الحسن محمد بن علي بن موسى الرضا عليهم السلام انما سمي قم به لأنه لما وصلت السفينة اليه في طوفان نوح عليه السلام قامت وهو قطعة من بيت المقدس وروي عن الائمة لولا القيمون لضاع الدين كتبه رجب علي الخادم المشهدي ١٣٠٣^١

سر در میان صحن عتيق و جديد

«وروي صاحب كتاب مناقب الفاخره في عترة الطاهره بسنده عن ابن عباس رضي الله عنه قال قال رسول الله صل الله عليه وآله انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد العلم فليأت الى الباب ثم قال يا علي انا مدينة العلم وانت الباب كذب الذي زعم ان يصل الي المدينة الا من الباب وبني هذه الحاج مير سيد حسين متولى باشى حرره على اكبر الفيض في ١٢٩٦»

کتابه کاشی بالای سر در و رودی مدرسه فیضیه که به صحن عتیق می رود

با خط ثلث سفید بر زمینه آبی و گل و بوته های اسلیمی

«بسمه تیمناً بذکره قد اتفق بناء هذه العمارة الشريفة والسدة السنيّة والعتبة العلية الفاطمية في زمان دولة سلطان اعظم السلاطين برهان اكارم خلف الخواقين خليفة الأنبياء والمرسلين والائمة الطاهرين المعصومين مشيد مباني الشريعة المصطفوية مؤسس اساس الملّة المرتضوية رافع الوية العدل والاحسان السلطان بن السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان ايده الله تعالى بالنصر والتأييد وقرن سلطنته وشوكته بالخلود والتأييد لازال الدهر مساعداً له في اقامه عباد الدين والقرآن المبين موافقاً لما يرام من زمانه الشريف في اعلاء معالم الشرع المبين بمحمد وآله اجمعين بسعايه نقاوة اكابر السادات والنقباء الامير شرف الدين اسحق بن تاج الشرف الموسوي في سنه ٩٣٩»

١ - این حدیث در کتاب بهار (السماء والعالم) باب الممدوح من البلدان والمذموم وغرائبها آمده است .

کتابه کوفی بالای همین خط ثلث بارنگی زرد

« آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَيْكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا تَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا] »

دو بیت به خط نستعلیق زرد رنگ زیر همین کتابه

الهی بحق بنی فاطمه که بر قول ایمان کنی خاتمه
اگر دعوتم رد کنی ور قبول من و دست و دامن آل رسول
کتابه اسمعیل بن ابراهیم استرآبادی

کوفی معقلی بالای همین سردر

« ناد علیاً مظهر العجائب تجده عون لك في النوائب الخ »

وسط هلال طاق ایوان:

« عمل سلطانی قمی »

کتابه ای بر سنگ بر بالای همین سردر

« هو الواقف علی الضمائر »

ابوالنصر والظفر ناصرالدین شاه غازی

چون منظور نظر و مکنون خاطر سلطان السلاطین شاهنشاه در یادل باذل دین پرور عدل گستر
السلطان ابن السلطان والخاص ابن الخاص ابن الخاقان ابدالله دولته آنست که در هر دیار از بحر
عنایت انهار مرحمت جاری فرمایند که قاطنین و عابریں از فلوات قفر زحمت بسرچشمه
فراست استراحت رسند بناءً علی هذا وقف مؤبد فرمودند از ابتداء هذه السنه تخاقوی نیل یک
رشته قنات ناصری را که از مرحمت شامل در دارالایمان قم دایرو احداث فرموده اند و بعهد و

کفایت و اهتمام مقرب الخاقان میرزا حسین خان مستوفی و حاکم قم و ساوه باتمام رسیده بر
 عامة این بلد شریف و عابرین سبیل مشروط بر آنکه در خارج بلد بضیاع و عقار و زراعات و
 باغات برده نشود و در داخل بلد از قرار تفصیل ذیل بمحلات قسمت شود و تولیت را بنفس
 نفیس خود و سلاطین امة ایران مفوض فرمودند محله آستانه و دو خیابان پنجطاق - محله باغ
 قاضی دو طاق - محله عشق علی هفت طاق - محله الوندیه شش طاق - محله چهارمردان هفت
 طاق - محله سیدان هفت طاق - محله مسجد جامع سه طاق - محله سنگبند پنج طاق - محله
 کوچه تنگ و دولتخانه و النگو و رضاآباد چهار طاق - محله موسویان و میان شهر هفت
 طاق - محله باغ پنبه و عربستان پنجطاق - بجهة امور اتفاقیه و کسر شهر دو طاق - خلاف کننده
 این شرایط ملعون خواهد بود فی شهر ربیع الثانی راقمه ابوالفضل بن فضل الله»

کتابه ایوانهای مدرسه فیضیه

ابیاتی که بر سه طرف ایوان مقابل مسجد است، از فتحعلی خان صبا ملک الشعرا است:
 «دست قدرت تا بدهر این هفت منظر برکشید
 دهر را کی این چنین در حلیه و زیور کشید
 هر زمان مشاطه قدرت عروس دهر را
 بر مراد خلق در پیرایه دیگر کشید
 هر سفالین کاسه آمد یادگار جام جم
 بلکه جام جم ز رشک از خون دل سر برکشید
 اینهمه پیمانۀ عشرت ببزم روزگار
 هرکس از دوران شاه معدلت گستر کشید
 فخر شاهان زمین فتحعلی شه کاسمان
 حلقه فرمان او در گوش هفت اختر کشید

آن شه‌نشاہ مَسلِک‌شہ چاکر سنجر غلام
کاش^۱ مَلِک‌شہ خاکی دَر در دیدہ چون سنجر کشید
آسمان در عہد او رسم ستمکاری گذاشت
کز حسام شحنہ عدلش بسی کیفر کشید»

کتابۂ ایوان شمالی کہ مقابل ایوان شاہ طہماسپی است

[از آغاز این ابیات یک بیت ریخته است]:

«شاہ اژدر بند شیر اوژن بدشت کارزار
چون زمرد رنگ تیغ اژدها پیکر کشید
آن حسام شعلہ بار آبگون در دست غیر
راست چون بیدی است کاندہ بوستان خنجر کشید
این اثر از بازوی زورآزمای شاہ یافت
ذوالفقار آنکہ اثر بخشید کاشی حیدر کشید^۲
راد مُلک‌آرای او موکب بہفت اقلیم راند
عدل عادل رای او رایت بہ نہ کشور کشید
قافلہ در قافلہ ہر خواجہ زو مرجان فشاند
کاروان در کاروان ہر بَرَدہ زان گوہر کشید
شد جہان آباد چندان کش قصور بیقصور^۳
سر بچرخ اخضر از این تودہ اغبر کشید»

۱- امروز «کش» می‌نویسیم.

۲- این دو مصراع پس و پیش است.

۳- در اصل «کاش».

کتابه ایوان زیر شاه‌نشین مدرسه فیضیه

«آن همایون خطه از سیل حوادث شد چنان
مضجع پاکان دین خیرالبلاد ام‌القری
جسم پاک فاطمه آسوده در این خاک پاک
دایه گردون چو او درمهد عصمت در نیافت
گرد خذلان خاک از آن بر صفة مانی فشاند
هر طرف کاخی منقش تا بکیهان در فزود
کز خرابی بوم هم رختش زبوم و برکشید^۱
خاک قم کز قبه عرش برین سر برکشید
کاسمانش خاکِ در در چشم انجم درکشید
تا مه و خورشید را در مهد سیم و زر کشید
خط بطلان چرخ از آن برنامه آزر کشید
هر طرف قصری مصور تا بکیوان برکشید»^۲

ابیاتی که بر کتابه شاه‌نشین مدرسه فیضیه است

«یا رب این چرخ است یا عرش برین
زائران را از صریر آمد درش
ساکنان را از صدا باشد خمش
گشته از نقش در و دیوار آن
کبک و بازش را جناح اندر جناح
نه جدال آن به این از روی قهر
خسرم و خندان بباعش نسترن
نه زیان از غارت گلچین بر آن
چرخ زنگاری بشنگرف سرشک
پیش تیغش شیر شادروان او
آن شرف دارد که دارد از شرف
آن خطر دارد که دارد از خطر
دانی این فخر و سعادت از چه یافت
از نزول داور کون و مکان

یا همایون قصر دارای زمین
نغمه اهلاؤ بانگ آفرین
بربط ناهید و چنگ رامتین
نقش بر دیوار نقاشان چین
گرگ و میش را سروی اندر سرین
نه نبرد این بآن از راه کین
تازه و ریّان براغش یاسمین
نه ضرر از آفت بهمن بر این
از غم زنگار و شنگرفش قرین
همچو سگ دم لابه کن شیر عرین
عرش بر خاک جناب او جبین
دست رضوان آستانش زا آستین
این همایون بارگاه دلنشین
از قدم خسرو دنیا و دین

۱- این دو مصراع مقدم و مؤخر است.

۲- این ابیات هم پاره‌ای از مصراعهای آنها پس و پیش است.

دادگر فتحعلی شه آنکه باد
 آن جهان‌داری که از تیغ نزار
 آن شهنشاهی که از شیرین سخن
 ذوالجلالی کز جلال ذوالجلال
 خسروی کافکنده صیت همتش
 همتش را لا مکه‌ان زیر قدم
 بخت او را مام گردون نازده
 آسمان دارای خرمن گشت از آن
 گفتم او را هست بر آدم شرف
 عقل از این اندرز خندان گشت و گفت
 آنکه آورد این گهر از نور پاک
 اعتراضی گر تو را باشد بر اوست
 چون بگاه کینه برخیزد ز جای
 بسا سرخطی ستاند بوم روم
 نه بماند خاندان فیلقوس
 نه بصلب بساک اندرشان سلیل
 در خشم خام آورد یال نیال
 رمح او نقاب دلها تا کند
 تیر او بسا جان بدخواهان او
 شهر قم فخر البلاد ام القری
 شد چنان ویران که نه بامی خراب
 گشت چون از حادثات روزگار
 جسود شاهنشاه پی‌آبادیش
 یک دو فرسنگ اولش در راه سلیل
 پس در آن فرخنده کشور بر فراخت

آفرین بر جانش از جان آفرین
 پهلوی ملک جهان دارد سمین
 از نهاد حنظل آرد انگبین
 رایت او آیتی بسا شد میسن
 جاودان در طاس نه گردون طنین
 حشمتش را آسمان زیر نگین
 همچو مامک بر سلیل نازنین
 کامدش بر کشت احسان خوشه‌چین
 وهم گفتا زین سخن هشدار هین
 کای باندروز تو جان ما را رهین
 طینت آدم سرشت از ماء و طین
 کاینچنین آراست نقش آن و این
 چون بعزم رزم بنشیند بزین
 در پی تختی سپارد ملک چین
 نه گذارد دودمان آبتین
 نه بناف مامک اندرشان جنین
 در پی خنگ افکند تاج تگین
 در درونشان گوهر خنجر دفین
 چون شهاب ثاقب و دیو لعین
 کاسمانش کرد یکسان با زمین
 تسا در آن بومی شود منزل گزین
 آنچنان شهسری دلارا اینچنین
 دست همت برکشید از آستین
 چون سکندر بست سدی بس متین
 قصرهای جانفزا و دلنشین

روضه معصومه كامد منهدم	كردش اينك غيرت خلد برين
گنبدي افراختش از زر ناب	كاسمان از غيرتش باشد حزين
از غم زرينه خشتش آفتاب	هر سحرگه گشت خاكسترشين
هم در آن بنياد كرد اين مدرسه	كز غمش فردوس باشد در انين
صحنش از دلکش حدائق چون بهشت	حجره‌ها چون حجله‌های حور عين
هم بركنی زان فلک‌فرسا مكان	ز امر آن داراي اسكندر مكين
اين همايون قصر دلکش شد بنا	كاسمان بر آستان سودش جبين
الغرض چون ز امر آن صاحبقران	با زمين اين آسمان آمد قرين
زد صبا از بهر تاريخش رقم	كاسمان ديگر است اين بر زمين

۱۲۱۷

تا بود ايوان كيوان بر فراز	تا بود گلزار جنت دلنشين
باد درگاهش بر از قصر زحل	باد خرگاهش به از خلد برين»

کتابه‌های آب انبار مدرسه دارالشفاء

با خط ثلث سفید بر زمینه آبی

«في ايام الدولة السلطان الاعظم والحقان الاكرم مروّج المذهب الائمة المعصومين عليهم السلام
السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان الحقان بن الحقان بن الحقان ابوالمظفر السلطان
شاه عباس الثاني الصفوي الموسوي الحسيني بهادرخان خلد الله تعالى ملكه وسلطانه توفيق
يافت با تمام عمارت اين بركه خادم الأمرأ ومخدوم الفقراء توفيق آثاری ايران مداری اعتماد
الدولة العلية العالية الحقانية ميرزا محمد تقی المشهور بساروتقی خالصاً الى الله في شهر ربيع
الاول سنة خمس وخمسين والـف كتبه محمد رضا الامامي الاصفهاني»

ابیاتی به خط نستعلیق بر بالای همین آب انبار بر کاشی است

با خط آبی بر زمینه زرد

«زین برکة دستور که بادا جاوید بر یاد حسین هرکه یک قطره چشید
فی الحال زبهر سال تاریخش گفت لعنت بی‌زید بادو بر گور یزید

۱۰۵۵

کتبه العبد المحتاج محمدرضا»

با خط زرد بر زمینه سیاه

«میرزا تقی از بهر صفی شاه جهان این برکه نمود خیر بر عالمیان
جستم زخرد حساب تاریخش گفت این برکه بنا کرد وزیر ایران»

کتابه سردر شمالی مدرسه دارالشفاء از خارج

«بسم الله الرحمن الرحيم عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم انه قال الا ومن مات على حب
آل محمد زفّ الى الجنة كما زفّ العروس بيت زوجها الا ومن مات على حب آل محمد فتح له في
قبره بابان الى الجنة الا ومن مات على حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة الا ومن
مات على بغض آل محمد جاء يوم القيمة مكتوب بين عينيه آيس من رحمة الله الا ومن مات على
بغض آل محمد الا ومن مات على بغض آل محمد لم يشم رائحة الجنة صدق الله ۱۳۰۷»

کتابه سردر شمالی مدرسه دارالشفاء از داخل

«روى الزمخشري في تفسيره الموسوم بالكشاف والتعلي في تفسيره الموسوم بالكشف والبيان
عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال الا ومن مات على حب آل محمد مات شهيدا الا
ومن مات على حب آل محمد مات.... الا ومن مات على حب آل محمد مات تائبا الا ومن مات

علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الايمان الا ومن مات علی حب آل محمد بشره ملک
الموت بالجنة ثم منکر ونکیر الا ومن مات علی حب آل محمد زفّ فی الجنة کما زفّ العروس
بیت»

کتابه‌های سردر میان مدرسه فیضیه و مدرسه دارالشفاء

با خط نستعلیق سفید روی بوم لاجورد

با گُل و بوته زرد و سرخ با حاشیه سازی

«این همیون درگه فرخ پی گردون همال

درگه علم است و باب فضل کریاس کمال

این مقرنس طاق چپود این منور شمسه چیست

آسمانی با سکون و آفتابی بی زوال

این حریم حرمت و این عرش فرسا بارگاه

گشت بنیاد از مثال پادشاه بی مثال

باد یارب بخت بیدارش چو حی لاینام

باد یارب ملک اقبالش چو ملک لایزال»

کتیبه ای بر سنگ مرمر سفید به خط نستعلیق

«در روضه معصومه شهنشاه فلک گاه

بنهاد بنا مدرسه دلکش و دلخواه

تاریخ بنایش چو ز ارباب سخن خواست

بنوشت صبا «مدرسه فتحعلی شاه»

بالای در با خط نستعلیق سفید بر کاشی آبی

«انا مدینه العلم وعلی بابها»

کتابه‌ای بر سنگ

بر گوشه سمت راست سردر آب انبار

تقی خان بروجردی در سال ۱۲۴۰ قمری برکه دارالشفا را مرمت نمود و تاریخ این مرمت را در هفت بیت شعر بر سنگی چنین حک کردند:

مظهر لطف حق تقی خانا	در بروجردو در زمانه وحید
مثل او روزگار کم دیده	زاده زاباء و امهات رشید
بانی کارهای خیر و ثواب	ایزدش داده است بخت سعید
آبانبار این مکان شریف	بود ویران به سالهای مدید
کرد تعمیرش از برای ثواب	حافظش باد کردگار مجید
بهر تاریخ سال تعمیرش	زار و تشنه ز راه [دور] رسید
جرعه آب خورد و آنکه گفت	سب و لعنت بشمر باد و یزید

سنه ۱۲۰۴»

کتابه‌های جعبه جواهرات

در موزه آستانه حضرت معصومه

نمود وقف همین جقه همایون را	بدین حریم حرم حرمت بهشت آثار
همیشه باد بباغ دل ملک طاوس	ولی زحسر دلاویز شاهباز شکار
کنیز فتحعلی شاه آسمان دربار	صدف بگوهر سلطان محمد قاجار

بجان امید چنانش که بضعه موسی شماردش زکنیزان خود بروز شمار»

* * *

«از فتحعلی شه جهاننسان گیتی پُر زرو زیور آمد
این عنبر چه که رشک مهر است رخشنده ز دُر و گوهر آمد
شد وقف بفاطمه که خود آن بنت موسی ابن جعفر آمد
۱۲۳۵

السلطان ابن السلطان والخابان ابن الخاقان فتحعلی شاه قاجار»^۱

کتابه چهل چراغ برنجین در موزه آستانه مطهره

«واقف خیر الحاج حاجی محمدرحیم ولد مرحوم ۱۲۶۹ / وقف شرعی مؤبد نمود حاجی محمد رحیم ابن محمدتقی / این چهل چراغراکه مشتمل است برسی شمعدان و / یکچراغ نه لوله که جمع آن بحسب چهل و سه من / بوزن تبریز میباشد بر حضرت معصومه / عمل حاجی حسین ابن مشهدی اکبر طهرانی»

در پایین این سطور عبارت زیر است:

«وقف جناب / حضرت معصومه / یعنی فاطمه فرزند / جناب امام موسی کاظم ۱۲۶۹»

محراب مسجد موزه

حاشیه دور محراب به خط ثلث سفید بر زمینه آبی با اسلیمیهای سبز گل و بوته دار:

«الله نور السموات والارض - تا - بکل شیء علیم»^۲

۱ - از یادداشتهای آقای سید محمدتقی مصطفوی .

۲ - سورة نور، آیه ۳۵ .

حاشیه بالای کتیبه ثلث به خط کوفی خوش:

«فِي بَيْوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعُ وَتَذْكُرَ فِيهَا وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ»^۱

کتیبه بالای دور گنبد

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُومُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ - تَا - اِنْ يَأْكُلْ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ [اِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ]»^۲

کتیبه پایین دور گنبد

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ - تَا - عَذَابًا أَلِيمًا»^۳

کتابه سنگ قبر سیاه

«قد توفی السعید نوری بیک المرحوم بن مهتر میرزا بیک بن مهتر منصور عفی عنهما
سال فوتش چو بجستم گفتند آه از مهتر ما نوری بیک»

مرافق و تنبی های دور روضه مطهره

این تنبی ها از بناهای شاه عباس ثانی است. در یکی از تنبی ها این قطعه بر روی سنگ نقر شده است:

«در ایام خاقان جم بارگاه	خدیدو جهان گیر عباس شاه
سلیمان غلامی زخیل دَرَش	به اقبال شه ساخت این طوف گاه
همین بس بود ذکر اوصاف او	که شد سایبان بر سر قبر شاه

۱ - سورة نور، آیات ۳۶ به بعد تا آغاز آیه ۴۱.

۲ - سورة الحجرات، آیه ۱ - ۱۲.

۳ - سورة الانسان، آیه ۱ - ۱۳.

شهی کو بعصمت نظیرش نبود از آن کشت معصومه اش جایگاه
 بهشت برین بوده مأوای او همین گشت تاریخ آن قبله گاه
 چو این جنت آباد اتمام یافت بسعی سلیمان و اقبال شاه
 غیاثا پی سال تاریخ گفت «سلیمان ثانی زد این بارگاه»

* * * *

«خشت ایوان بلندش غیرت خورشید و ماه
 صحن ایوان رفیعش مہبط کرویّان
 وصف صندوق مزار شاه حد خامه نیست
 همچو سوسن گر سراپای قلم گردد زبان
 شد تمام از معجز اقبال شاهی این بنا
 تا مگر همچون حرم گردد مطاف انس و جان
 حور شد از نبیل گیسو در او جاروب کش
 مشتری بر رغم کیوان گشت در وی پاسبان
 باد یا رب تا ابد از عمر و شاهی کامیاب
 تا بود از مهر و مه روشن چراغ آسمان
 این رقم زد از پی تاریخ معمار قضا
 مہبط صفح الہی مرقد صاحبقران»

کتیبه گچ بری زمینه سیاه به خط ثلث:

«بسم الله الرحمن الرحيم يسبح الله ما في السموات والارض وهو الغفور الرحيم
 كتبه ابوطالب الحسيني الخطيب القمي في ١١٠٧»

ختم بالخیر

فهرست عکسها

- عکس شماره ۱ - کاشیهای روی مرقد مطهر.
- عکس شماره ۲ - کاشی وسط روی مرقد مطهر.
- عکس شماره ۳ - تاریخ ساختن کاشیهای مرقد مطهر، فی ثانی من رجب سنه ۶۰۲.
- عکس شماره ۴ - از کاشیهای مرقد مطهر.
- عکس شماره ۵ - از کاشیهای مرقد مطهر.
- عکس شماره ۶ - نام کاتب و کاشی ساز مرقد مطهر: کتبه وعمله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین.
- عکس شماره ۷ - از کاشیهای مرقد مطهر.
- عکس شماره ۸ - از کاشیهای مرقد مطهر.
- عکس شماره ۹ - پیشانی کاشی محرابی مرقد مطهر.
- عکس شماره ۱۰ - از کاشیهای سطح افقی مرقد مطهر.
- عکس شماره ۱۱ - کتابه در ورودی ایوان طلا در صحن عتیق.

- عکس شماره ۱۲ - کتابه در ورودی فعلی ایوان طلا.
- عکس شماره ۱۳ - از کاشیهای تزینی دور حرم مطهر.
- عکس شماره ۱۴ - از کاشیهای تزینی دور حرم مطهر.
- عکس شماره ۱۵ - از کاشیهای تزینی دور حرم مطهر.
- عکس شماره ۱۶ - از کتابه‌های دور حرم مطهر، قسمت پایین.
- عکس شماره ۱۷ - از کتابه‌های دور حرم مطهر.
- عکس شماره ۱۸ - از کتابه‌های دور حرم مطهر.
- عکس شماره ۱۹ - نمونه‌ای از کتابه دور حرم مطهر قسمت بالا.
- عکس شماره ۲۰ - نمونه‌ای از کتابه کاشی معرق حرم مطهر در قسمت پایین.
- عکس شماره ۲۱ - نمونه‌ای از کتابه دور خطیره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی.
- عکس شماره ۲۲ - نمونه‌ای از کتابه خطیره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی.
- عکس شماره ۲۳ - نمونه‌ای از کتابه بالای ایوان طلا در صحن عتیق.
- عکس شماره ۲۴ - نمونه‌ای از کتابه بالای ایوان طلا با رقم: عمل حسن قمی و کتبه پرتو الاصفهانی ۱۲۷۴.
- عکس شماره ۲۵ - نمونه‌ای از کتابه پایین ایوان طلا در صحن عتیق.
- عکس شماره ۲۶ - کتابه بالای در ورودی ایوان طلا.
- عکس شماره ۲۷ - نمونه‌ای از کاشیهای تزینی ایوان طلا.
- عکس شماره ۲۸ - تزیینات کاشی معرق در ایوان طلا.
- عکس شماره ۲۹ - کتابه هلال دست چپ ایوان طلا.
- عکس شماره ۳۰ - کتابه بالای ایوان طلا در بدنه دست راست و قسمتی از هلال بالا.

- عکس شماره ۳۱ - کتابه هلال سمت راست طاق ایوان طلا.
- عکس شماره ۳۲ - هلال سمت چپ طاق ایوان طلا.
- عکس شماره ۳۳ - نمونه‌ای از کتابه‌های ایوان طلا در صحن عتیق.
- عکس شماره ۳۴ - کتابه‌ای بر سنگ مرمرِ دَرِ ورودی ایوان طلا.
- عکس شماره ۳۵ - از رقمهایی که بر ایوان طلا خوانده شد: عمل اسدالله ولد استاد مسیح زرگر.
- عکس شماره ۳۶ - یکی از رقمهایی که در ایوان طلا خوانده شد:
- بسرکاری علی عباس ولد آقا مصطفی تبریزی.
- عکس شماره ۳۷ - ماده تاریخ بر سنگ مرمرِ دَرِ ورودی ایوان طلا.
- عکس شماره ۳۸ - نمونه‌ای از خط کتابه‌های ایوان طلا.
- عکس شماره ۳۹ - بیت اول قصیده معجزیه، دور صحن عتیق.
- عکس شماره ۴۰ - از ابیات قصیده معجزیه، دور صحن عتیق.
- عکس شماره ۴۱ - کتابه دست راست ایوان آینه در صحن اتابکی.
- عکس شماره ۴۲ - کتابه دست چپ ایوان آینه در صحن اتابکی.
- عکس شماره ۴۳ - کتابه سر دَرِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۴۴ - کتابه سر دَرِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۴۵ - کتابه سر دَرِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۴۶ - کتابه سر دَرِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۴۷ - کتابه سر دَرِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۴۸ - کتابه سر دَرِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۴۹ - کتابه سر دَرِ ایوان آینه.

- عکس شماره ۵۰- کتابه سر درِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۵۱- کتابه سر درِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۵۲- کتابه سر درِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۵۳- کتابه سر درِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۵۴- کتابه سر درِ ایوان آینه.
- عکس شماره ۵۵- نمونه کتابه دور گنبد مرقد مطهر از بیرون.
- عکس شماره ۵۶- کتابه‌ای به خط نستعلیق میرزا عمو بر سر درِ ورودی دالان مدرسه فیضیه از طرف صحن عتیق.
- عکس شماره ۵۷- کتابه بدنه دست راست درِ ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۵۸- کتابه بدنه وسط درِ ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۵۹- نمونه‌ای از کتابه سردرِ ورودی شمالی مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۶۰- کتابه بالای سردرِ مدرسه فیضیه از طرف مدرسه.
- عکس شماره ۶۱- قسمتی از کتابه بالای سردرِ ورودی مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۶۲- قسمتی از کتابه بالای سردرِ مدرسه فیضیه از طرف داخل.
- عکس شماره ۶۳- قسمتی از کتابه بالای سردرِ مدرسه فیضیه از طرف داخل.
- عکس شماره ۶۴- از کتابه‌های مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۶۵- کتابه سردرِ ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۶۶- کتابه درِ ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۶۷- نمونه‌ای از خط ثلث درِ ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.
- عکس شماره ۶۸- نقشی از ترکیب نام چهار محمد و چهار علی بر طرفین سردرِ ورودی مدرسه فیضیه.

عکس شماره ۶۹- سنگ قبر مهدعلیا همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین شاه قاجار.

عکس شماره ۷۰- قسمت بالای سنگ قبر مهدعلیا - مادر ناصرالدین شاه - در یکی از مقبره‌های صحن عتیق.

عکس شماره ۷۱- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۲- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۳- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۴- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۵- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۶- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۷- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۸- مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا، کار قم: عمل حاجی محمدعلی حجازی طهرانی و میرزا علی اکبر ولد مشار الیه.

عکس شماره ۷۹- در دو لنگه‌ای شرقی مقبره فتحعلی شاه در صحن عتیق.

عکس شماره ۸۰- نمونه خط نستعلیق در ورودی دو لنگه شرقی مقبره فتحعلی شاه در صحن عتیق.

عکس شماره ۸۱- کتابه‌ای بر سنگ با خط نستعلیق در مقبره فتحعلی شاه قاجار.

عکس شماره ۸۲- سنگ قبر محمد شاه قاجار در یکی از مقبره‌های صحن عتیق.

عکس شماره ۸۳- نمونه خط نستعلیق بر سنگ قبر فتحعلی شاه قاجار.

عکس شماره ۸۴- نمونه خط نستعلیق بر سنگ قبر محمد شاه قاجار.

عکس شماره ۸۵- نمونه‌ای از کتابه دور صحن اتابکی.

عکس شماره ۸۶- انتهای کتابه صحن اتابکی. بسعی واهتمام مقرّب الحضرت العلیه میرزا آقا عبدالمولی
باتمام رسید راقمه میرزا آقا.

عکس شماره ۸۷- کتابه بالای درِ ورودی شرقی صحن اتابکی روبه روی ایوان آینه.

عکس شماره ۸۸- نمونه ای از کتابه ایوان در ورودی شرقی صحن اتابکی.

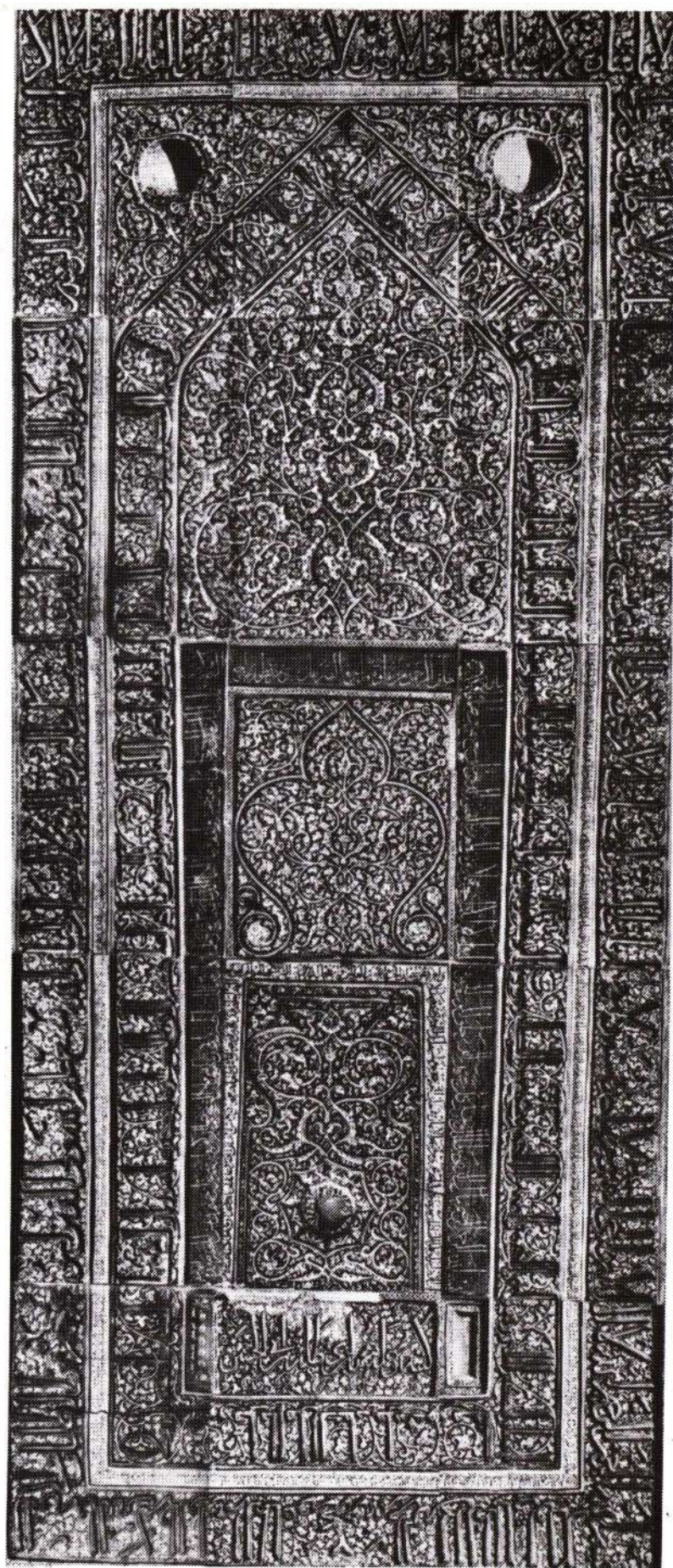
عکس شماره ۸۹- کتابه ایوان درِ ورودی شرقی صحن اتابکی روبه روی ایوان آینه.

عکس شماره ۹۰- کتابه ایوان درِ ورودی شرقی صحن اتابکی روبه روی ایوان آینه.

عکس شماره ۹۱- کتابه سردرِ ورودی شرقی صحن اتابکی روبه روی ایوان آینه.

عکس شماره ۹۲- کتابه بالای درِ ورودی شمالی صحن اتابکی.

لغة



عکس شماره ۱ - کاشیهای روی مرقد مطهر.



عکس شماره ۲ - کاشی وسط روی مرقد مطهر.



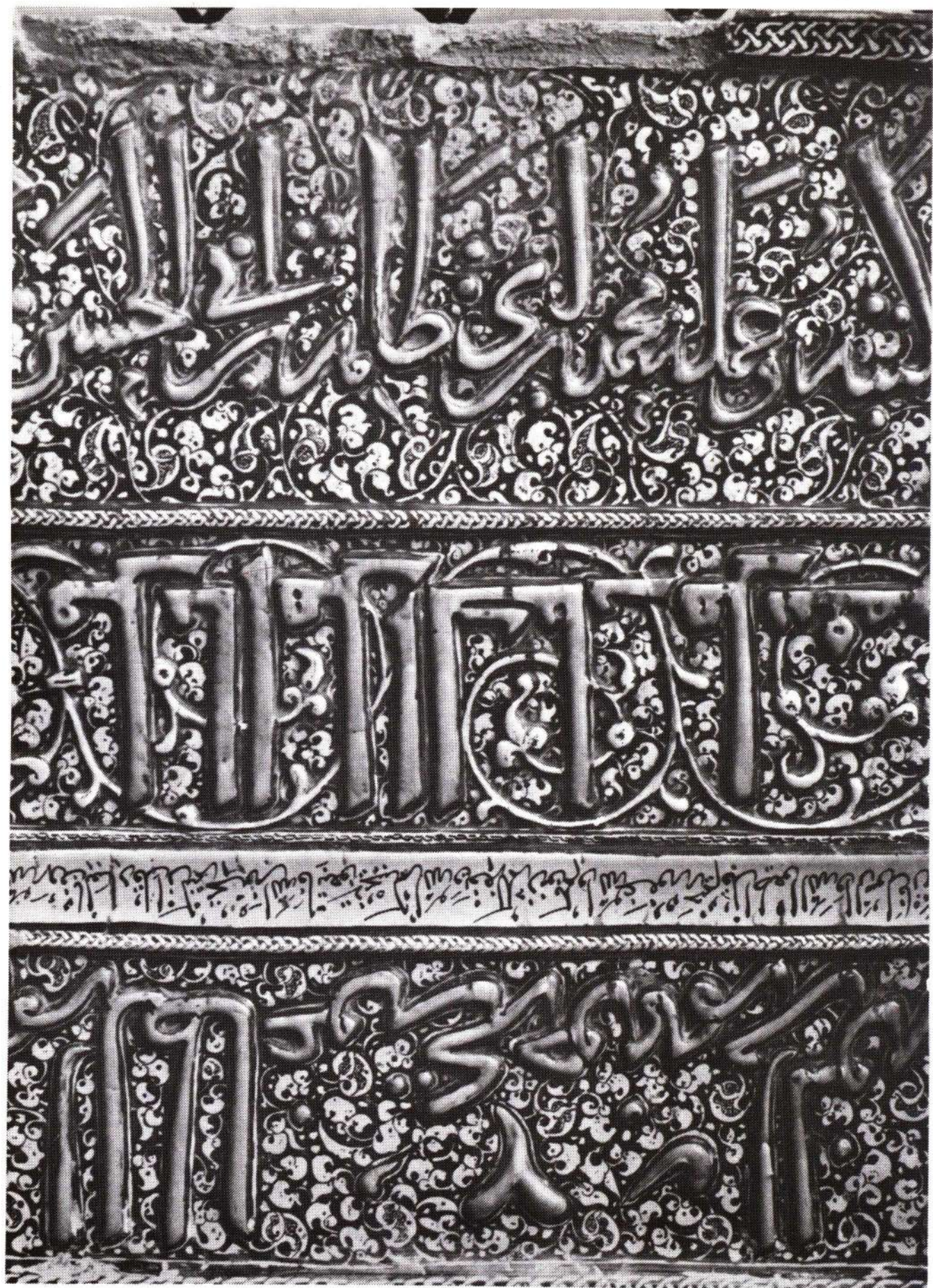
عكس شماره ۳ - تاریخ ساختن کاشیهای مرقطد مطهر، فی ثانی من رجب سنه ۶۰۲.



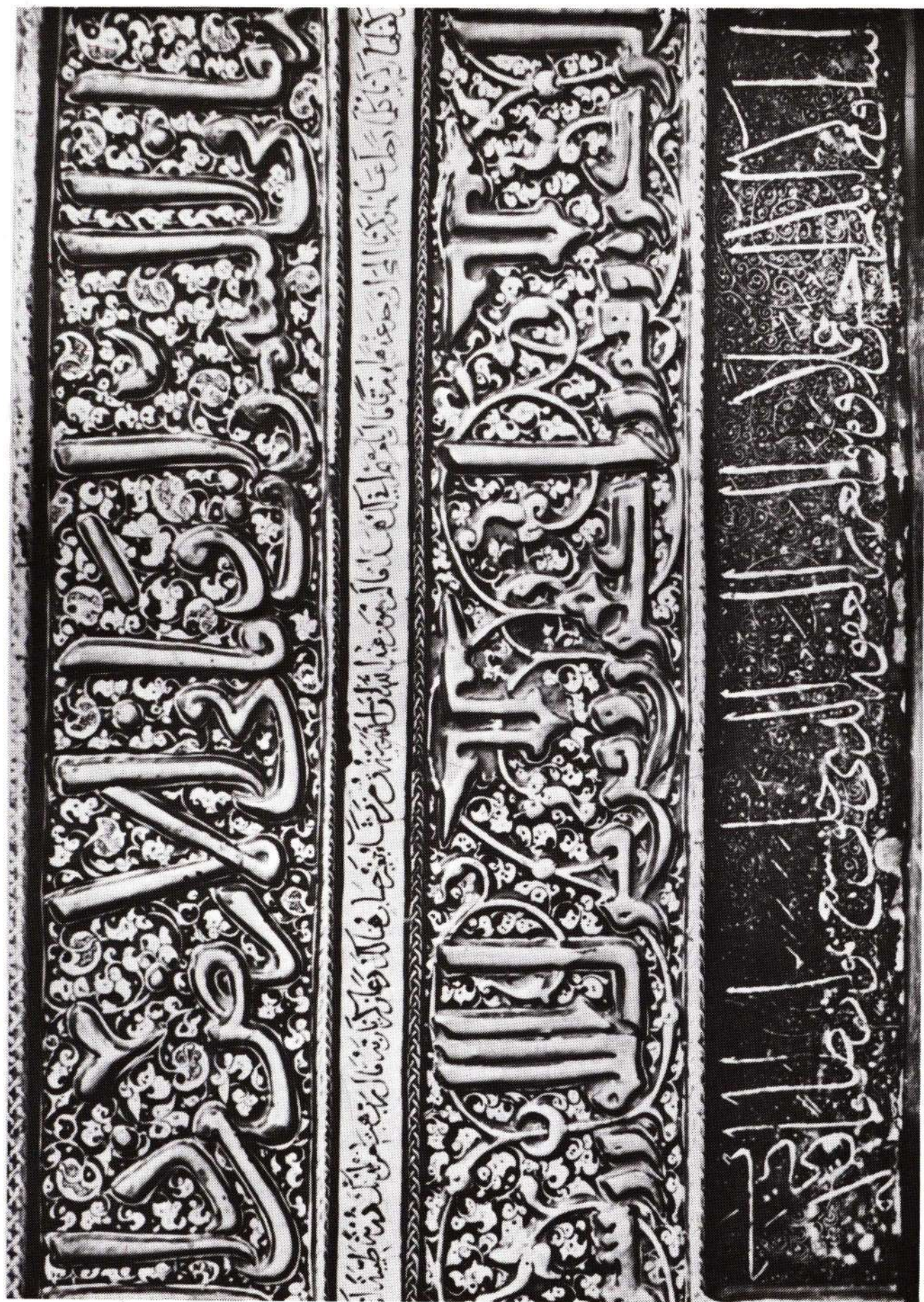
عکس شماره ۴ - از کاشیهای مرقد مطهر.

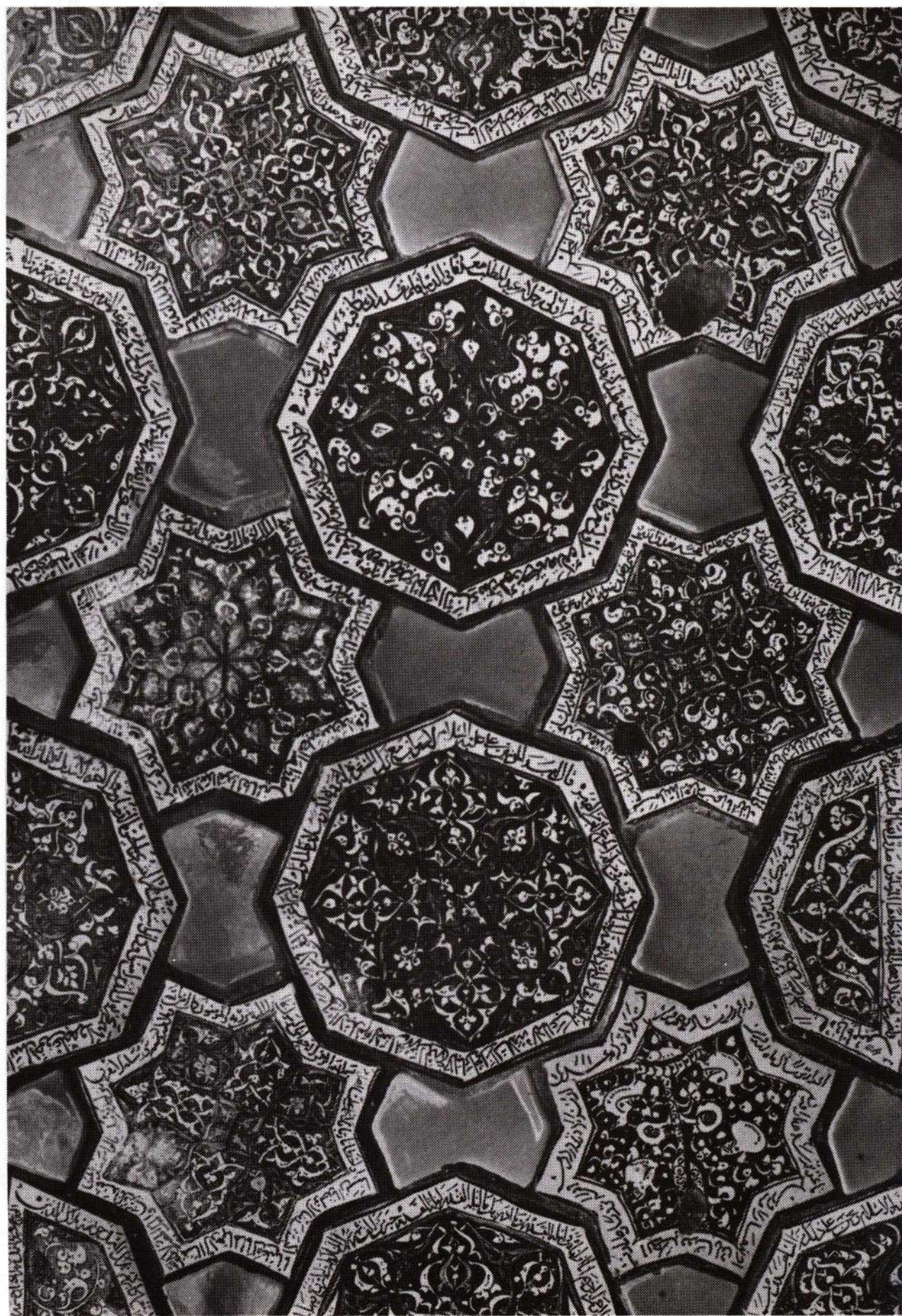


عکس شماره ۵ - از کاشیهای مرقد مطهر.



عکس شماره ۶- نام کاتب و کاشی ساز مرقد مطهر: کتبه و عمله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین.



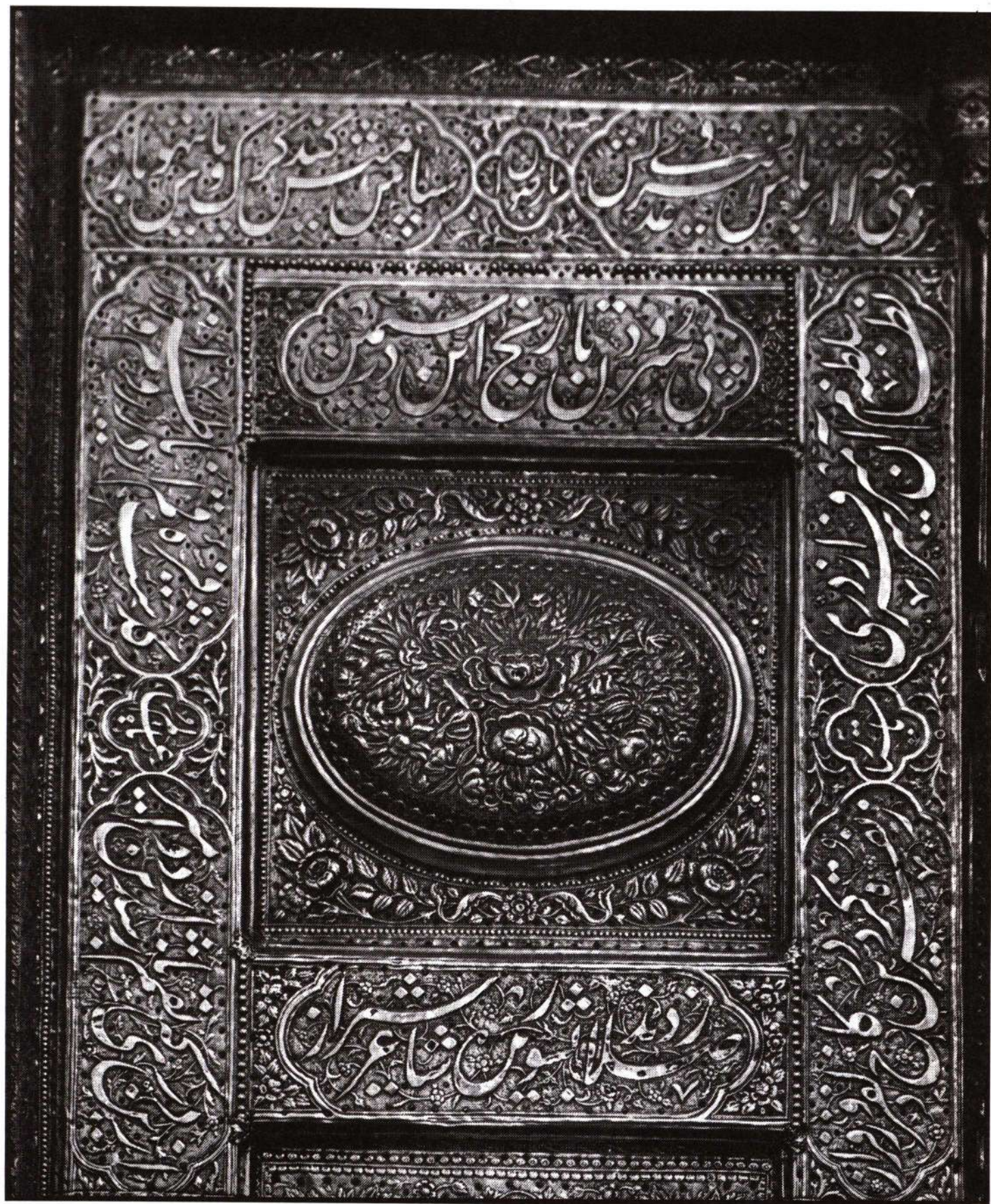




عکس شماره ۹ - پیشانی کاشی محرابی مرقد مطهر.

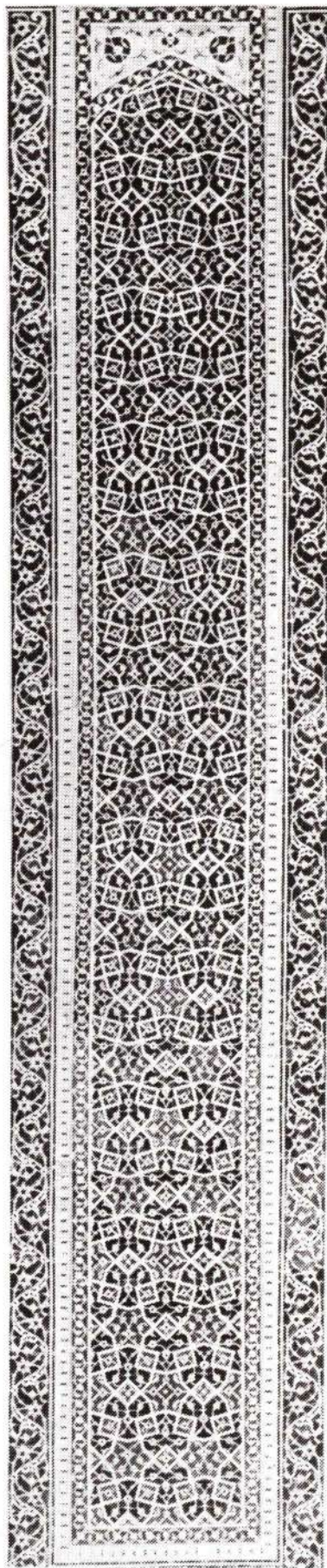


عکس شماره ۱۰ - از کاشیهای سطح افقی مرقد مطهر.





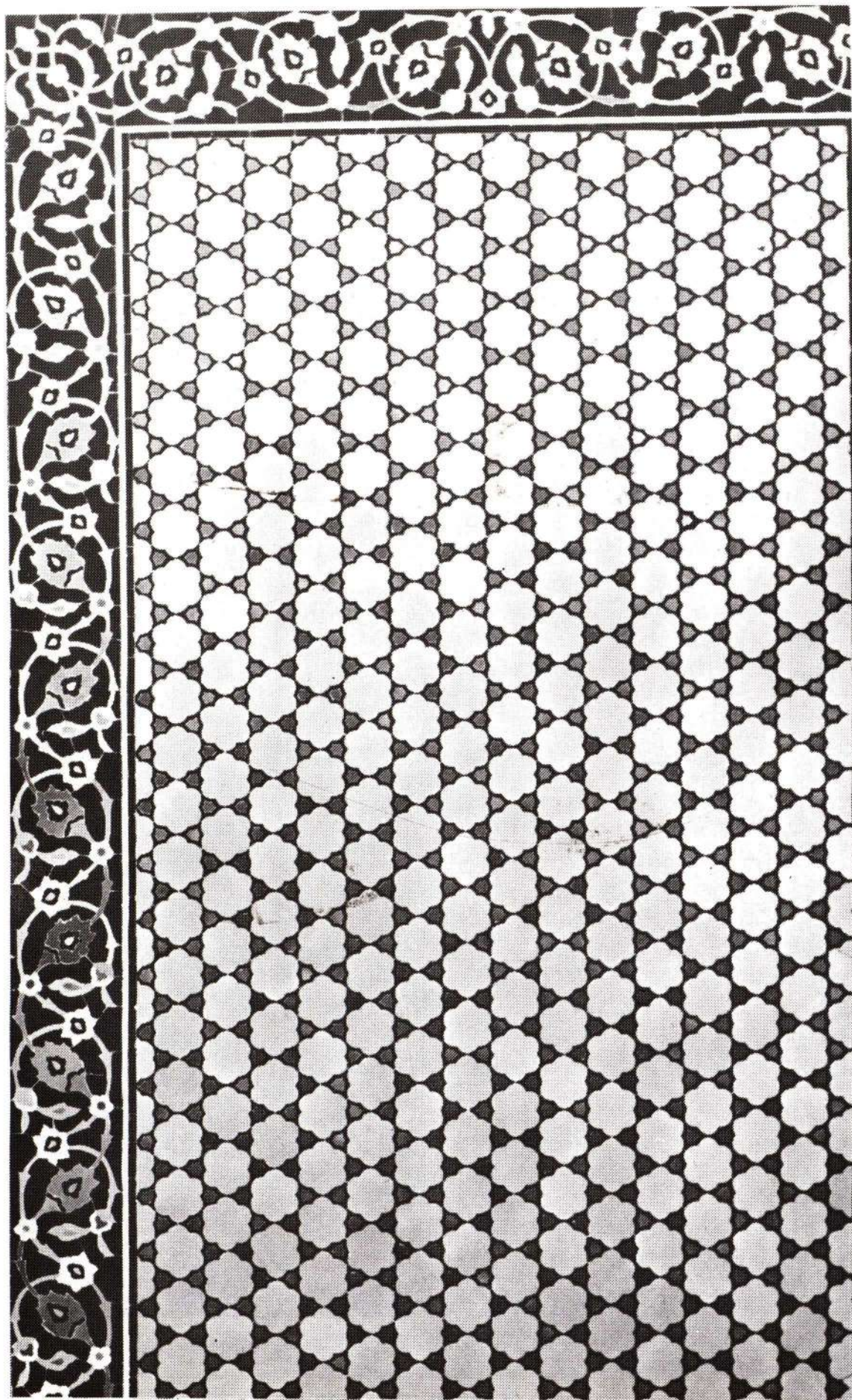
عکس شماره ۱۲ - کتابه در ورودی فعلی ایوان طلا.



عکس شماره ۱۳ - از کاشیهای تزیینی دور حرم مطهر.



عکس شماره ۱۴ - از کاشیهای تزیینی دور حرم مطهر. ۱۳۱



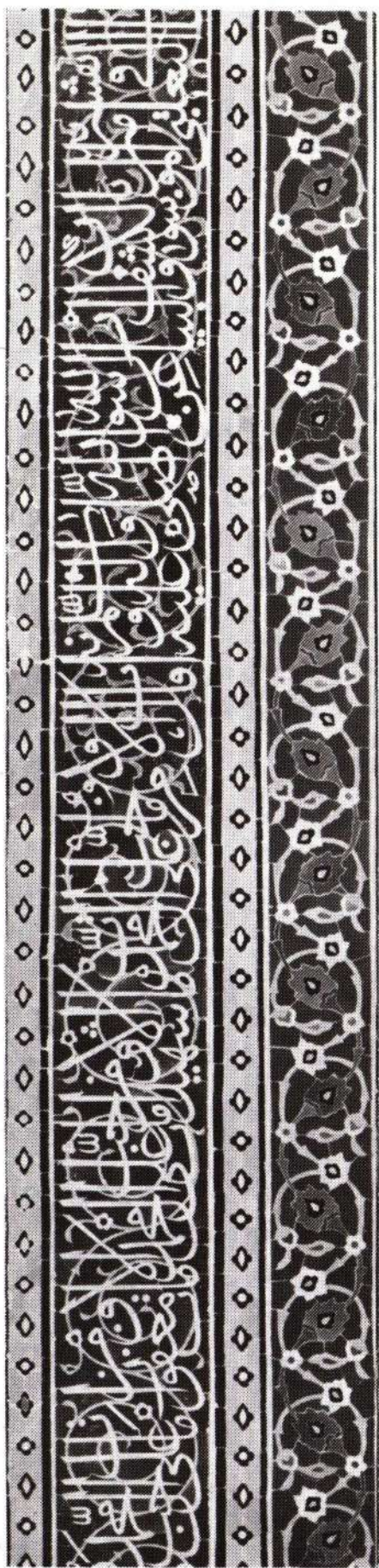
عکس شماره ۱۵ - از کاشیهای تزیننی دور حرم مطهر.



عکس شماره ۱۶ - از کتابه‌های دور حرم مطهر، قسمت پایین.

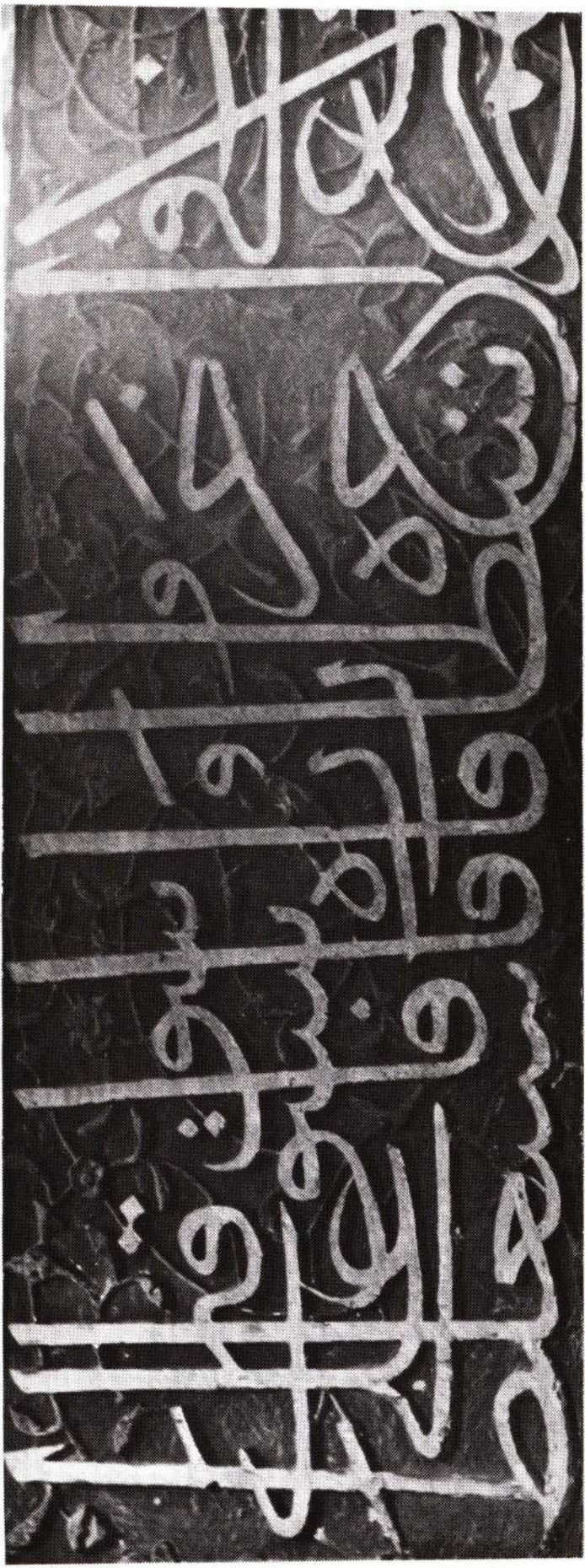


عکس شماره ۱۷ - از کتابه‌های دور حرم مطهر.

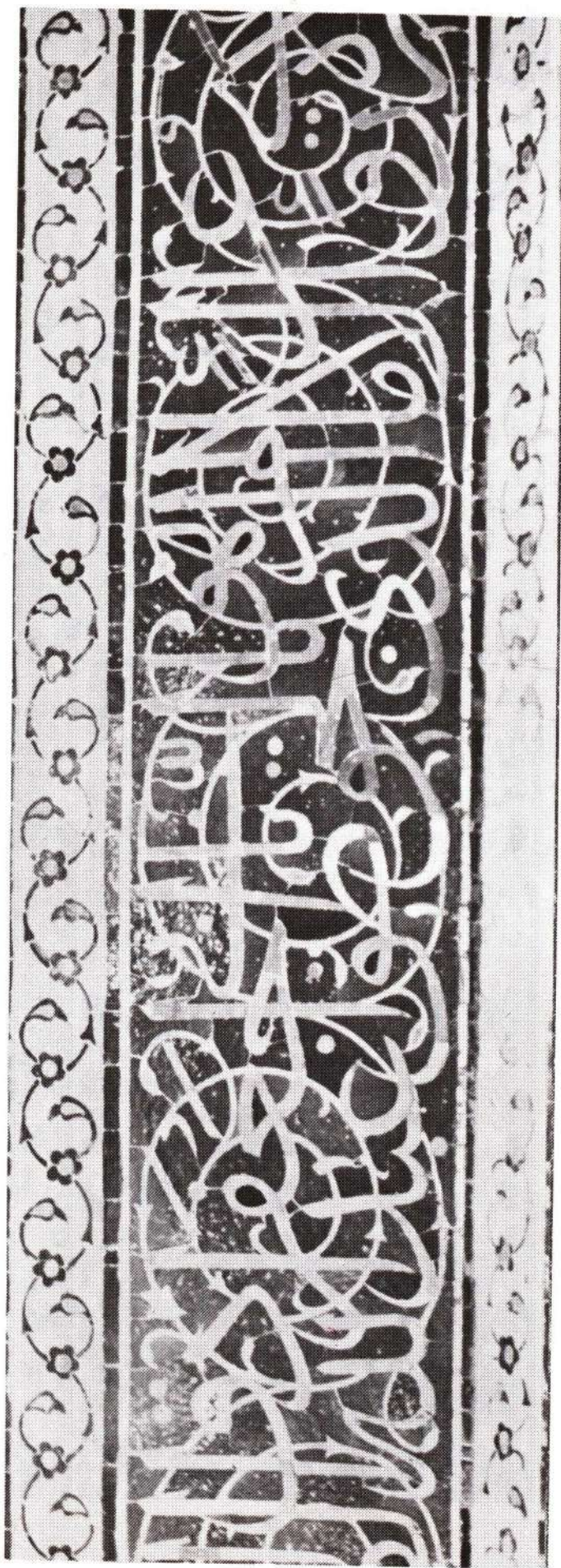
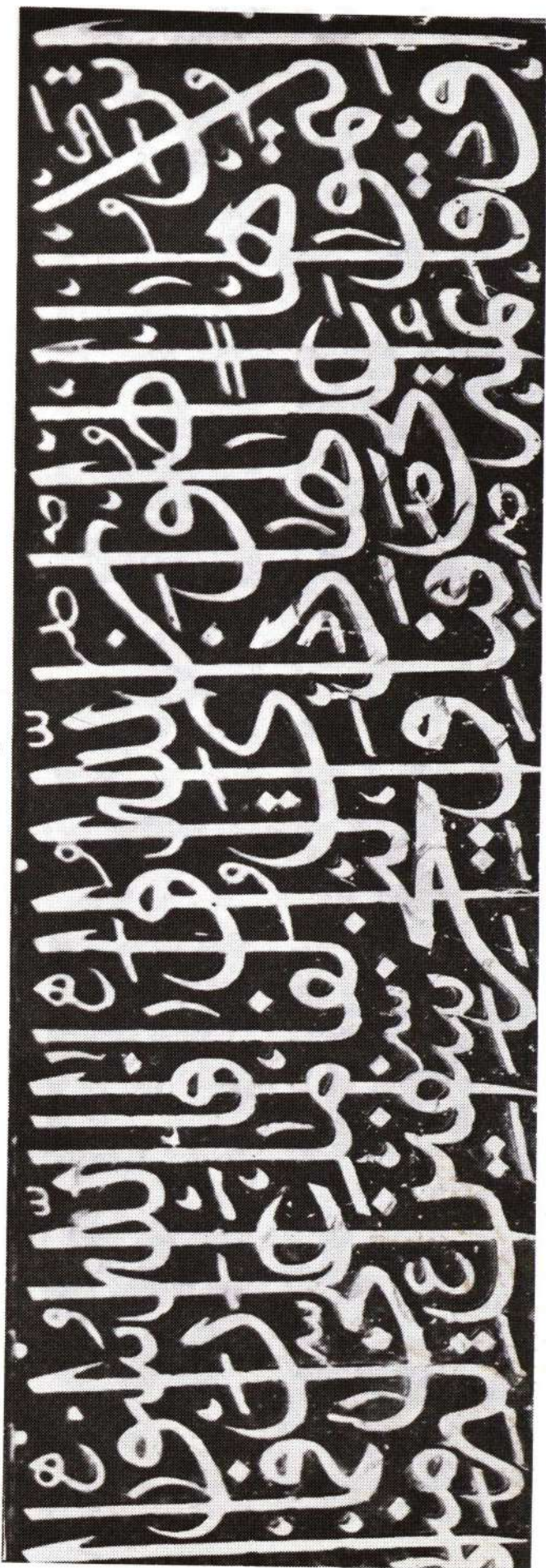


عکس شماره ۱۸ - از کتابه‌های دور حرم مطهر.

عکس شماره ۱۹ - نمونه‌ای از کتابه دور حرم مطهر قسمت بالا.



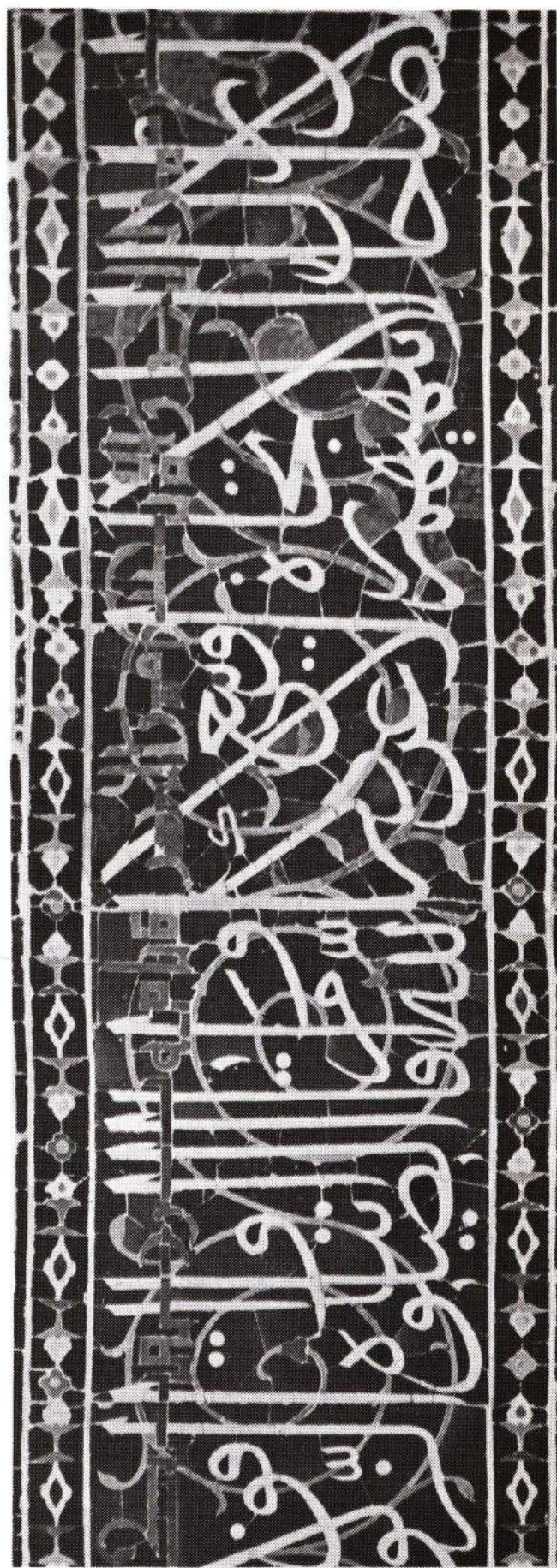
عکس شماره ۲۰ - نمونه‌ای از کتابه کاشی معرق حرم مطهر در قسمت پایین.
عکس شماره ۲۱ - نمونه‌ای از کتابه دور خطیره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی.





عکس شماره ۲۲ - نمونه‌ای از کتابه خطیره شاه سلیمان وشاه سلطان حسین صفوی.

عکس شماره ۲۳ - نمونه‌ای از کتابه بالای ایوان طلادر صحن عتیق.





عکس شماره ۲۴ - نمونه‌ای از کتابه بالای ایوان طلا با رقم: عمل حسن قمی و کتبه پرتو الاصفهانی ۱۲۷۴.

عکس شماره ۲۵ - نمونه‌ای از کتابه پایین ایوان طلا در صحن عتیق.





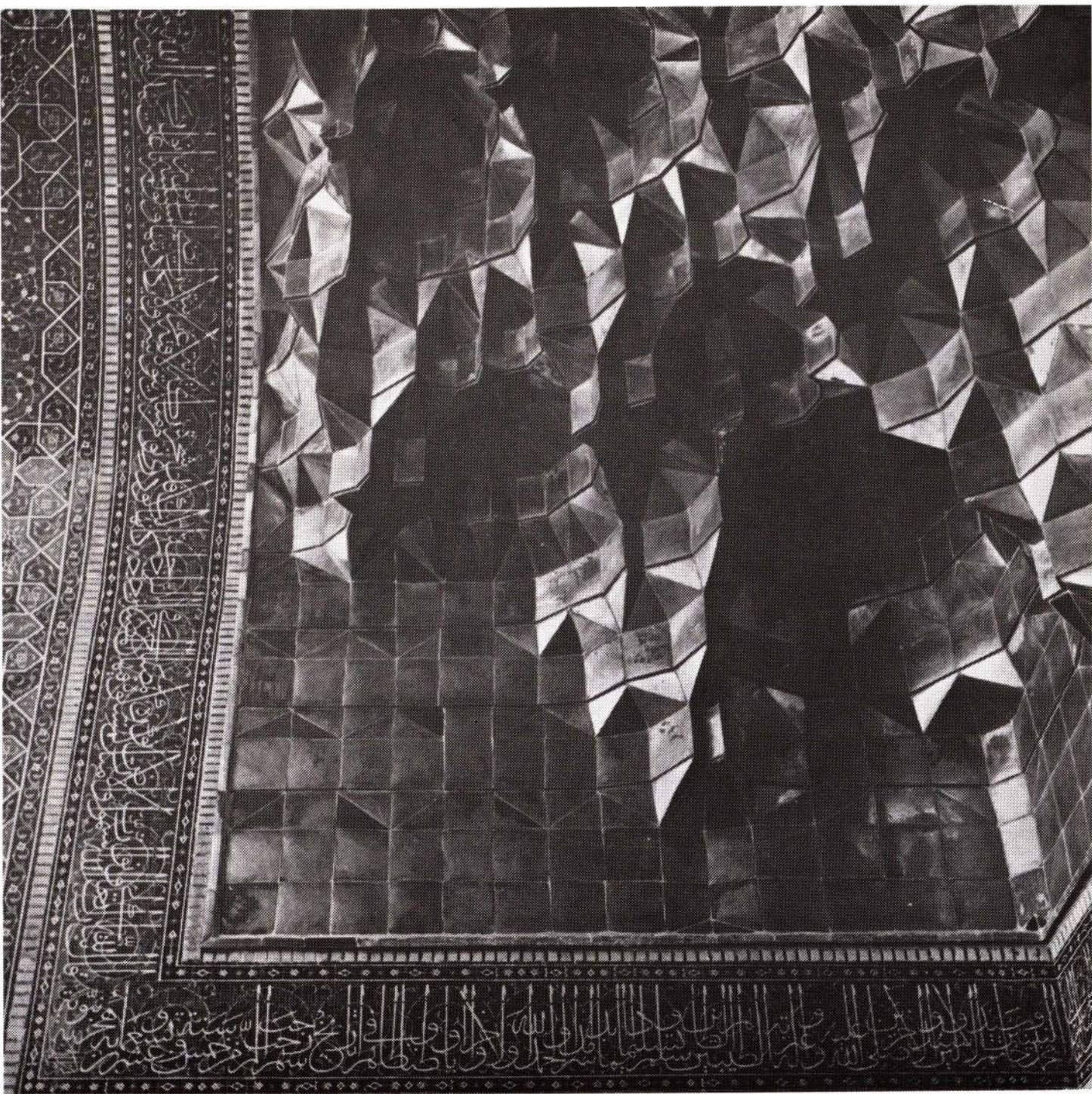
عکس شماره ۲۶ - کتابه بالای در ورودی ایوان طلا.

عکس شماره ۲۸ - تزیینات کاشی معرق در ایوان طلا.

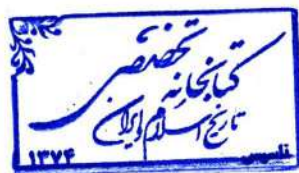


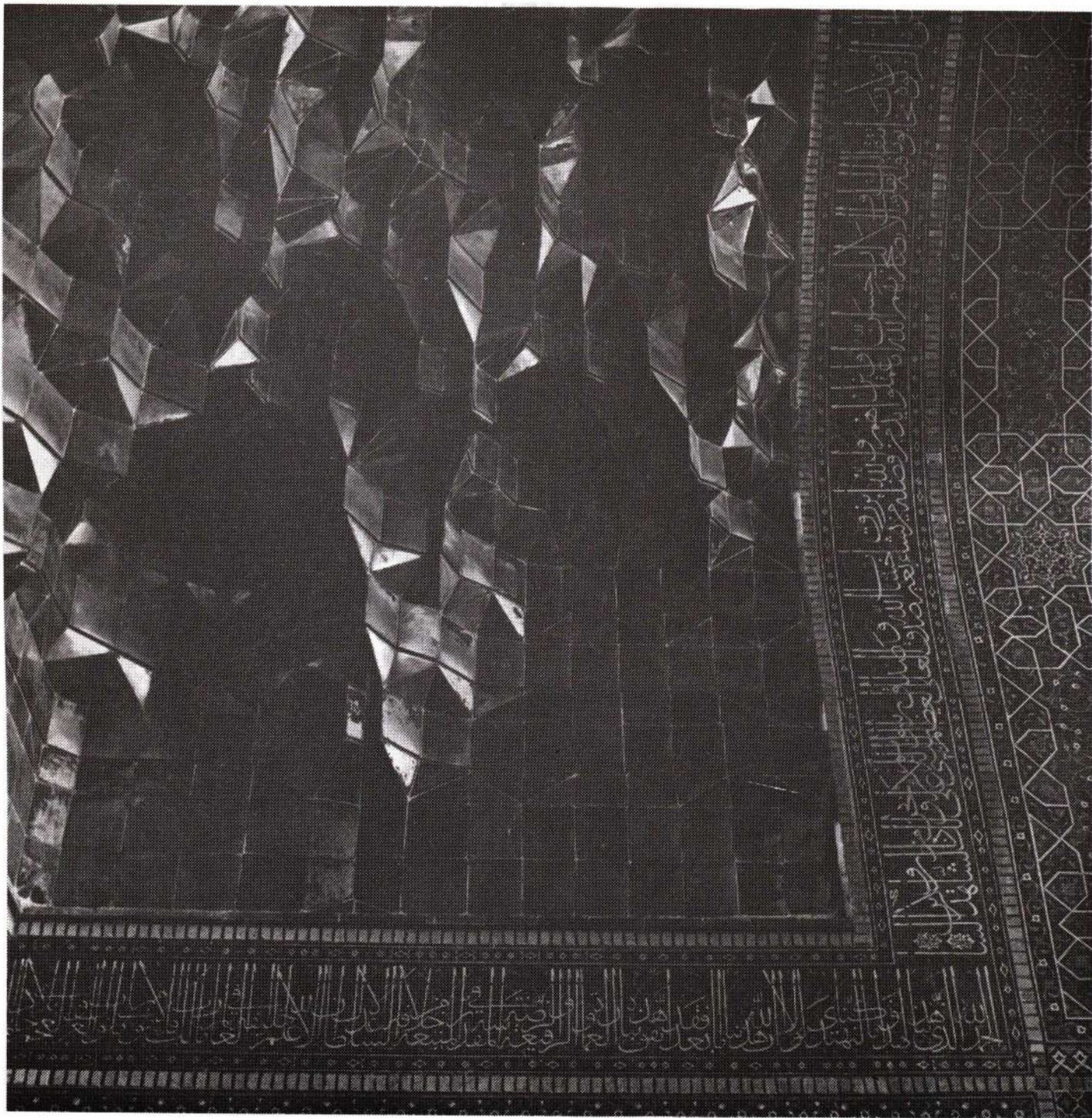
عکس شماره ۲۷ -

نمونه‌ای از کاشیهای تزیینی ایوان طلا.

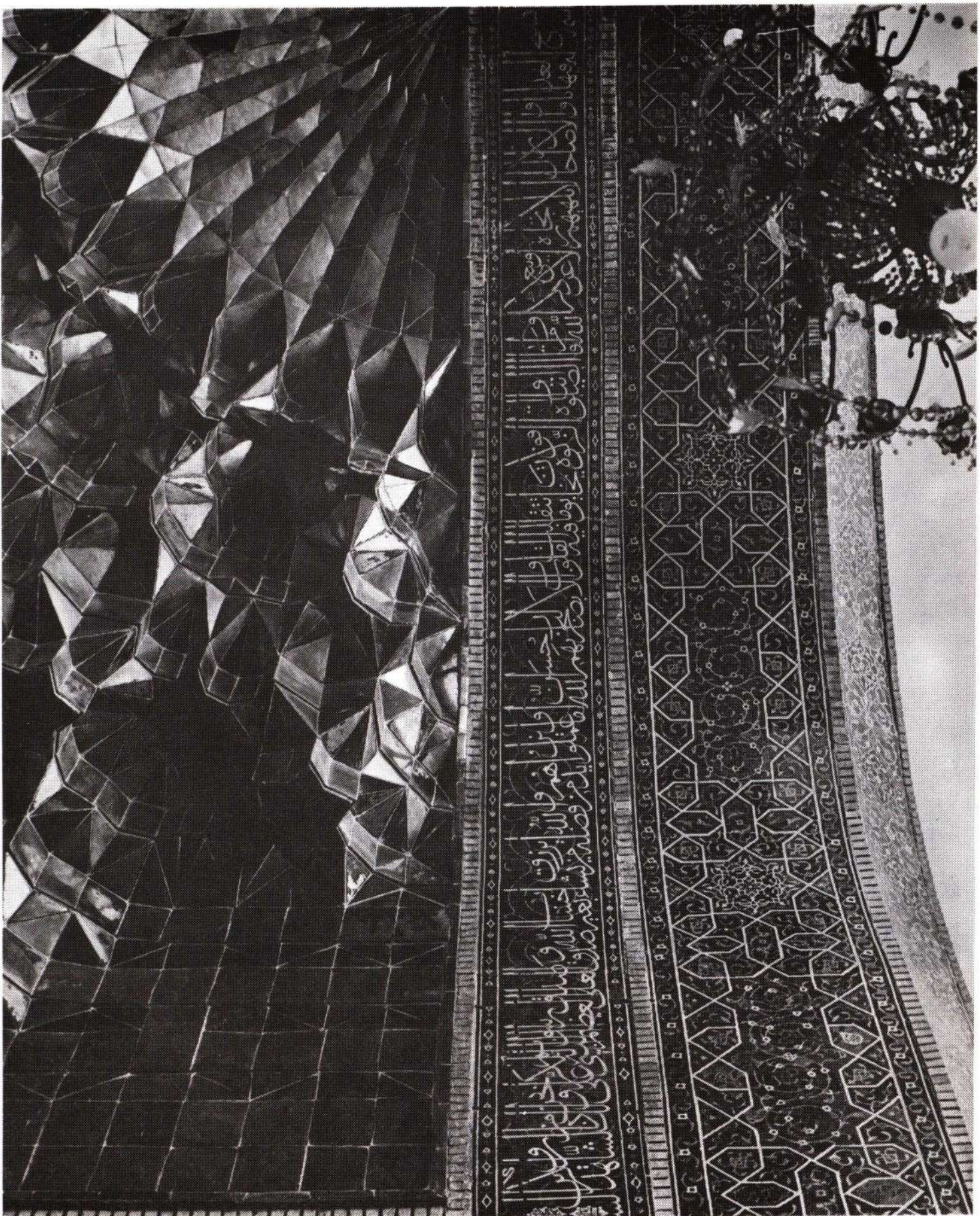


عکس شماره ۲۹- کتابه هلال دست چپ ایوان طلا.

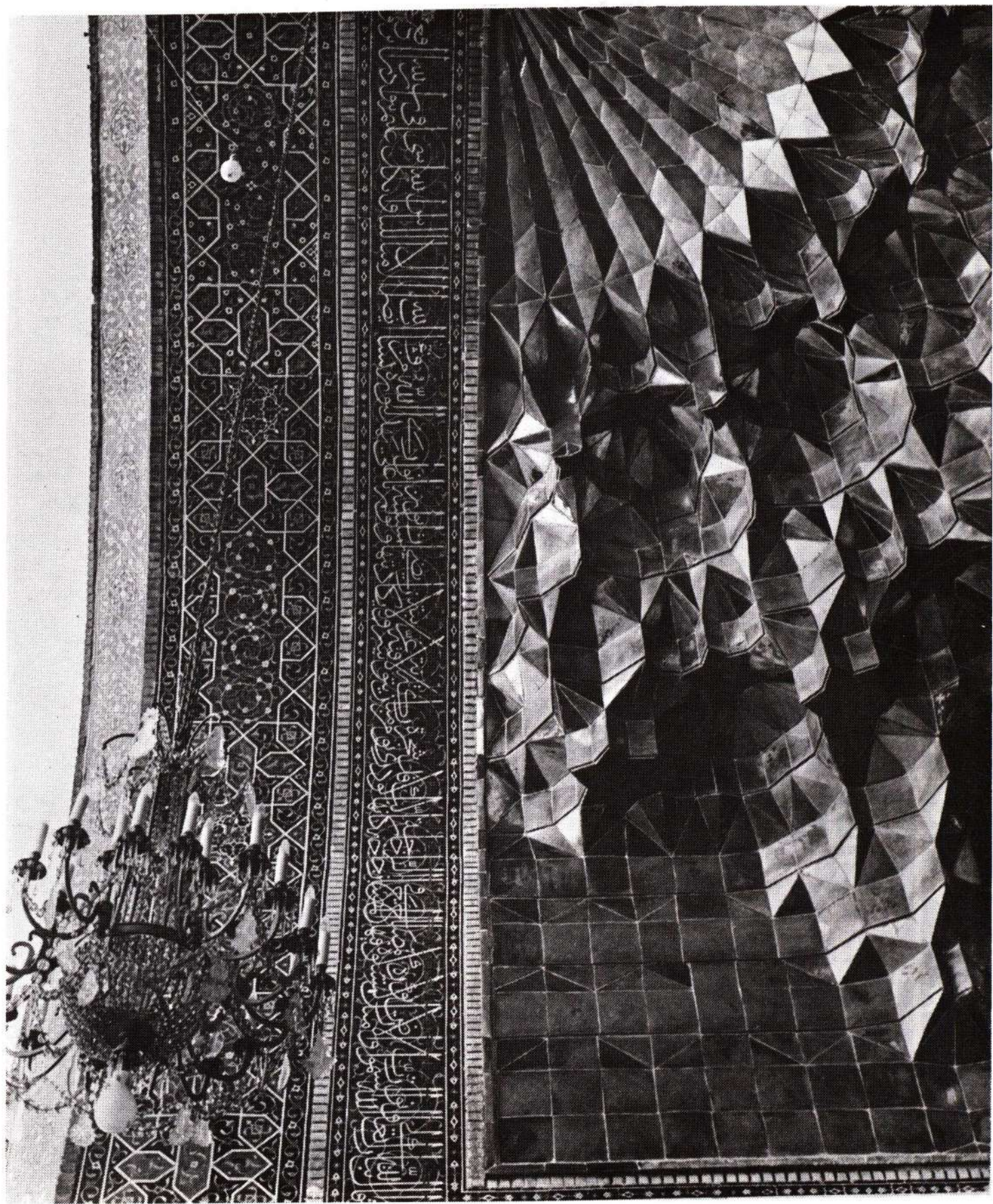




عکس شماره ۳۰ - کتابه بالای ایوان طلا در بدنه دست راست و قسمتی از هلال بالا.



عکس شماره ۳۱- کتابه هلال سمت راست طاق ایوان طلا.

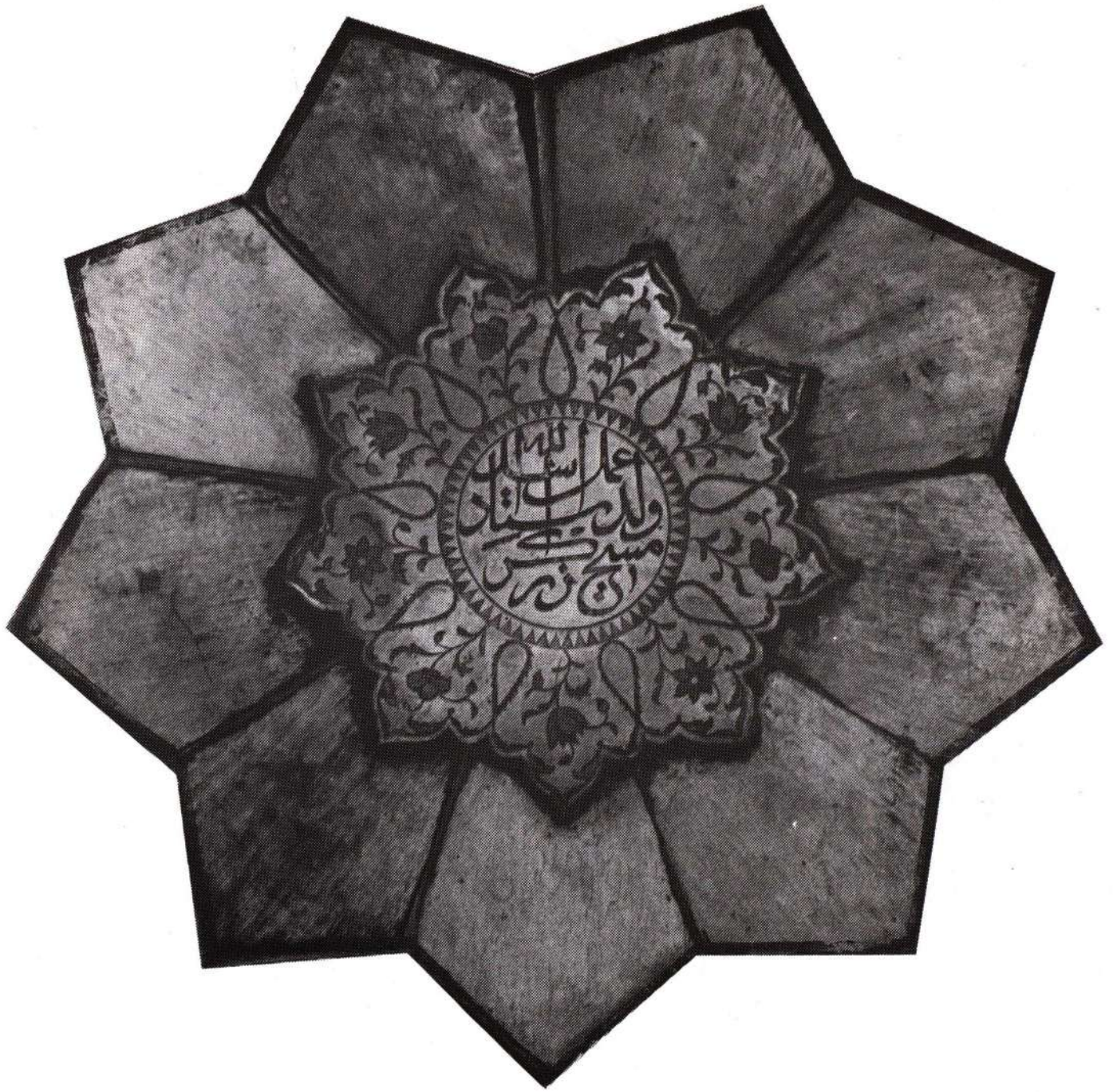




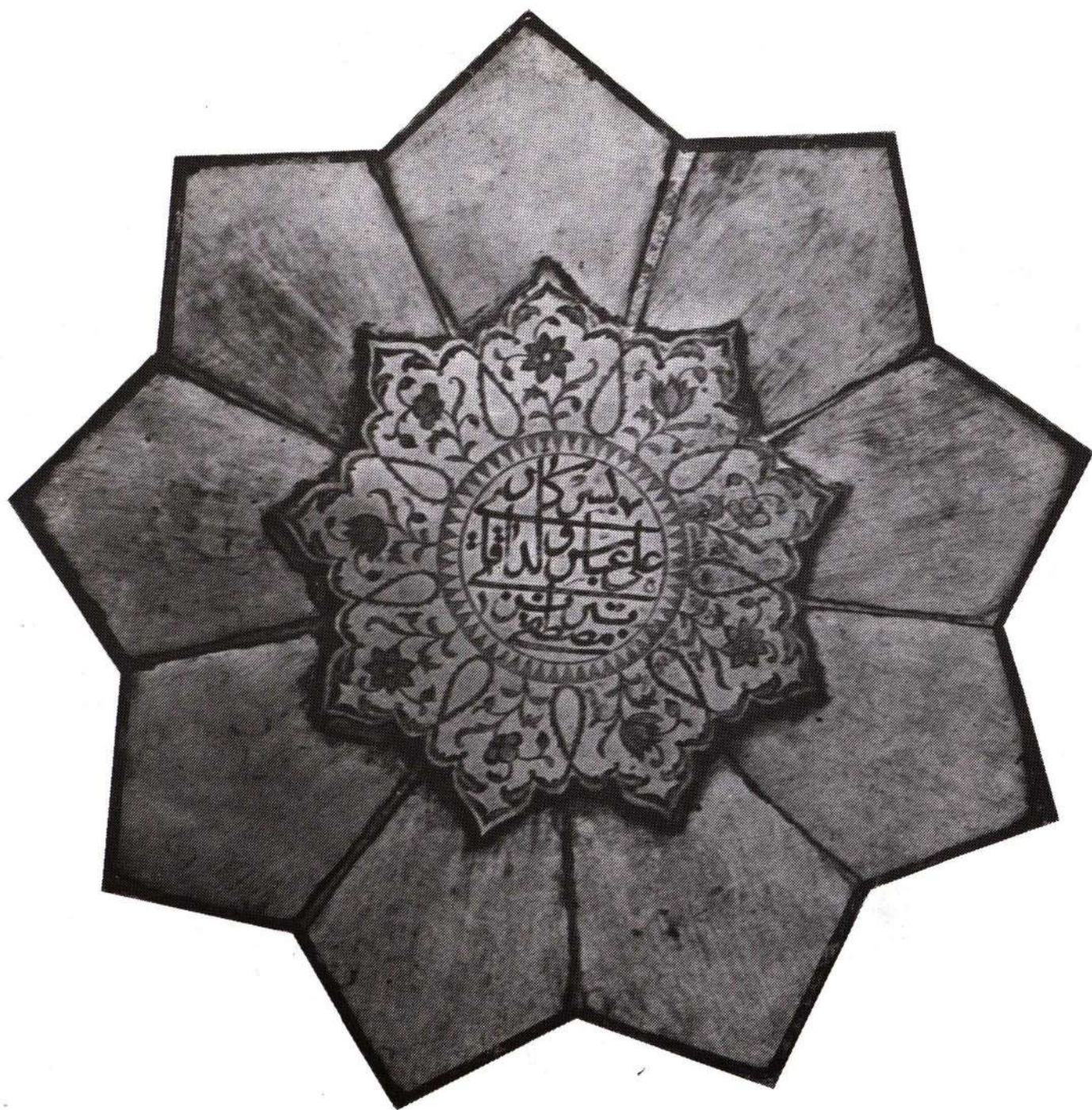
عکس شماره ۳۳ - نمونه‌ای از کتابه‌های ایوان طلا در صحن عتیق.

عکس شماره ۳۴ - کتابه‌ای بر سنگ مرمر در ورودی ایوان طلا.





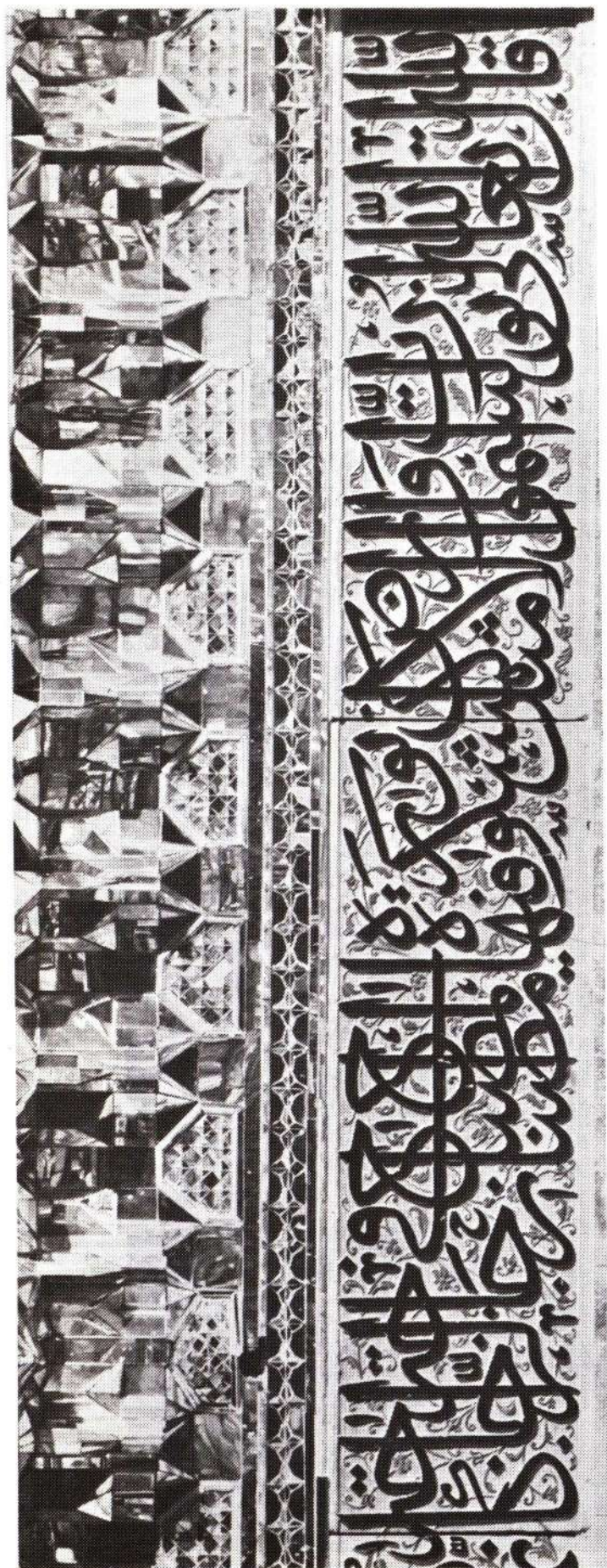
عکس شماره ۳۵- از رقمهایی که بر ایوان طلا خوانده شد: عمل اسدالله ولد استاد مسیح زرگر.



عکس شماره ۳۶ - یکی از رقمه‌هایی که در ایوان طلا خوانده شد:
بسرکاری علی عباس ولد آقا مصطفی تبریزی.



عکس شماره ۳۷ - ماده تاریخ بر سنگ مرمر در ورودی ایوان طلا.



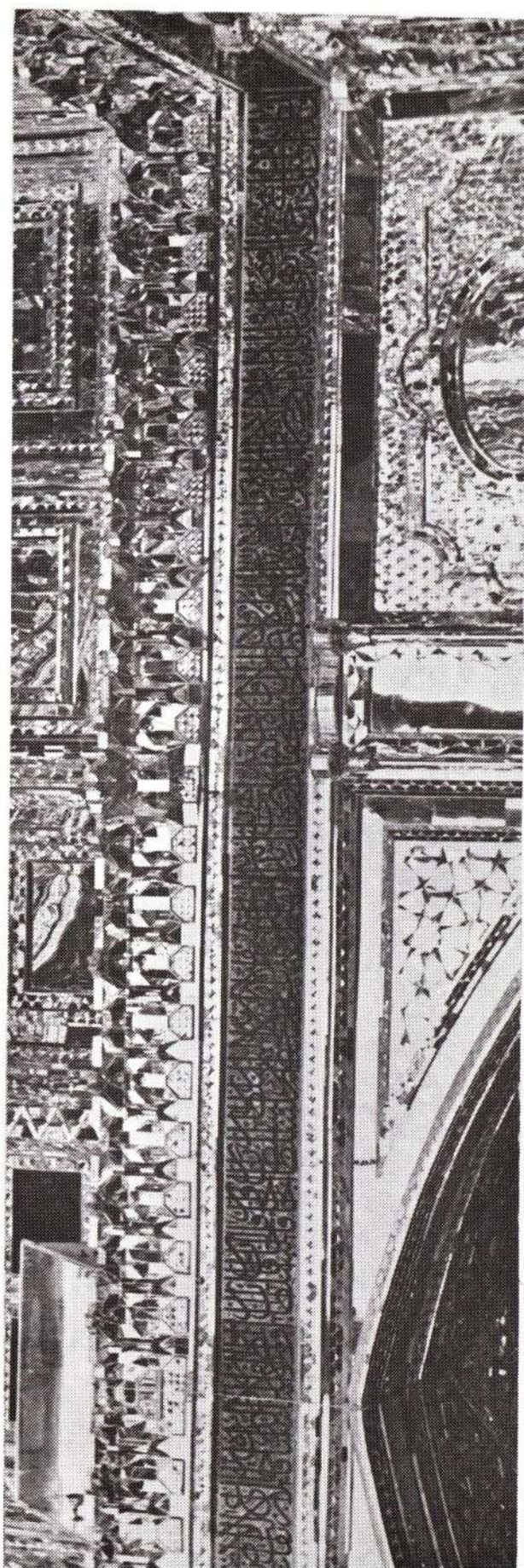
عکس شماره ۳۸ - نمونه‌ای از خط کتابه‌های ایوان طلا.



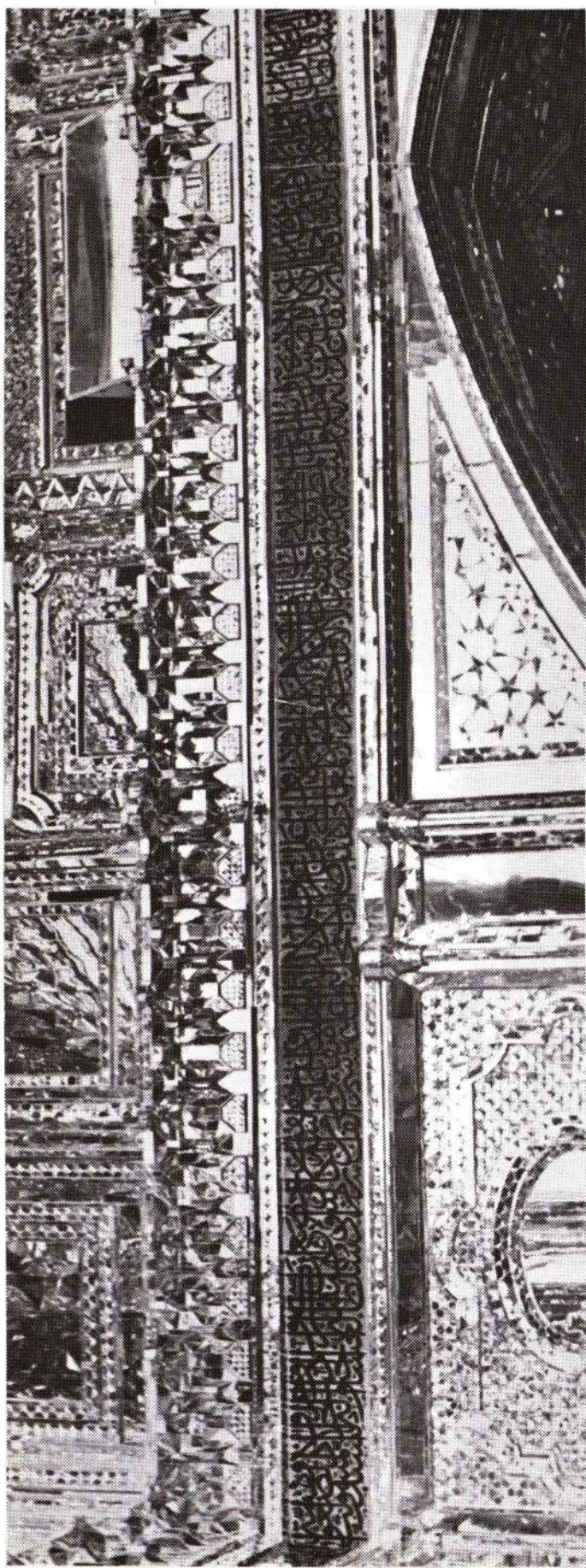
عکس شماره ۳۹ - بیت اول قصیده معجزیه، دور صحن عتیق.



عکس شماره ۴۰ - از ابیات قصیده معجزیه، دور صحن عتیق.



عکس شماره ۴۱ - کتابه دست راست ایوان آینه در صحن اتابکی.



عکس شماره ۴۲ - کتابه دست چپ ایوان آینه در صحن اتابکی.



عکس شماره ۴۳ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۴۴ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۴۵ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۴۶ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۴۷ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۴۸ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۴۹ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۵۰ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۵۱ - کتابه سر در ایوان آینه.



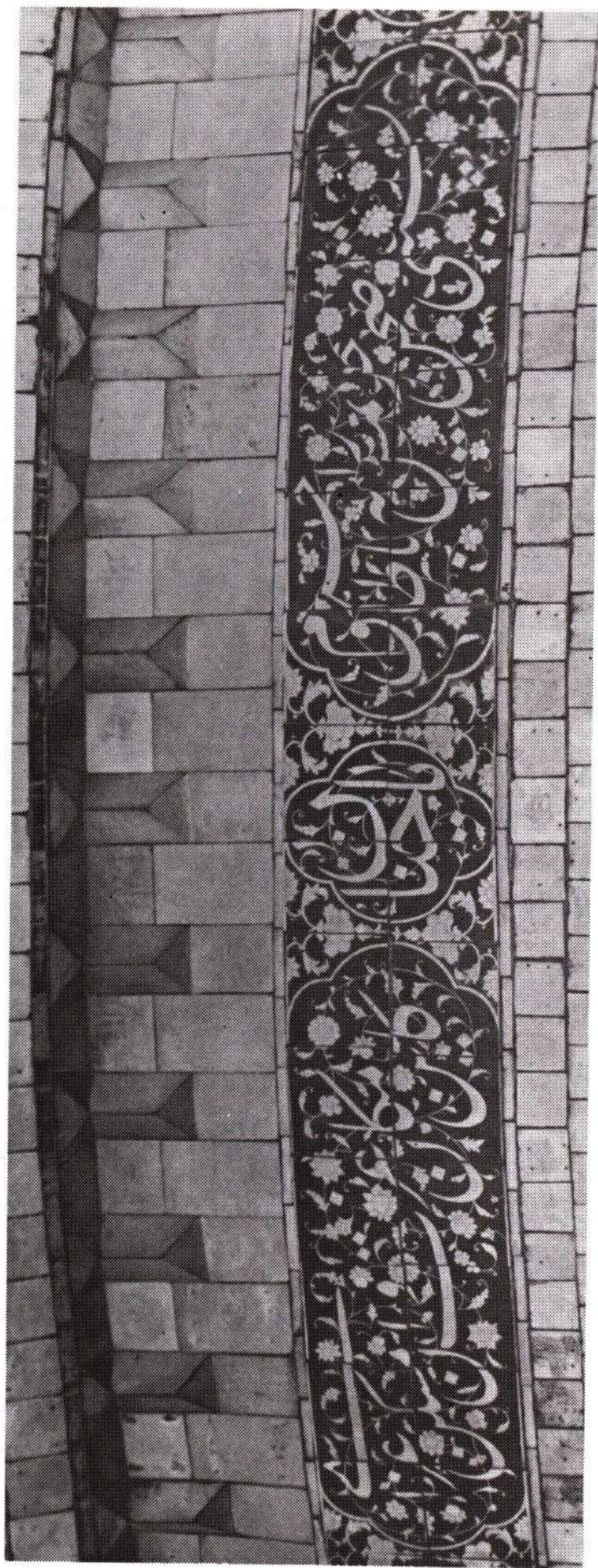
عکس شماره ۵۲ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۵۳ - کتابه سر در ایوان آینه.



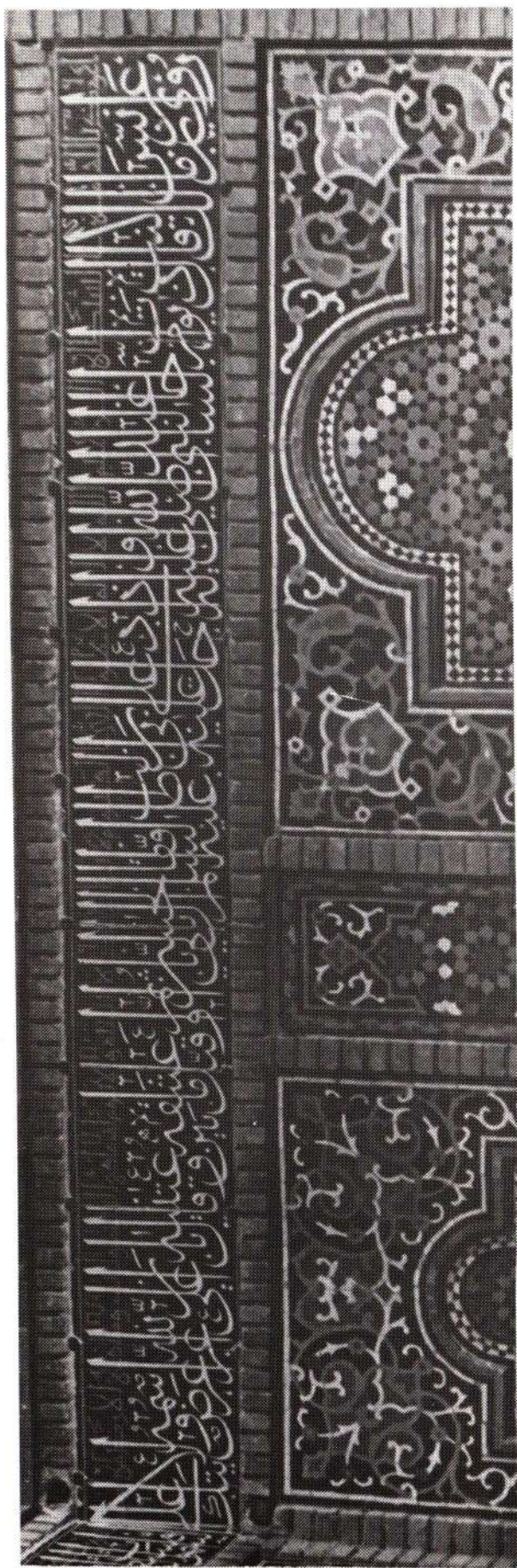
عکس شماره ۵۴ - کتابه سر در ایوان آینه.



عکس شماره ۵۵ - نمونه کتابه دور گنبد مرقد مطهر از بیرون.

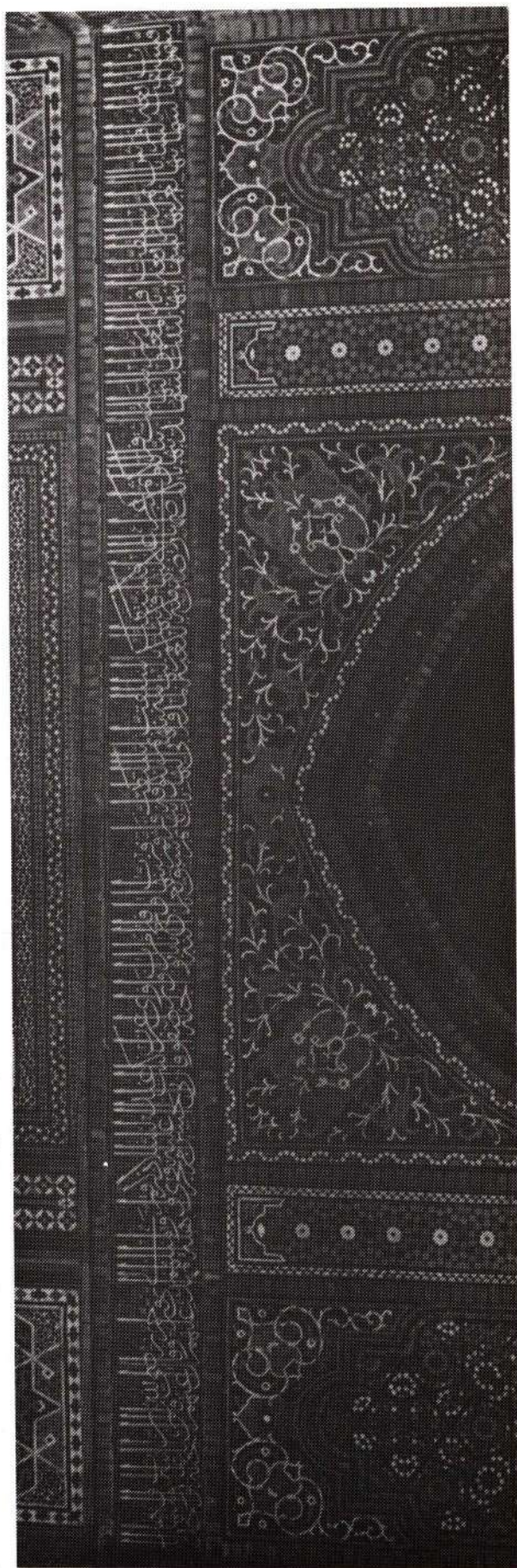


عکس شماره ۵۶ - کتابهای به خط نستعلیق میرزا عمو بر سر در ورودی دالان مدرسه فیضیه از طرف صحن عتیق.



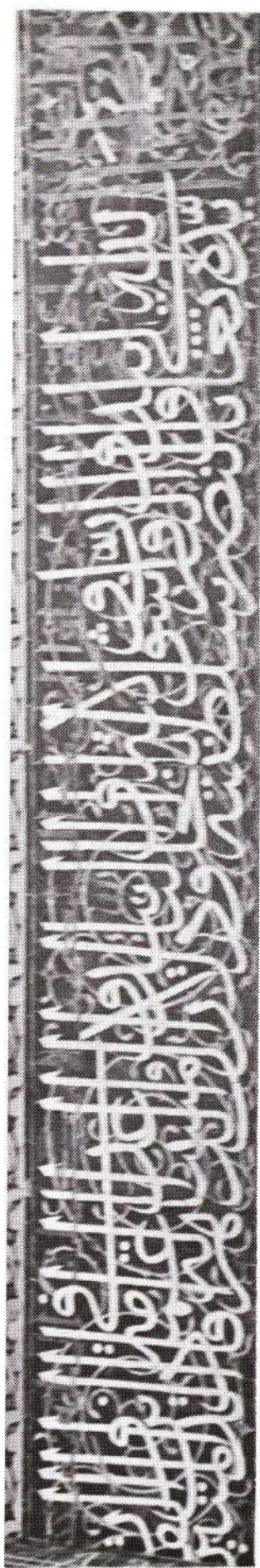
عکس شماره ۵۷ - کتابه بدنه دست راست در ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.

عکس شماره ۵۸ - کتابه بدنه وسط در ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.



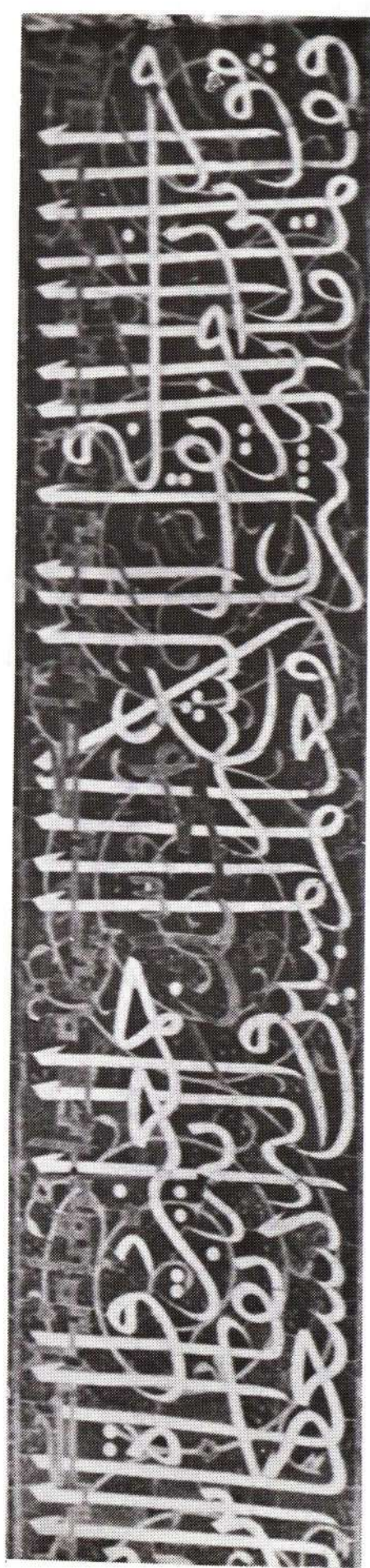


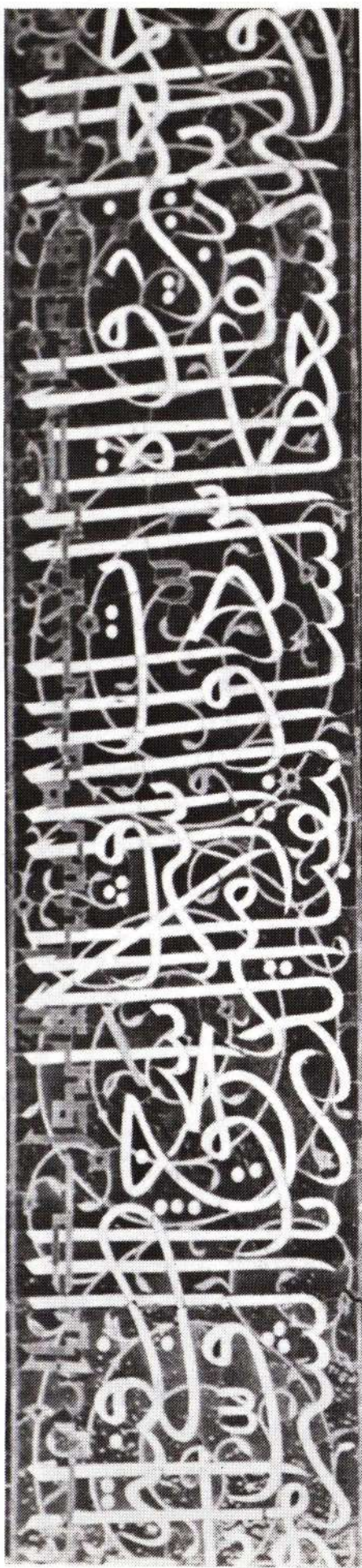
عکس شماره ۵۹ - نمونه‌ای از کتابه سردر ورودی شمالی مدرسه فیضیه.



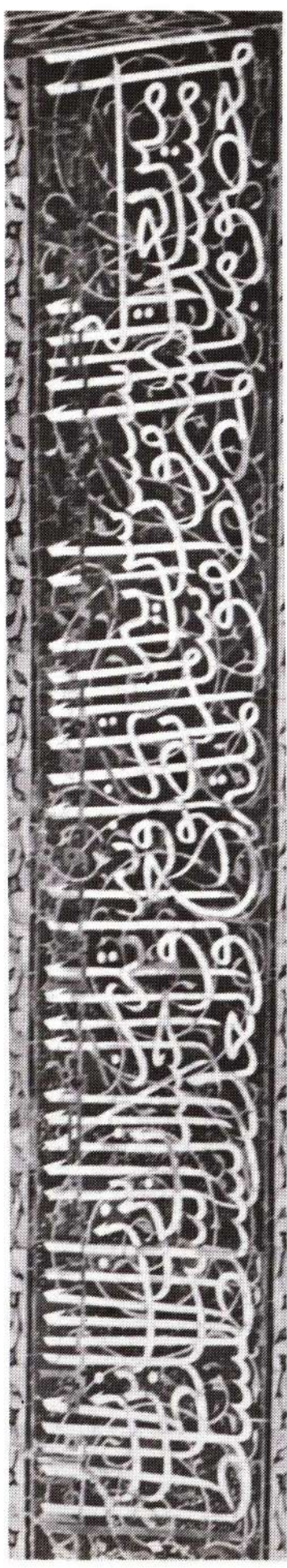
عکس شماره ۶۰ - کتابه بالای سردر مدرسه فیضیه از طرف مدرسه.

عکس شماره ۶۱ - قسمتی از کتابه بالای سردر ورودی مدرسه فیضیه.



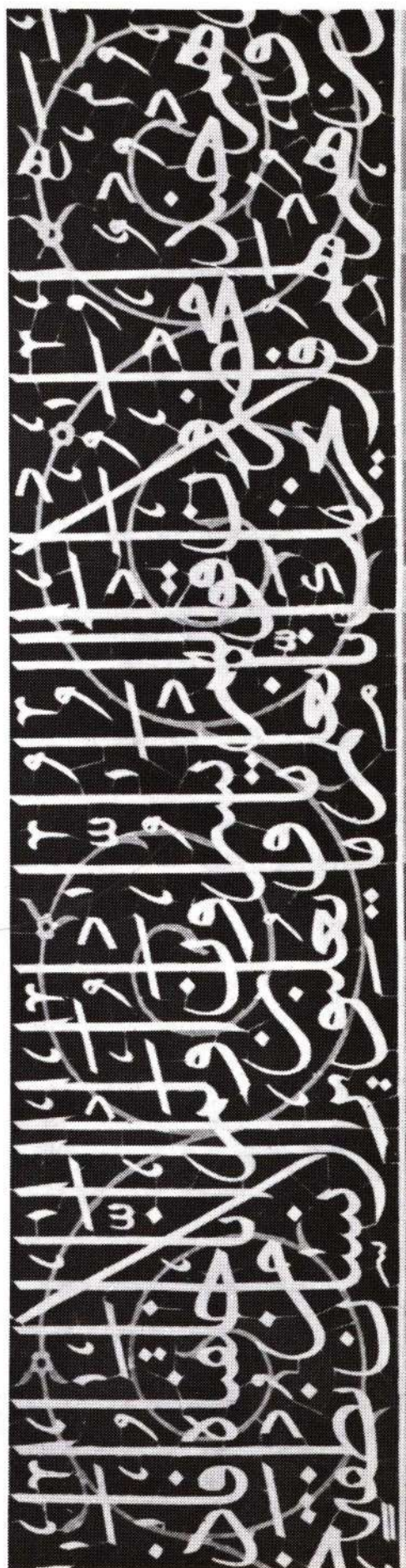


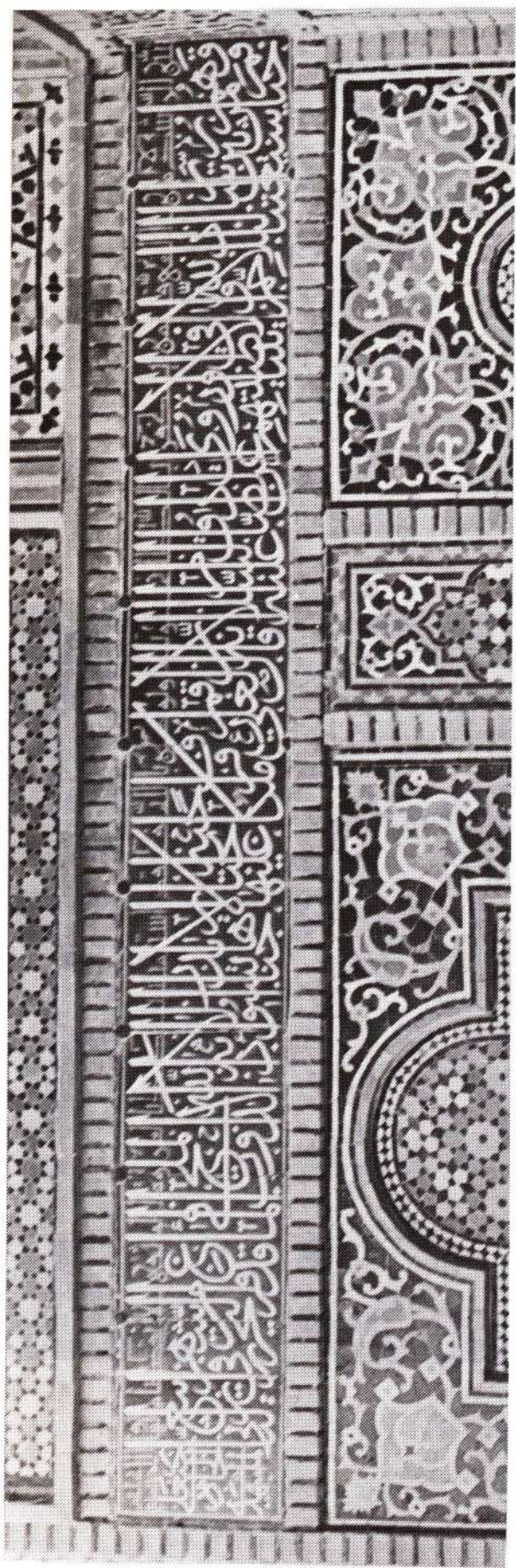
عکس شماره ۶۲ - قسمتی از کتابه بالای سر در مدرسه فیضیه از طرف داخل.



عکس شماره ۶۳ - قسمتی از کتابه بالای سر در مدرسه فیضیه از طرف داخل.

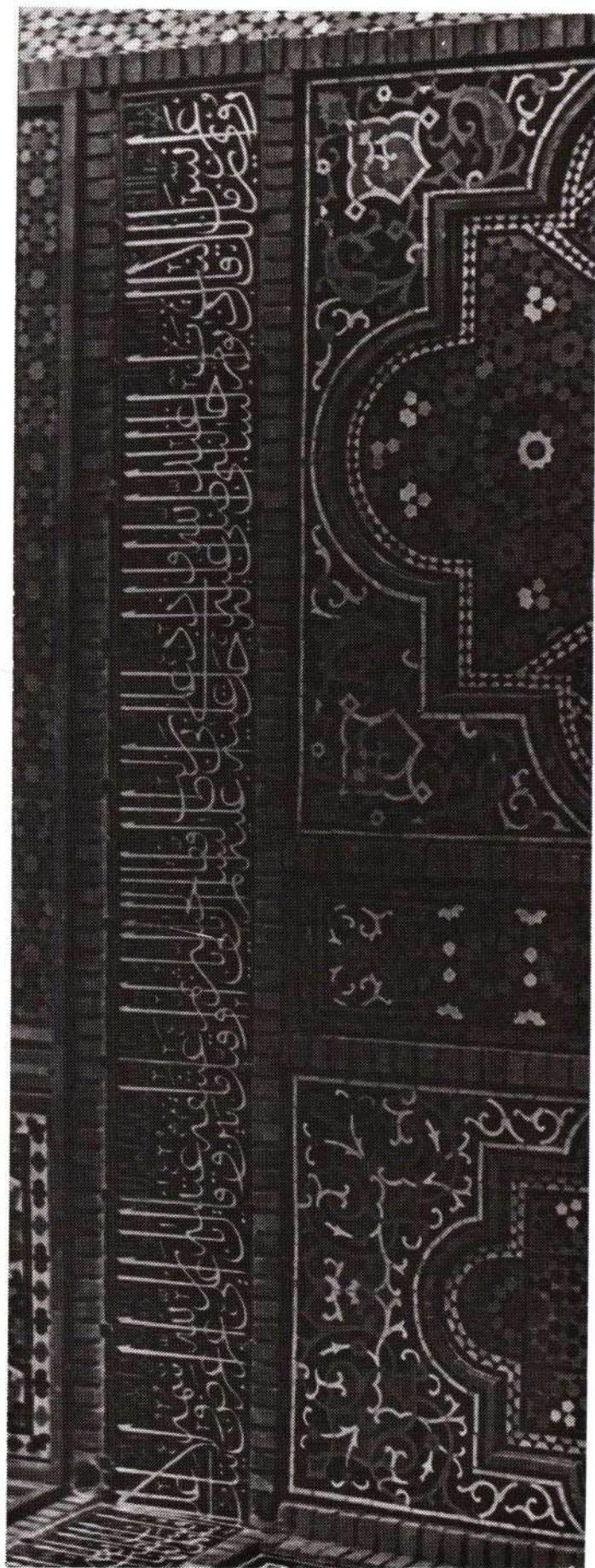
عکس شماره ۶۴ - از کتابه های مدرسه فیضیه.





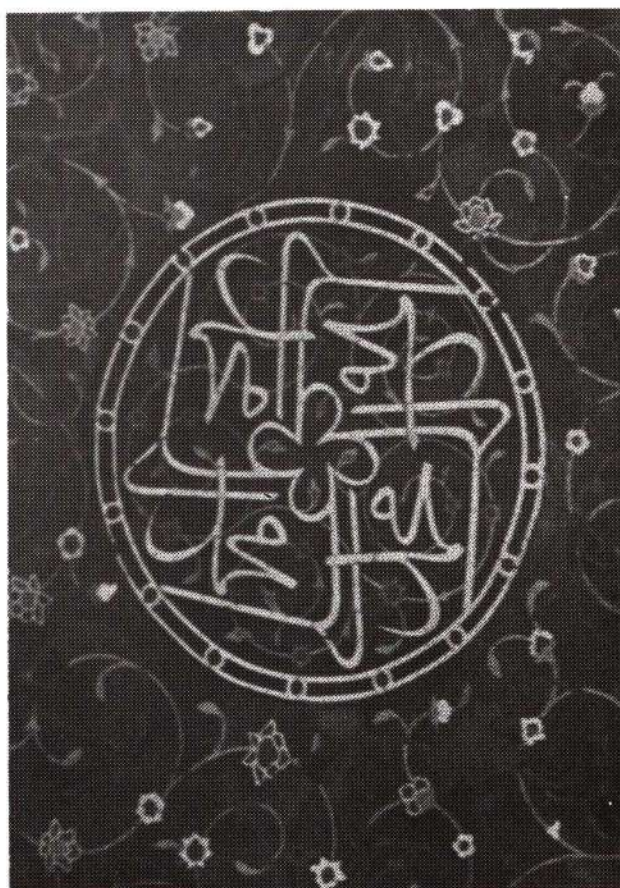
عکس شماره ۶۵ - کتابه سردر ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.

عکس شماره ۶۶ - کتابه در ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.





عکس شماره ۶۷ - نمونه‌ای از خط ثلث در ورودی جنوبی مدرسه فیضیه.



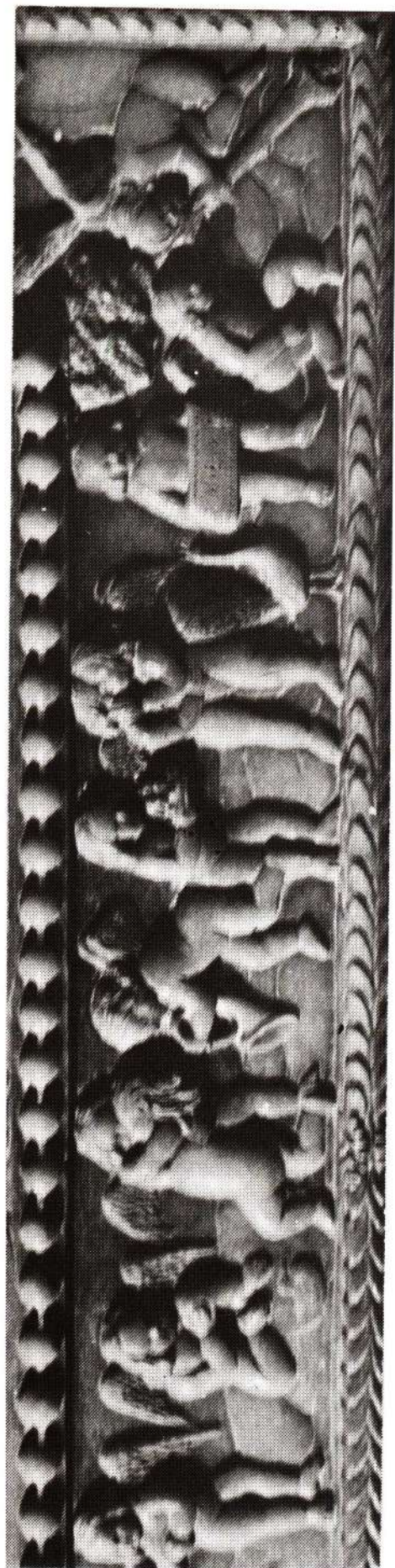
عکس شماره ۶۸ - نقشی از ترکیب نام چهار محمد و چهار علی بر طرفین سردر ورودی مدرسه فیضیه.



عکس شماره ۶۹- سنگ قبر مهدعلیا همسر محمد شاه و مادر ناصرالدین شاه قاجار.

عکس شماره ۷۰ - قسمت بالای سنگ قبر مهدعلیا - مادر ناصرالدین شاه - در یکی از مقبره‌های

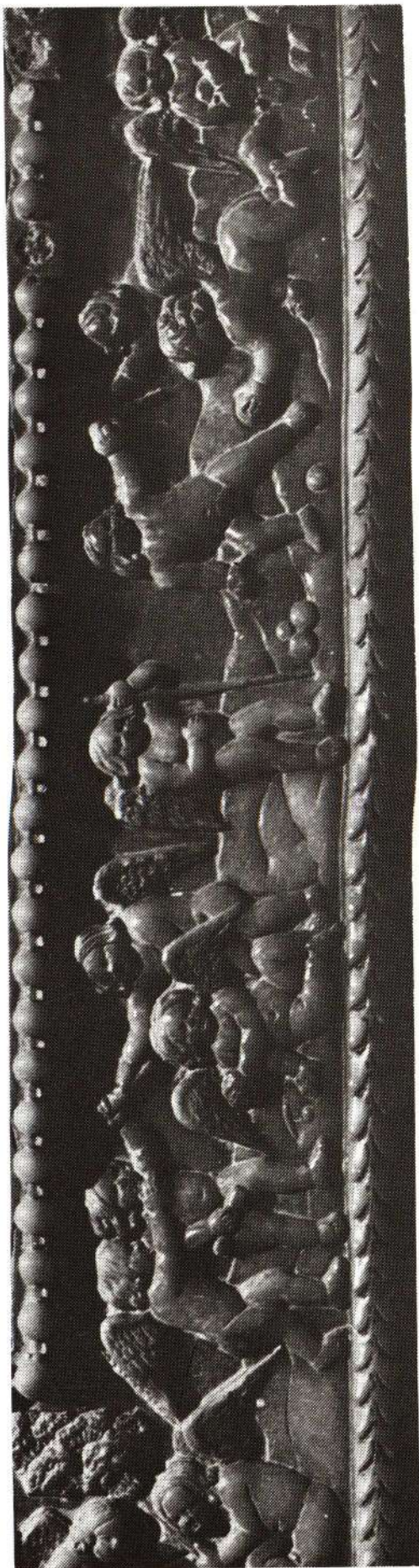




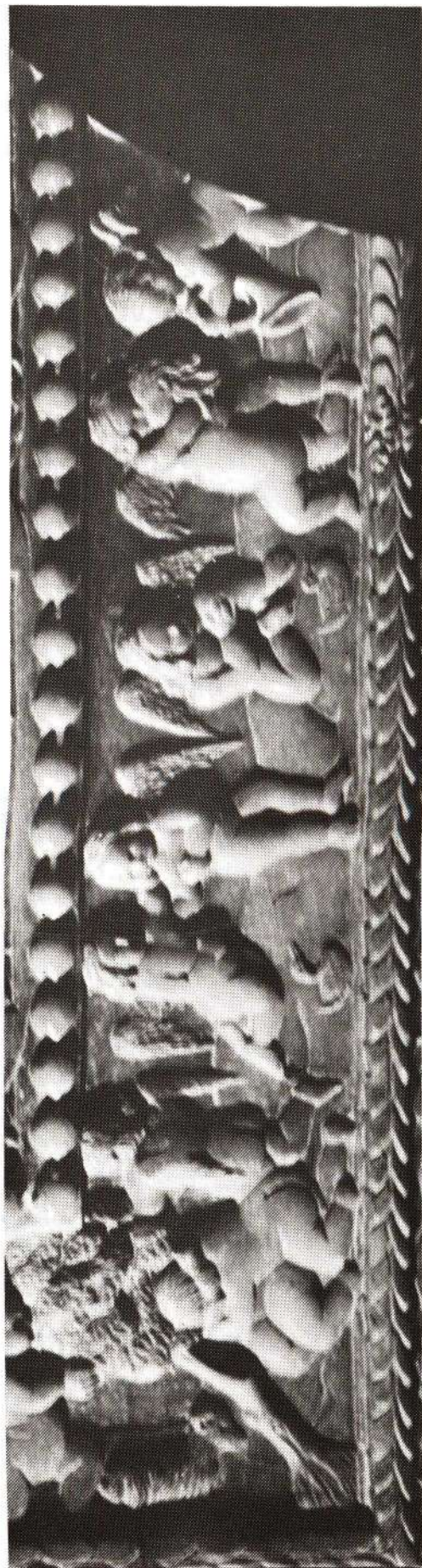
عکس شماره ۷۱ - مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.

عکس شماره ۷۲ - مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.





عکس شماره ۷۳ - مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.



عکس شماره ۷۴ - مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.



عکس شماره ۷۵ - منظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.



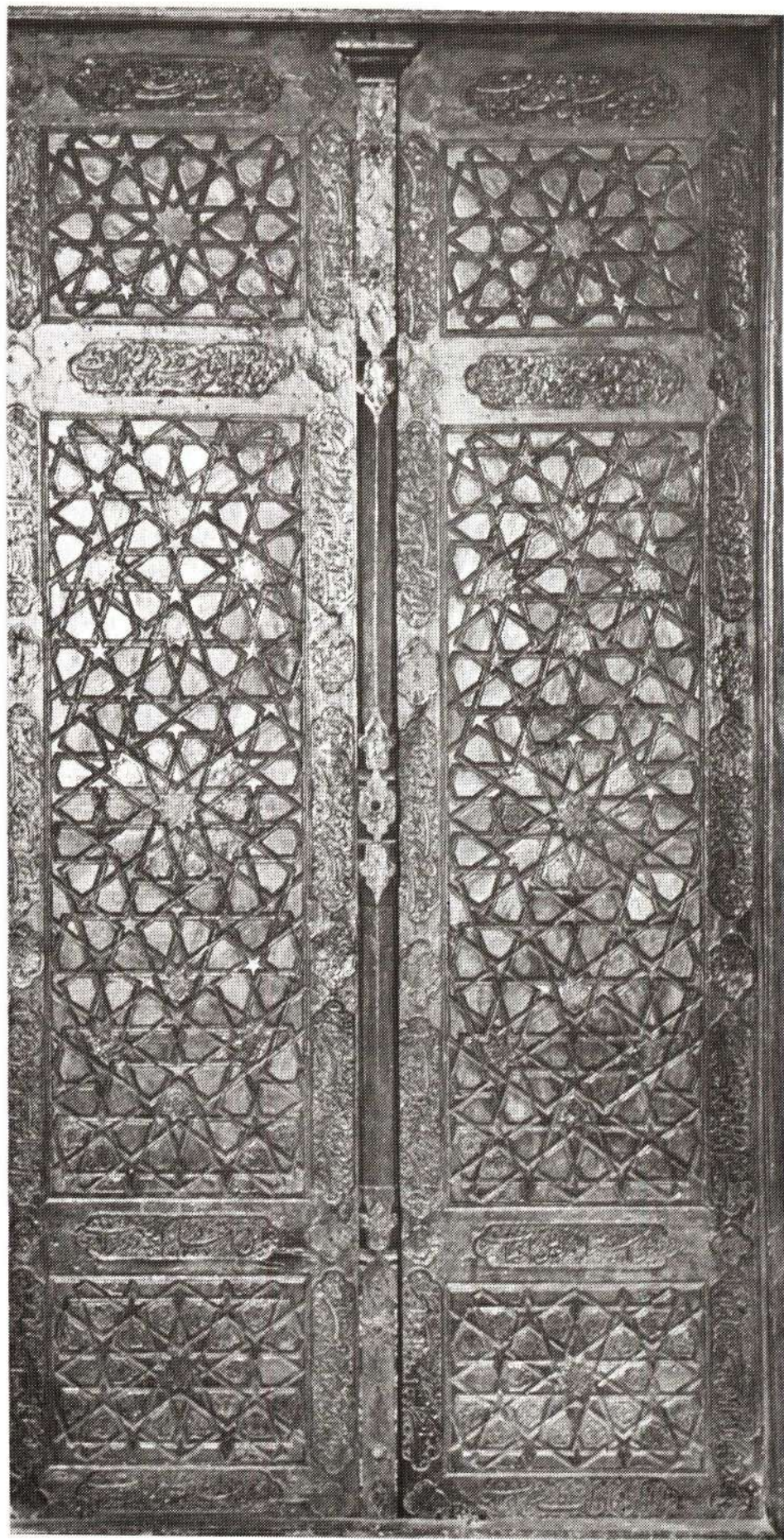
عکس شماره ۷۶ - منظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.



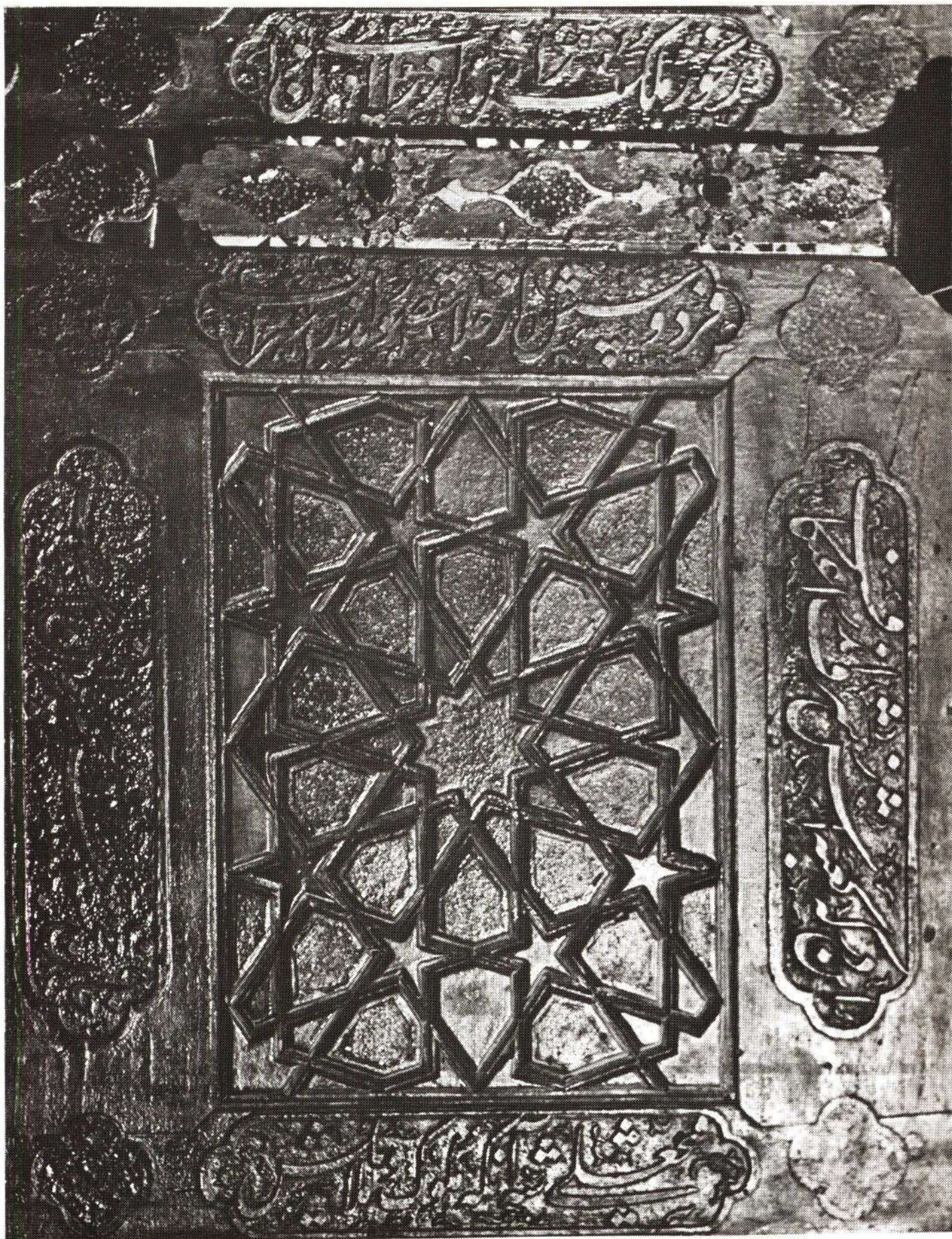
عکس شماره ۷۷ - مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا.



عکس شماره ۷۸ - مناظری از زندگی در بهشت دور سنگ قبر مهدعلیا، کار قم: عمل حاجی محمدعلی حجاز طهرانی ومیرزا علی اکبر ولد مشاء الیه.



عکس شماره ۷۹ - درِ دو لنگه‌ای شرقی مقبره فتحعلی شاه در صحن عتیق.



عکس شماره ۸۰- نمونه خط نستعلیق در ورودی دو لنگه شرقی مقبره فتحعلی شاه در صحن عتیق.



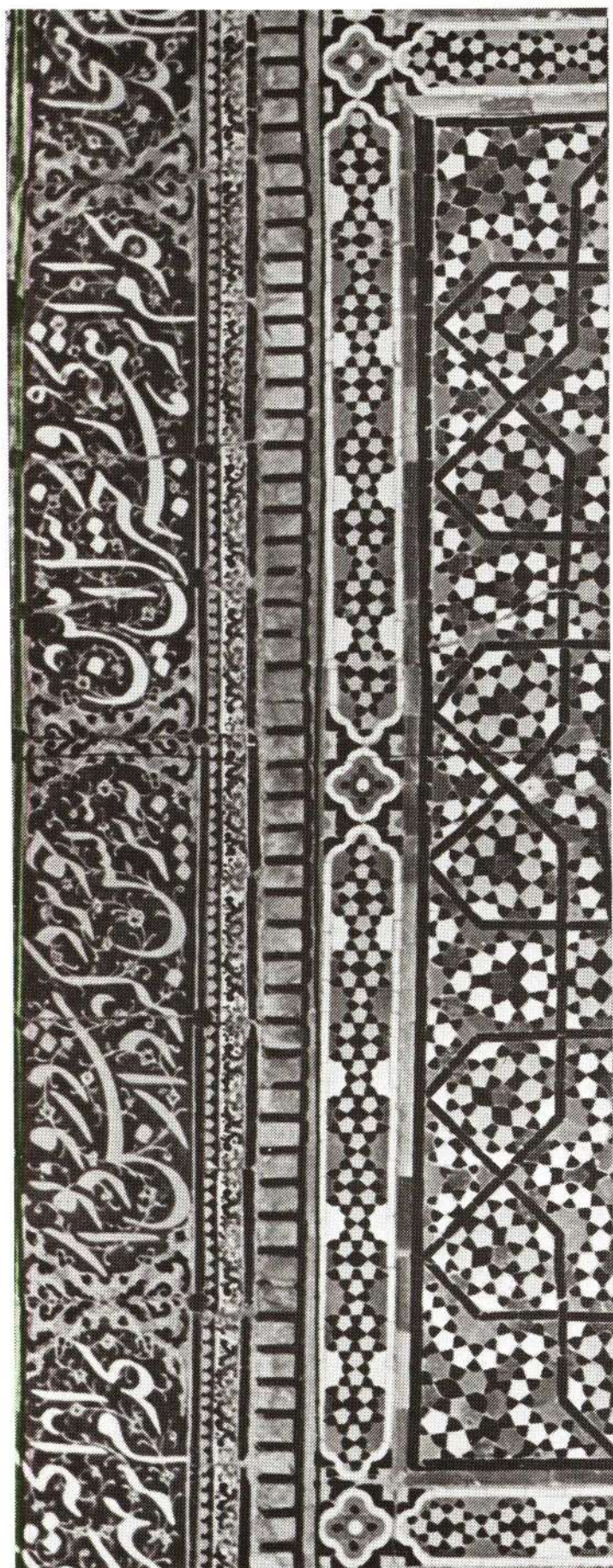
عکس شماره ۸۲- سنگ قبر محمد شاه قاجار در یکی از مقبره‌های صحن عتیق.



عکس شماره ۸۳ - نمونه خط نستعلیق بر سنگ قبر فتحعلی شاه قاجار.

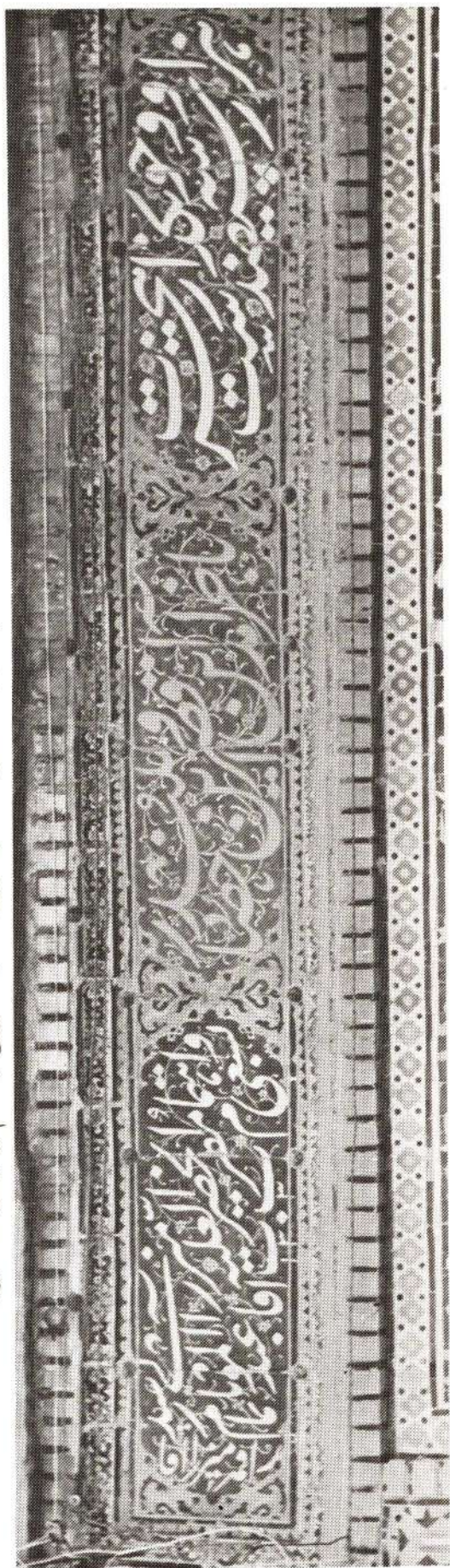


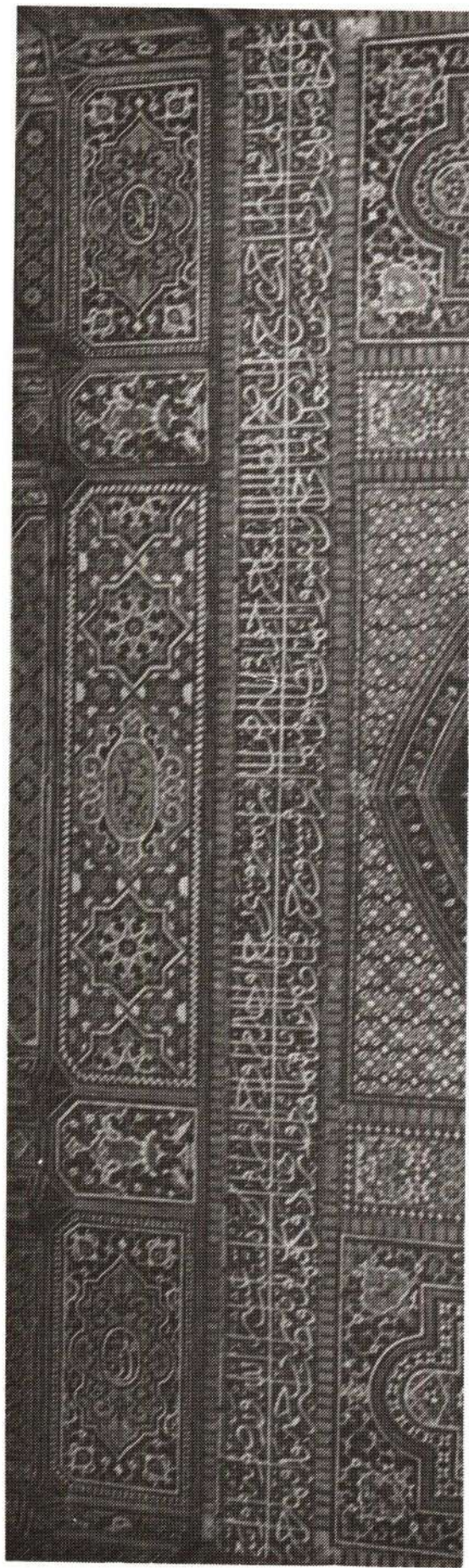
عکس شماره ۸۴ - نمونه خط نستعلیق بر سنگ قبر محمد شاه قاجار.



عکس شماره ۸۵ - نمونه‌ای از کتابه دور صحن اتابکی.

عکس شماره ۸۶ - انتهای کتابه صحن اتابکی. بسیعی و اهتمام مقرب الحضرت العلیه میرزا آقا عبدالمولی باتمام رسید راقمه میرزا آقا.

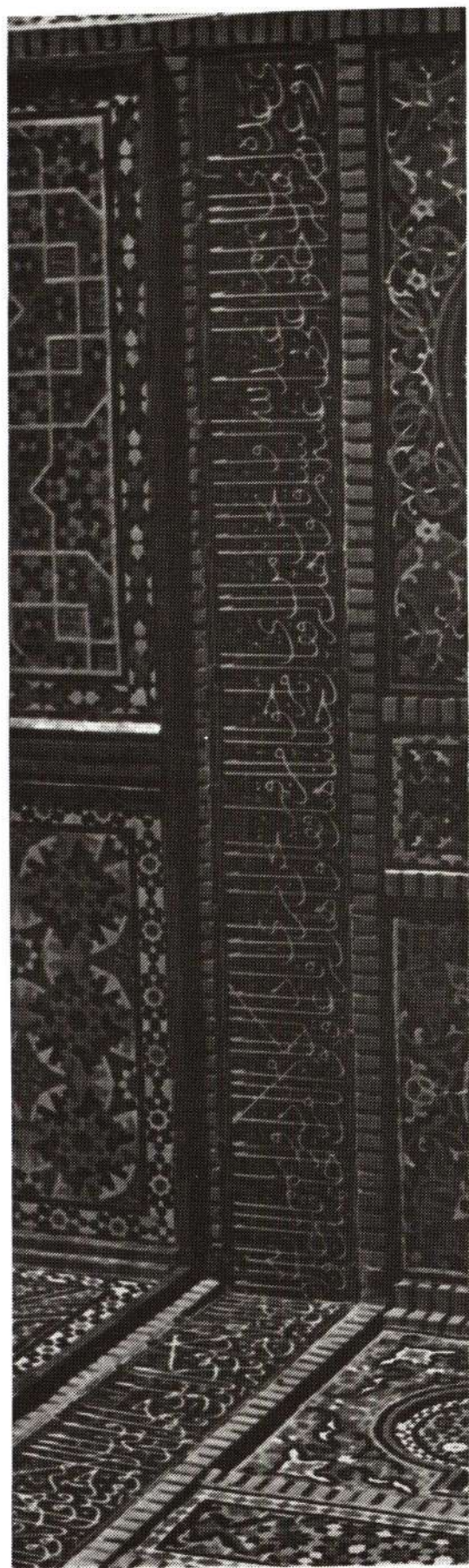




عکس شماره ۸۷- کتابه بالای در ورودی شرقی صحن اتابکی روبه روی ایوان آینه.

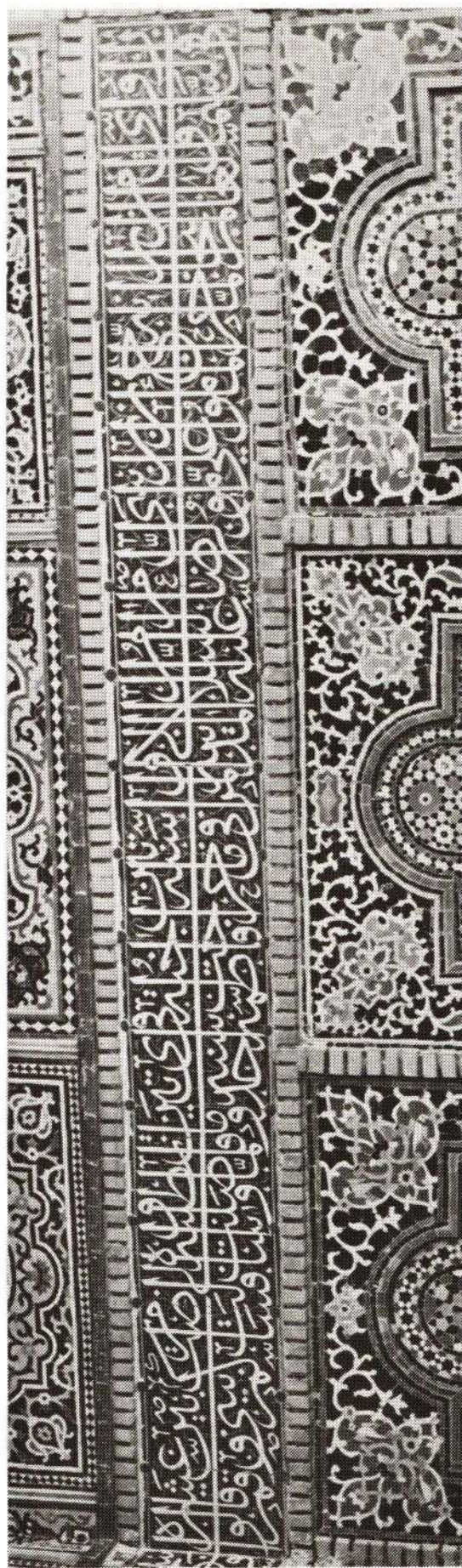


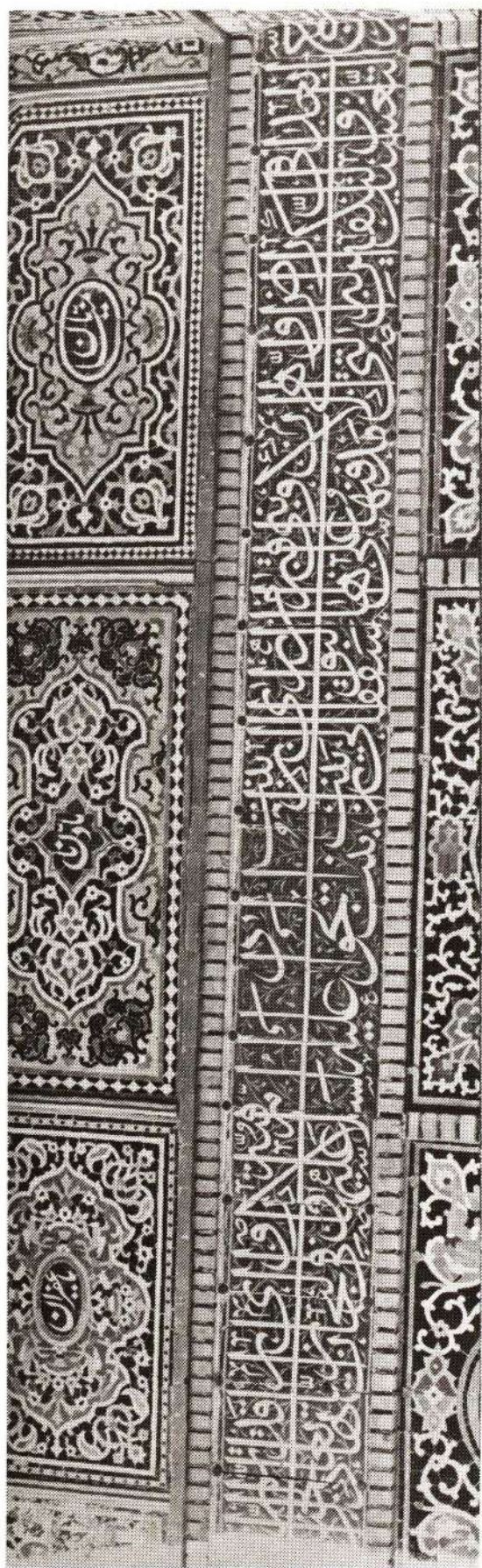
عکس شماره ۸۸- نمونه ای از کتابه ایوان در ورودی شرقی صحن اتابکی.



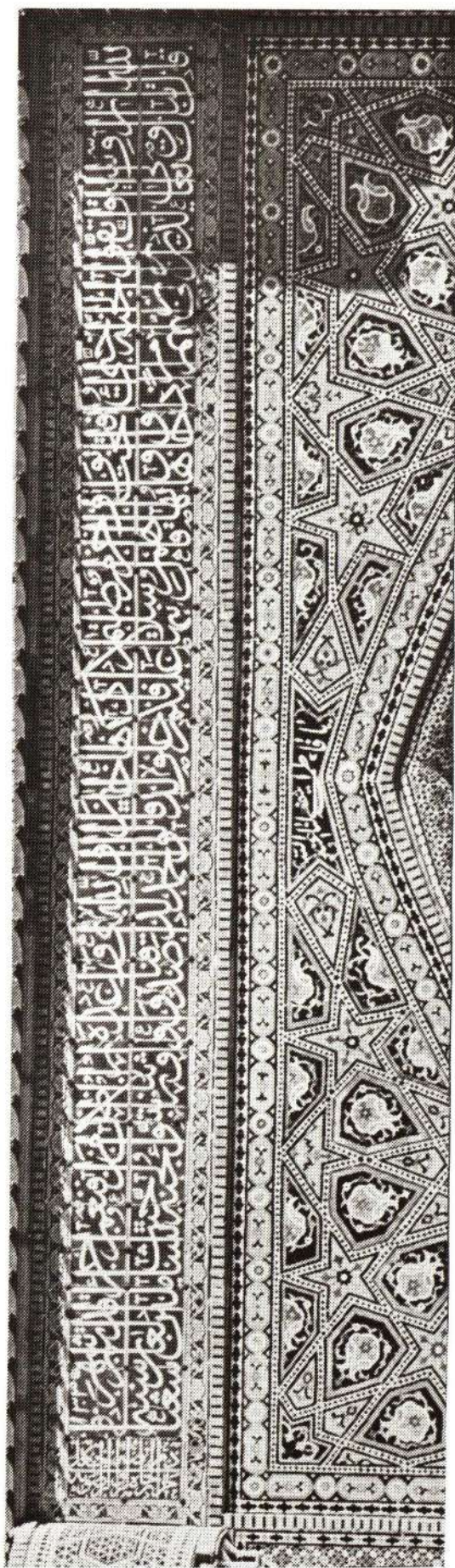
عکس شماره ۸۹- کتابه ایوان در ورودی شرقی صحن اتابکی روبه روی ایوان آینه.

عکس شماره ۹۰- کتابه ایوان در ورودی شرقی صحن اتابکی روبه روی ایوان آینه.





عکس شماره ۹۱ - کتابه سردر و رودی شرقی صحن اتابکی رویه روی ایوان آینه.



عکس شماره ۹۲ - کتابه بالای در و رودی شمالی صحن اتابکی.

فهرست اعلام

اخترالدوله (دختر ناصرالدین شاه و همسر ارشدالدوله): ۵۱.
 ارشدالدوله (داماد ناصرالدین شاه): ۵۱.
 ارض قم: ۹۶.
 آزمن: ۶۳.
 استرآباد گرگان: ۶۱.
 اسدالله شیرازی: ۷۳.
 اسدالله عابدین (نصاب): ۳۴.
 اسکندر خان: ۹۱.
 اسلام: ۵۰.
 اسماعیل صفوی [شاه...]: ۱.
 اسمعیل بن ابراهیم استرآبادی (خطاط): ۱۰۰.
 اشرف الدوله (دختر صدراعظم نوری): ۷۹.
 اصفهان: ۸، ۶۰، ۶۸، ۶۹، ۷۰.
 اصفهانی، محمدحسین: ۴۶.
 اعتصامی، پروین: ۸۸.
 اعتصامی یوسف: ۸۸.
 اعتضادالدوله (داماد ناصرالدین شاه): ۵۱.
 اعلم السلطنه، میرزا کاظم خان: ۹۰.
 اعلیحضرت همایون ← محمد رضا شاه پهلوی.
 افراسیاب: ۵۷.

آ

آب انبار مدرسه دارالشفاء: ۱۰۵.
 آذربایجان: ۶۱، ۶۸.
 آستانه حضرت رضا (ع): ۲.
 آستانه مقدسه قم: ۲۲، ۲۴.
 آقا مجید (شاعر): ۴۷.
 آق قویونلو ترکمانیه: ۶۱.
 آیه الله زاده قمی ← حاج سید محمد طباطبائی.

الف

ابراهیم: ۳۸.
 ابن شهر آشوب: ۸۸.
 ابوالحسن محمد بن علی بن موسی الرضا: ۹۹.
 ابوطالب الحسینی الخطیب القمی (کاتب): ۱۱۱.
 ابوالفتح میرزا ملقب به عضد السلطان: ۷۷.
 ابوالفضل بن فضل الله: ۱۰۱.
 ابوالقاسم محمد خاتم النبیین ← محمد مصطفی (ص).
 احترام السلطنه (همسر صنع الدوله): ۶۰.
 احمد بن محمد نصیر الرضوی گلپایگانی: ۷۱.
 احمد محمود ← محمد المصطفی (ص).

اميراصلان خواجه نوری نظام الدوله (نوة ميرزا آقاخان صدر اعظم نوری): ۷۹.

امير شرف الدين اسحق بن تاج الشرف الموسوي: ۹۹.
امير كبير نايب السلطنة: ۷۷.

امير المؤمنين علي (ع): ۳، ۶، ۲۶، ۴۰، ۴۷، ۵۷، ۶۸، ۷۱، ۹۳، ۹۴، ۹۸.

امين الحضرة، محمد علي: ۹۱.

امين دارالضرب، حاجي محمد حسن: ۹۳.

امين السلطان، محمد ابراهيم خان: ۹۱.

امين الملك، ميرزا اسمعيل خان: ۹۱.

انور السلطنة (دختر ناصر الدوله فرمان فرما): ۷۳.

اهل قم: ۹۵، ۹۸، ۹۹.

اياز: ۵۲.

اياصوفيه: ۸۱.

ايران: ۱، ۲، ۳۵، ۴۱، ۵۷، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۸۹، ۱۰۱.

ايرانيان ترك: ۶۴.

ايل قاجار: ۵۰، ۶۱.

ايوان آينه: ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۴۵، ۴۶، ۴۷.

ايوان زير شاه نشين مدرسه فيضيّه: ۱۰۳.

ايوان شاه طهماسبی: ۱۰۲.

ايوان طلا: ۱۴، ۲۲، ۲۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۴۸، ۶۹.

ب

الباقر ← امام الباقر (ع).

البتول (س): ۳، ۴۰.

بحرینی عشقی، عباس (کاتب): ۸۸.

بروجردی، تقی خان (مرمت کنندة بركة دارالشفاء): ۱۰۸.

برهانی، مهدی [سيد...]: ۳۶.

بلدان ايران: ۶۷.

افسر الدوله (دختر ناصر الدين شاه قاجار): ۵۱.

اقبال، عبد الوهاب (نايب التولية): ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۳۷، ۸۷.

اقدس السلطنة (دختر مظفر الدين شاه): ۵۱.

اقلیدس: ۶۷.

اکرام الدوله ← سكينه.

البرزکوه: ۶۳.

امام الباقر (ع): ۳، ۷، ۲۳، ۲۶، ۳۱، ۴۰، ۶۸.

امام الحسن (ع): ۳، ۷، ۴۰، ۶۸.

امام الحسن العسكري (ع): ۳، ۷، ۳۲، ۴۰، ۶۸.

امام الحسين (ع): ۳، ۷، ۲۳، ۲۶، ۴۰، ۶۸، ۱۰۶.

امام زين العابدين علي (ع): ۳، ۷، ۲۳، ۳۱، ۴۰، ۶۸.

امام صادق جعفر (ع): ۳، ۷، ۹، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۲، ۳۹، ۴۰، ۶۸.

امام علي الرضا (ع): ۲، ۳، ۷، ۸، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۴۰، ۶۸، ۹۶، ۹۸.

امام علي النقي (ع): ۳، ۷، ۴۰، ۶۸.

امام محمد النقي (ع): ۳، ۷، ۴۰، ۶۸.

امام موسى الكاظم (ع): ۳، ۷، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۶، ۴۸، ۸۶.

امام المهدي الهادي محمد صاحب الزمان (ع): ۳، ۷، ۳۳، ۴۰، ۶۸.

امامزاده جی: ۶۹.

امامزاده حمزه: ۶۹.

امامزاده داود: ۶۹.

امامزاده زید: ۶۹.

امامزاده صالح: ۶۹.

امامزاده قاسم: ۶۹.

امامی اصفهانی، محمدرضا (خطاط): ۳۴.

امان الله خان بهاء الملك: ۹۳.

بندر شوشتر: ۶۹.

بوعلی سینا: ۹.

بهاءالملک، امان‌الله خان: ۹۳.

بهاءالملک همدانی قراگوزلو، علی‌قلی خان: ۹۳.

بهاءالملوک ← زهرا خانم.

بی‌بی فاطمه زبیده: ۶۹.

بیژن: ۶۱.

جبریل: ۳۰، ۴۱، ۸۷.

جمشید (شاه کیانی): ۱۳.

جهانسوز شاه ← حسینقلی خان قاجار: ۶۱.

ج

چهل چراغ برنجین (در موزه آستانه): ۱۰۹.

چین: ۸۱.

پ

پادشاهان روس: ۶۶.

پادشاهان فرنگ: ۶۶.

پیغمبر (ص) ← محمدالمصطفی (ص).

ح

حاج سید ابوالفضل (تولیت): ۸.

حاج سید محمد طباطبائی (معروف به آیه‌الله زاده قمی): ۳۹.

حاج شیخ عبدالکریم (پسر محمدجعفر مهرجردی یزدی): ۳۹.

حاج میرزا محمدباقر متولی‌باشی: ۱۷.

حاج میر سید حسین متولی‌باشی: ۱۰، ۴۷.

حاجی امین دارالضرب: ۹۳.

حاجی حسین ابن مشهدی اکبر طهرانی: ۱۰۹.

حاجی حسین آقاسی مهدوی (پسر حاجی محمدحسن امین دارالضرب): ۹۳.

حاجی سید اسماعیل (پسر سید صدرالدین عاملی موسوی): ۳۹.

حاجی سید صدرالدین (نوه سید صدرالدین عاملی موسوی): ۳۹.

حاجی سید محمدتقی خوانساری بن سید اسدالله: ۳۹.

حاجی علیخان خاکی حجاز قمی: ۸۸.

حاجی مجدالدوله (همسر فخرالدوله): ۴۹، ۵۰، ۵۱.

حاجی محمدرحیم ابن محمدتقی (واقف چهل چراغ برنجین): ۱۰۹.

حاجی محمدعلی حجاز طهرانی: ۴۹، ۵۷.

حاجی میرزا عبدالباقی الهاشمی العلوی الفاطمی الموسوی: ۷۴.

ت

تاج خانم: ۷۳.

تبریز: ۵۷، ۱۰۹.

تخت سلیمانی: ۶۶.

تخت کیان: ۴۸.

ترک بن یاقوت بن نوح (مشهور به یاقوت اوغلان): ۶۱.

ترکمانان: ۶۱.

التقی ← امام محمدالتقی (ع).

تقی خان بروجردی: ۱۰۸.

تکیه سیدالشهداء: ۶۹.

توران زمین: ۵۷.

تهران: ۵۷.

ج

جام جم: ۱۰۱.

جانی بیگم: ۷۳.

جبرئیل ← جبریل.

حاجیه بیگم خان (دختر عباس میرزا نایب السلطنه): ۷۸.

حاجیه شاهزاده خانم ← شاهزاده صاحب خانم.

حاجیه طوبی خانم (دختر عباس میرزا نایب السلطنه): ۷۸.

حسیه خانم مسعود همدم السلطنه (دختر میرزا یوسف

مستوفی الممالک): ۷۳.

حجّار طهرانی، محمدعلی [حاجی...]: ۴۹، ۵۷.

حجاز: ۵۲، ۵۵.

حجة الاسلام حاجی میرزا محمد رفیع نظام العلماء: ۹۲.

حدود خراسان: ۶۸.

حرم پایین پای: ۲۷.

حسام السلطنه (فاتح هرات): ۵۱.

الحسن ← امام الحسن (ع).

حسن خان قراگوزلو (پسر علی قلی خان قراگوزلو بهاء الملک):

۹۴.

الحسین ← امام الحسین (ع).

حسین پرورش زرگر اصفهانی (سازنده ضریح ۱۳۴۸ ش.):

۱۱.

حسینقلی خان (ملقب به جهانسوز شاه): ۶۱.

حسینقلی خان نظام السلطنه (هدیه کننده درهای سیمین): ۱۷،

۱۹، ۲۱.

الحسینی المرعشی النجفی، شهاب الدین: ۸۸.

حضرت رضا ← امام علی الرضا (ع).

حضرت عباس (ع): ۶۹.

حضرت معصومه (س): ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۰، ۲۲،

۲۳، ۲۶، ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۵۰،

۶۸، ۶۹، ۷۱، ۸۷، ۹۶، ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷،

۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰.

حمام شاه نجف: ۶۹.

حمزه میرزا (پسر فتحعلی شاه): ۵۹.

حیدر قمی: ۷۳.

خ

خاک فرج: ۶۹.

خاک قم: ۵۳، ۶۹.

خاکی، علیخان [حاجی...]: (حجّار قمی): ۸۸.

خاندان مهدوی: ۹۳.

خدیجه خانم قراگوزلو (دختر محمود خان ناصرالملک): ۹۳.

خدیجه سلطان خانم (ضبیعة محمدابراهیم امین السلطان): ۹۱.

الخرائج: ۸۸.

خراسان: ۶۸.

خزر: ۶۶.

خسروطوس ← امام علی الرضا (ع).

خط ثلث: ۳، ۴، ۶، ۸، ۲۷، ۳۴، ۳۷، ۴۶، ۹۹، ۱۰۰،

۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۱.

خط کوفی: ۴، ۴۷، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۹.

خط کوفی معقلی: ۴۷.

خط نستعلیق: ۸، ۱۲، ۱۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۶،

۴۱، ۴۶، ۴۷، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸.

خط نسخ: ۳، ۵.

خط طوس: ۴۸.

خط طهران: ۶۷.

خلیل (ع): ۱۰، ۱۵.

خوانساری، محمد تقی [حاجی سید...]: ۳۹.

خیابان موزه: ۸۷.

د

دارالایمان قم: ۱۰۰.

دارالملک فارس: ۶۲.

دانش (تخلص شاعرانه): ۱۴.

داود خان (پسر منوچهر گرجی): ۵۲.

دبيرالدوله [حاجی...]: ۸۹.

دفترالملوک (همسر شاهزاده ابوالفضل ميرزا): ۷۷.

دوران اسلامي: ۲، ۱.

دولت خاقان مبرور: ۶۹.

دولت صفويّه: ۶۱.

س

سادات نياك لاريجان: ۶۹.

ساوه: ۱۰۱.

السجاد ← امام زين العابدين علي (ع).

سدّ دربند: ۶۳.

سرّدرِ صحن اتابكي: ۹۵، ۹۶.

سعادت آباد: ۷۰.

سعد الملك (برادر حسينقلي خان نظام السلطنه): ۱۹.

سکينه معروف به اکرامالدوله (دختر عباس ميرزا ملک آرا):

۷۷.

سلاطين صفوي: ۱.

سلاطين روم: ۶۶.

سلاطين فرنگ: ۶۶.

سلطان حميد ميرزا ناصرالدوله: ۷۳.

سلطان روم: ۶۶.

سلطاني قمی: ۱۰۰.

سليمان (ع): ۹، ۶۴.

سنگ قبر حاجي مجدالدوله: ۵۰.

سنگ قبر فتحعلي شاه قاجار.

سنگ قبر قطب راوندي: ۸۸.

سنگ قبر محمد شاه قاجار: ۷۶.

سنگ قبر علي نقی ميرزا رکن الدوله: ۷۶.

سنگ قبر فخرالدوله: ۴۹.

سنگ قبر مهدعلي: ۴۹.

سنگ قبر معتمدالدوله: ۵۱.

سنگ قبر ميرزا حسن خان مستوفي الممالک: ۷۲.

سنگ قبر ميرزا حسن خان وثوق: ۸۹.

سنگ قبر ميرزا علي اصغر اتابک: ۹۰.

سنّار: ۶۷.

ذ

ذوالفقار خان (پسر ميرزا آقا خان صدراعظم نوري): ۸.

ر

رجبعلی الخادم المشهدی: ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹.

رضا (ع) ← امام علي الرضا.

الرضا ← امام علي الرضا (ع).

رضوی گليپگانی، احمدبن محمدنصير: ۷۱.

رواق بالاسر مرقد مطهر: ۲۹.

روح القدس: ۲۳، ۵۶.

روس: ۶۳، ۶۶.

روم: ۴۱، ۶۳، ۶۵.

ری: ۷۰.

ز

زبيده خانم (ضحيعة حاجي بهاءالدوله): ۵۹.

زهرا (س) ← حضرت معصومه (س).

زهرا (دختر محمد شاه قاجار): ۷۷.

زهرا افتخار السلطنه ناصري قاجار (دختر ناصرالدين شاه): ۷۹.

زهرا خانم (ملقب به بهاءالملوک، صبيّة شاهزاده حاجي بهاء -

الدوله): ۵۹.

زينت الحاحيه آسيه خانم: ۷۹.

زين العابدين کاشانی [ميرزا...]: (خطاط): ۵۷، ۵۸.

- سہراب خان: ۶۹، ۶۲. شاہ سلطان حسین صفوی: ۳۴.
- سیاوش: ۵۶. شاہ سلیمان صفوی: ۳۴، ۳۸، ۱۱۱.
- سید ابوطالب کزوبی (خطاط): ۸. شاہ صفی صفوی: ۳۴.
- سید حسین: ۷۶. شاہ طہماسب صفوی: ۱، ۲، ۶، ۷، ۹، ۹۹.
- سید صدرالدین عاملی موسوی: ۳۹. شاہ عباس دوم صفوی: ۱، ۳۳، ۳۴، ۱۰۵، ۱۱۰.
- سید محمدرضا شیخ (خادم آستانہ شریف و شاعر کتبۃ ضریح): ۸، ۹. شاہ قلی خان (نایب شاہان قاجار): ۶۱.
- سید محمد عریضی (مدیر ساختمان و قلمزنی ضریح ناصرالدین - شامی): ۹. شریف العلماء رشتی ← آقا سید مرتضی.
- سید مرتضی [آقا...]: (ملقب بہ شریف العلماء رشتی): ۷۳. شفاخانہ حضرت رضا (ع): ۶۹.
- سینا: ۱۱، ۴۶. شوریدہ شیرازی (شاعر): ۱، ۱۷، ۱۹، ۲۱. شوشی: ۶۲.
- شوکت خانم (دختر عبدالحسین خان یاور): ۷۳. شہاب الدین الحسینی المرعشی النجفی: ۸۸.
- شہر شیراز: ۶۱، ۶۲. شیخ احمد معصومی زنجانی (کاتب): ۳۷.
- شیخ فضل اللہ نوری [حاج...]: ۹۴. شیخ محمدحسن مجتہد قمی (انشاء کنندہ کتابۃ ایوان طلا): ۴۵.
- شیرازی، اسد اللہ: ۷۳. شہ اسماعیل صفوی: ۱، ۴۰، ۴۶، ۴۷.
- شاہ حجاز ← امام موسیٰ الکاظم (ع). شاہزادہ ابو الفضل میرزا ملقب بہ عضدالسلطان: ۷۷.
- شاہزادہ حاجی بہاء الدولہ: ۵۸، ۵۹. شاہزادہ سلطان احمد میرزا: ۹۲.
- شاہزادہ صاحب خانم (ملقب بہ حاجیہ شاہزادہ خانم، نوۃ فتحعلی شاہ): ۵۹. شاہزادہ عبدالعظیم: ۶۹.
- شاہزادہ عضدالسلطنہ (پسر ناصرالدین شاہ قاجار): ۷۸. شاہزادہ عفت الملوک (دختر شاہزادہ سلطان احمد میرزا): ۹۲.
- شاہزادہ محمدامین میرزا: ۵۹. شاہزادہ محمود میرزا امیراکرم (پسر امیرکبیر نایب السلطنہ): ۷۷.
- شاہزادہ مہری جان خانم [حاجیہ...]: (ملقب بہ ندیم العلیا، دختر فتحعلی شاہ): ۵۹. شاہزادہ ناصرالدولہ فرمانفرما: ۷۳.
- ص
- صاحب اختیار آذربایجان ← نایب السلطنہ عباس میرزا: ۹۰. صاحبقران ← ناصرالدین شاہ قاجار.
- الصادق ← امام الصادق جعفر. صادق خان: ۶۲.
- صبا ← فتحعلی خان ملک الشعرا. صحف ابراہیم: ۳۸.
- صحف موسیٰ: ۳۸. صحن اتابکی: ۷۹، ۸۰، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸.
- صحن جدید ← صحن اتابکی.

عباس میرزا نایب السلطنه: ۵۷، ۶۸، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۹۰.

عبدالحسین خان یاور: ۷۳.

عبدالصمد میرزا عزالدوله (پسر محمدشاه قاجار): ۷۷.

عبدالله ← عبدالله خان نقاش باشی اصفهانی.

عبدالله خان نقاش باشی اصفهانی: ۵۷.

عبدالله میرزا حشمت الدوله (نوه فتحعلی شاه): ۵۹.

عزت الدوله (خواهر ناصرالدین شاه): ۲۱، ۲۲.

العسکری ← امام الحسن العسکری (ع).

عشقی، عباس (خطاط): ۳۴.

عضدالسلطان ← شاهزاده ابوالفضل میرزا.

عضدالملک علیرضا خان قاجار: ۴۹.

علی آبادی، محمدتقی (شاعر): ۵۷، ۵۸.

علی بن ابراهیم بن هاشم: ۴۰.

علی بن محمد بن طاهر (خطاط): ۶.

علی الحسین (خطاط): ۷.

علی المرتضی (ع) ← امیرالمؤمنین علی (ع).

علی نقی میرزا رکن الدوله (نوه محمد شاه قاجار): ۷۶، ۷۷.

عمان: ۶۵، ۶۶.

عیسی (ع): ۱۰، ۱۱، ۳۲.

غ

غزنین: ۶۳.

ف

فارس: ۶۱.

فاطمه (س) ← حضرت معصومه (س).

فتحعلی خان صبای کاشانی [ملک الشعرا...]: ۱، ۷، ۱۲،

۱۳، ۱۷، ۳۸، ۴۱، ۴۶، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷.

فتحعلی شاه قاجار: ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۷، ۳۳، ۴۲،

۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۸،

صحن شرقی: ۸۷.

صحن عتیق: ۳۹، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۴، ۷۳، ۷۴، ۷۵،

۷۸، ۹۹.

صفاهان ← اصفهان.

صفویه: ۶۱.

صوفیان روم: ۶۵.

صنیع الدوله: ۶۰.

ض

ضریح سیدالشهدا: ۶۹.

ضریح کاشی شاه طهماسبی: ۲، ۶.

ضریح ناصرالدین شاه: ۸.

ضریح نقره: ۱، ۶، ۷، ۱۲، ۶۹.

ضیاءالملک تفرشی، محمدتقی [میرزا...]: ۹۳.

ط

طاوس خانم (مادر قوام السلطنه و وثوق الدوله): ۸۹.

طور: ۱۱.

طوس: ۸۳.

ع

عابدین، اسدالله (نصاب): ۳۴.

عاملی موسوی، صدرالدین [سید...]: ۳۹.

عارفان مصر: ۶۵.

عاشقان هند: ۶۵.

عباس عشقی (خطاط): ۳۴.

عباسقلی: ۹۱.

علی قلی خان بهاءالملک همدانی قراگوزلو (پسر امان الله خان

بهاء الملک): ۹۳.

عباس میرزا ملک آرا: ۷۷.

۷۱، ۷۴، ۹۰، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹.

فتح‌الله خان شیبانی کاشانی (شاعر): ۸۰.

فتح‌الله شعاع‌السلطنه (پسر فتح‌علی شاه): ۵۹.

فخامت‌الدوله، میرزا محمود خان: ۸۹.

فخرالدوله (دختر ناصرالدین شاه): ۴۹.

فخرالملوک (دختر ناصرالدین شاه و همسر اعتضادالدوله):

۵۱.

فرح پهلوی: ۱۱.

فرخ خان امین‌الدوله غفاری: ۷۴.

فرنگ: ۶۳، ۶۶.

فریدون (شاه کیانی): ۹، ۶۳.

فقه‌القرآن: ۸۸.

فهرست آثار و ابنیه تاریخی کشور: ۱.

ق

قرآن ← کلام‌الله مجید.

قزلب: ۶۳.

قسطنطین: ۸۱.

قطب‌الدین سعید بن هبة‌الدین حسن راوندی [شیخ...]: ۸۸.

قفقاز: ۶۳.

قلعه شاه نجف: ۶۹.

قم: ۹، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۳۵، ۴۶، ۵۳، ۵۷، ۶۸، ۶۹،

۷۱، ۸۳، ۸۷، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۴.

قمرالسلطنه ← ماه تابان خانم.

قمی، حیدر: ۷۳.

قنات ناصری: ۱۰۰.

قندیل شاه نجف: ۶۹.

قوام، احمد [قوام‌السلطنه...]: ۸۸، ۸۹.

قوام‌الدوله: ۹۰.

قوام‌السلطنه ← احمد قوام.

قوم یاجوج: ۶۳.

قهرمان میرزا (پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه): ۷۴.

قیصر: ۴۱.

ک

کاروانسرای ری: ۶۹.

کاشی معرق: ۱، ۲.

الکاظم ← امام موسی‌الکاظم.

کامران میرزا نایب‌السلطنه: ۵۸.

کاوس: ۵۶.

کتاب کریم ← کلام‌الله مجید.

کتابه سنگ مرمر پای ضریح نقره: ۱۲.

کریم خان زند: ۶۱، ۶۲.

کشور جم: ۲۵.

کعبه: ۳۲، ۸۰.

کلام‌الله مجید: ۴، ۵، ۶، ۳۶، ۹۹.

کوچه حرم: ۹۴.

کیخسرو: ۵۶.

کیکاووس میرزا (حاکم قم در زمان فتح‌علی شاه قاجار): ۲۷.

گ

گنبد صاحب زمان: ۶۹.

گنبد نجف: ۶۹.

گرج: ۶۳.

گلین خانم ← گوهر خانم.

گوهر خانم (ملقب به گلین خانم): ۹۲.

ل

لاریجان: ۶۹.

- ماچین: ۸۱.
- مازندران: ۶۲.
- ماه تابان خانم (ملقب به قمرالسلطنه دختر فتحعلی شاه قاجار): ۵۹.
- مجدالملک، حاجی میرزا محمد خان: ۸۹.
- محشم کاشانی: ۱.
- محراب مسجد موزه: ۱۰۹.
- محرم (بانی ضریح اول شاه طهماسب صفوی): ۹.
- محله آستانه (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله النگ (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله الوندیه (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله باغ پنبه (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله باغ قاضی (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله چهار مردان (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله دولتخانه (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله رضا آباد (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله سنگبند (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله سیدان (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله کوچه تنگ (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله عربستان (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله عشق علی (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله مسجد جامع (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله موسویان (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محله میان شهر (از محله‌های قم): ۱۰۱.
- محمدابراهیم خان امین السلطان: ۹۵، ۹۱.
- محمدابراهیم خان خواجه‌نوری: ۷۹، ۷۸.
- محمدابراهیم خان نوری ← محمدابراهیم خان خواجه‌نوری.
- محمدابراهیم طهرانی مشهور به میرزا عمو (خطاط): ۱۷.
- محمد امین میرزا (پسر فتحعلی شاه): ۵۹.
- محمدباقر بنا: ۹۷.
- محمدتقی علی آبادی (شاعر): ۵۷، ۵۸.
- محمدتقی میرزا رکن الدوله (پسر محمد شاه قاجار): ۷۶.
- محمدجعفر مهرجرد یزدی: ۳۹.
- محمدحسن اصفهانی (خطاط): ۶۹.
- محمدحسن حجّار باشی الاصفهانی: ۵۸، ۶۹.
- محمدحسن خان (فرزند سعید خان): ۶۱.
- محمدحسین [استاد...]: (حجّار): ۶۲.
- محمدحسین الطهرانی (راقم): ۶۲.
- محمدخان میرپنجه [آقا...]: ۵۹.
- محمدرضا امامی اصفهانی (خطاط): ۳۴، ۱۰۵، ۱۰۶.
- محمدرضا شاه پهلوی: ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۶.
- محمد شاه (سر سلسله قاجار): ۶۱.
- محمد شاه قاجار: ۲۷، ۳۴، ۴۸، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۶۸، ۷۰.
- ۷۱، ۷۵، ۷۶، ۷۷.
- محمد شه ← محمد شاه قاجار.
- محمدعلی اصفهانی: ۷۶.
- محمدعلی امین‌الحضرة (پسر محمدابراهیم امین السلطان): ۹۱.
- محمدعلی حجّار باشی ← حاجی محمدعلی حجّار طهرانی.
- محمدعلی حجّار قمی [استاد...]: ۷۱.
- محمدعلی ریاضی یزدی [سید...]: (شاعر): ۲۳، ۲۴.
- ۲۵، ۲۷، ۲۹، ۳۶، ۳۷.
- محمدالمصطفی (ص): ۳، ۶، ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۳۱، ۳۶.
- ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۷، ۵۷، ۶۰، ۶۸، ۷۱، ۹۴، ۹۸.
- ۹۹، ۱۰۶.
- محمد میرزا ← محمد شاه قاجار.
- محمود (= سلطان محمود غزنوی): ۵۲.
- محمود خان ناصرالملک: ۹۳.

- مدرسه بروجرد: ۶۹.
- مدرسه حضرت سید الشهداء (ع): ۶۹.
- مدرسه علی بن جعفر: ۶۹.
- مدرسه خان مروی: ۶۹.
- مدرسه کرمان: ۶۹.
- مدرسه دار الشفا: ۶۹، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸.
- مدرسه کرمانشاه: ۶۹.
- مدرسه شاه نجف: ۶۹.
- مدرسه میرزا مسیح دارالخلافة: ۶۹.
- مدرسه شیراز: ۶۹.
- مدرسه میرزا موسی: ۶۹.
- مدرسه صدر: ۶۹.
- مدرسه یونس خان: ۶۹.
- مدرسه فیضیه: ۴۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷.
- مشهد مقدس: ۶۹.
- مصر: ۵۲، ۶۵.
- مظفرالدین شاه قاجار: ۲۰.
- مدفن شاه صفی صفوی: ۳۳.
- مدفن شاه عباس دوم صفوی: ۳۳.
- مرقد شاه سلطان حسین صفوی: ۳۴.
- مرقد شاه سلیمان صفوی: ۳۶.
- مرقد شاه عباس دوم صفوی: ۳۴.
- مستوفی الممالک، میرزا حسن خان: ۷۲.
- مستوفی الممالک، میرزا یوسف: ۷۳.
- مسجد اقصی: ۱۱، ۸۳.
- مسجد بالاسر: ۱۱، ۲۱، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹.
- مسجد بروجرد: ۶۹.
- مسجد تبریز: ۶۹.
- مسجد جناب سید محمدباقر: ۶۹.
- مسجد حاج علی: ۶۹.
- مسجد حکیم باشی: ۶۹.
- مسجد دارالعبادة یزد: ۶۹.
- مسجد زنجان: ۶۹.
- مسجد ساری: ۶۹.
- مسجد سمنان: ۶۹.
- مسجد شاه: ۶۹.
- مسجد طباطبائی: ۳۹، ۹۸.
- معتمدالدوله منوچهر خان گرجی ← منوچهر خان گرجی.
- معصومی زنجانی، شیخ احمد (کاتب): ۳۷.
- مفراح الدوله، ملک تاج خانم: ۸۹.
- مقبرة اتابک ← مقبره شماره شش صحن اتابکی.
- مقبرة حاج شیخ فضل الله نوری ← مقبره شماره چهل و یک صحن اتابکی.
- مقبرة حاجی سید کمال مدرس ← مقبره شماره سی و شش صحن اتابکی.
- مقبرة حاجی ناصر السلطنه دیا ← مقبره خانوادگی دیا.
- مقبرة خانوادگی دیا: ۹۱.
- مقبرة شاه صفی صفوی: ۳۴.
- مقبرة شماره چهار صحن اتابکی: ۹۰.
- مقبرة شماره چهل و سه صحن اتابکی: ۹۴.
- مقبرة شماره چهل و یک صحن اتابکی: ۹۴.
- مقبرة شماره سی و شش صحن اتابکی: ۹۲.
- مقبرة شماره سی و هشت صحن اتابکی: ۹۳.
- مقبرة شماره سی و هفت صحن اتابکی: ۹۳.
- مقبرة شماره سی و یک صحن اتابکی: ۹۳.
- مقبرة شماره شانزده صحن عتیق: ۷۸.
- مقبرة شماره شش صحن اتابکی: ۹۰.

- مقبره شماره شش صحن عتیق: ۷۳.
- مقبره شماره سه صحن اتابکی: ۸۸.
- مقبره شماره یک صحن اتابکی: ۸۸.
- مقبره فتحعلی شاه قاجار: ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۰، ۶۸، ۷۰.
- مقبره فرخ خان امین الدوله در صحن عتیق: ۷۴.
- مقبره قهرمان میرزا پسر عباس میرزا: ۷۴.
- مقبره محمد شاه قاجار در صحن عتیق: ۵۲، ۷۵، ۷۶.
- مقبره مستوفی الممالک: ۷۲.
- مقبره معتمدالدوله منوچهر خان گرجی: ۵۱، ۵۲.
- مقبره محمد ابراهیم خان خواجه نوری: ۷۸، ۷۹.
- مقبره مهدعلیا: ۴۸، ۴۹.
- مکه: ۸۰.
- ملا رجعلی مُذَهَّب مشهدی: ۴۵.
- ملت فارس: ۶۵.
- ملک تاج خانم مفرح الدوله (دختر میرزا ابراهیم معتمد السلطنه): ۸۹.
- ملک حجاز: ۲۵.
- ملک سلطان خانم (دختر میرزا محمد تقی و نوه فتحعلی شاه قاجار): ۹۰.
- ممالک ایران: ۶۸.
- ممالک عراق: ۶۱.
- مملکت آذربایجان: ۶۳.
- منوچهر خان گرجی [معتمدالدوله...]: ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵.
- مؤیدالدوله (پسر حسام السلطنه): ۵۱.
- موزه آستانه: ۱۴، ۱۷، ۱۰۸، ۱۰۹.
- موسی (ع): ۹، ۱۰، ۲۲، ۳۸، ۴۶.
- موسی بن خزر بن سعد: ۹۶.
- موسی جعفر (ع) ← امام موسی الکاظم (ع).
- مولوی نهاوندی، میرزا نصر الله: ۹۲.
- مهد علیا (مادر ناصرالدین شاه قاجار): ۴۸، ۴۹، ۷۷.
- مهدوی، حسین آقا [حاجی...]: ۹۴.
- المهدی ← امام المهدی الهادی محمد صاحب الزمان (ع).
- مهدی برهانی [سید...]: (کاتب): ۳۶.
- مهدی طهرانی ملک الکتاب (خطاط): ۷، ۱۲، ۱۴، ۴۱، ۴۶.
- مهدیقلی خان مجدالدوله ← حاجی مجدالدوله.
- مهرجردی یزدی، محمدجعفر: ۳۹.
- میدان آستانه: ۸۷.
- میرزا آقا تبریزی (خطاط): ۸۰.
- میرزا آقا خان صدراعظم نوری: ۷۹.
- میرزا آقا عبدالمولی: ۸۶.
- میرزا ابراهیم معتمد السلطنه آشتیانی (پدر وثوق الدوله): ۸۹.
- میرزا اسمعیل خان امین الملک (پسر محمد ابراهیم خان امین السلطان): ۹۱.
- میرزا بزرگ ← میرزا هدایت الله.
- میرزا تقی اتابک اعظم ← میرزا تقی خان امیرکبیر.
- میرزا تقی خان امیرکبیر: ۲۱، ۷۵.
- میرزا احسن خان وثوق، و وثوق الدوله (صدراعظم ایران): ۸۹.
- میرزا حسین خان مستوفی (حاکم قم و ساوه): ۱۰۱.
- میرزا صادق (متخلص به ناطق، از شعرا اصفهان): ۴۲.
- میرزا عباس خان معاون السلطان نورانی: ۹۴.
- میرزا علی اصغر خان اتابک: ۹۰، ۹۵، ۹۷.
- میرزا علی اکبر حجّار (پسر حاجی علی): ۴۹.
- میرزا علی اکبر فیض (خطاط): ۸.
- میرزا علی رضا مستوفی (خطاط): ۸.
- میرزا عمو ← محمد ابراهیم طهرانی.
- میرزا کاظم خان اعلم السلطنه: ۹۰.
- میرزا محمد تقی (پسر فتحعلی شاه قاجار): ۹۰.
- میرزا محمد تقی ضیاء الملک تفرشی لشکر نویس (میرزا بزرگ): ۹۳.

نیل: ۶۵.

میرزا محمد خان مجدهالملک [حاجی...]: ۸۹.

میرزا محمد خان موقردوله: ۷۹.

میرزا محمدعلی (وزیر لشکر): ۹۳.

میرزا محمود خان فخامتالدوله: ۸۹.

میرزا نصرالله (ملقب به مولوی نهاوندی): ۹۲.

میرزا نصرالله خان طباطبائی دیبا (ملقب به ناصرالسلطنه)،

[حاجی...]: ۹۲، ۹۱.

میرزا نصرالله خان فراهانی: ۲۱.

میرزا هدایت (وزیر لشکر): ۹۳.

میرزا هدایت الله (مشهور به میرزا بزرگ): ۹۳.

میر سید حسین متولی باشی: ۹۹.

ن

نادر شاه افشار: ۶۱.

ناصرالدین شاه قاجار: ۷، ۸، ۹، ۱۸، ۲۱، ۴۵، ۴۷، ۴۸،

۴۹، ۵۰، ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۶، ۹۴، ۹۵، ۱۰۰.

ناصرالسلطنه دیبا ← میرزا نصرالله خان طباطبائی دیبا.

ناصرالملک، محمود خان: ۹۳.

ناطق ← میرزا صادق شاعر اصفهانی.

نایب السلطنه عباس میرزا ← عباس میرزا نایب السلطنه.

النبی ← محمد مصطفی (ص).

نجف: ۶۹.

نصرالله پروین اصفهانی (زرگر ضریح ناصرالدین شاهی): ۹.

نظامالدوله ← امیر اصلان خواجه نوری: ۷۹.

نظامالسلطنه ← حسینقلی خان نظامالسلطنه.

النقی ← امام علی النقی (ع).

نگارالدوله (دختر شاهزاده ناصرالدوله فرمان فرما): ۷۳.

نورالدوله (مادر ابو الفتح میرزا عضدالسلطان): ۷۷.

نورالسلطنه (دختر مظفرالدین شاه قاجار): ۵۱.

نوری بیگ بن مهتر میرزا بیگ بن مهتر منصور: ۱۰۱.

و

وثوقالدوله ← میرزا حسن خان وثوق.

وصال شیرازی: ۲۱.

وقار (پسر وصال شیرازی): ۲۱، ۲۲.

ه

هرات: ۵۱.

همدم السلطنه، حبیبه خانم مسعود: ۷۳.

هند: ۴۱، ۶۵.

هوشنگ (شاه کیانی): ۱۳.

ی

یافت اوغلان ← ترک بن یافت بن نوح.

یحیی (ع): ۳۲.

